

گزارش تحقیق:

وضعیت هزاره ها در سال چهارم حاکمیت طالبان

(۱۵ اگست ۲۰۲۴ – ۱۵ اگست ۲۰۲۵)



Muzafar Ali - the source of the image: <https://exhibitions.library.unsw.edu.au/>

شبکه تحلیلگران بلاق

گزارش تحقیق

وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان (۱۵ اسفند ۲۰۲۴ - ۱۵ اگست ۲۰۲۵)

۱۵ اگست ۲۰۲۵

امتیازات مادی و معنوی این سند مربوط به شبکه تحلیلگران بلاق و دست اندرکاران آن می‌باشد.

سپاسگزاری

شبکه تحلیلگران بلاق مراتب امتنان و سپاس صمیمانه خود را از همکاران تیم تحقیق که در داخل و خارج از افغانستان تلاش کردند تا این تحقیق جامع را به سرانجام برسانند، ابراز می‌دارد.

شبکه تحلیلگران بلاق به‌عنوان یک نهاد مستقل و غیرانتفاعی که برای تحقق عدالت، صلح و برابری به‌گونه‌ای بی‌طرفانه فعالیت می‌کند، بر آن است تا با انجام تحقیقات عمیق و مستند، واقعیت‌های جامعه افغانستان را شناسایی کرده و با مردم و جامعه بین‌المللی شریک سازد تا از این رهگذر، زمینه‌ای برای دسترسی به عدالت فراهم شود.

ما از تلاش‌های ارزنده اعضای تیم تحقیق: **طیبه جعفری، علی احمدی، ع.ح. آواره** (مستعار، عضو تیم تحقیق در افغانستان)، **مستوره شفایی، علی محبی، سلین آزاد** (مستعار، عضو تیم تحقیق در افغانستان)، **حبیب پیمان و آصف یوسفی** که گردآوری اطلاعات، انجام مصاحبه‌ها، تهیه، ترتیب و توزیع پرسش‌نامه‌ها و تحلیل داده‌ها را انجام دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم. همچنین از اعضای تیم ترجمه، **اکرم گیزابی، رضا جاوید، محمد جواد علی آقا، انیس رضایی، داوود وصل و قاسم لومان** که در ترجمه این گزارش از فارسی به انگلیسی همکاری داشتند، قدردانی ویژه به عمل می‌آید.

در پایان، تشکر ویژه‌ای داریم از مردم شریف هزاره که با وجود شرایط دشوار، در گردآوری این اطلاعات و انجام مصاحبه با ما، ما را یاری رساندند. این تحقیق با احترام و افتخار به مردم هزاره تقدیم می‌شود که با وجود ظلم حاکم، همچنان برای بقا، کرامت و عزت انسانی خود ایستادگی می‌کنند.

خلاصه و یافته‌های کلیدی

چهار سال حاکمیت طالبان در افغانستان، وضعیت هزاره‌ها را از لحاظ امنیتی، اجتماعی و اقتصادی با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. زندگی برای مردم هزاره تحت سلطه طالبان به کابوسی بی‌پایان تبدیل شده است. وضعیت امنیتی در مناطق هزاره‌نشین وخیم‌تر گردیده و زمین‌های آنان توسط طالبان و با حمایت آن‌ها از سوی کوچی‌ها غصب شده است. بسیاری از هزاره‌ها از سرزمین‌های آبایی و اجدادی خود مجبور به کوچ اجباری شده‌اند. زنان و دختران هزاره بدون دلایل حقوقی بازداشت، زندانی و ناپدید شده‌اند. از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز هزاره‌ها در شرایط دشواری به سر می‌برند؛ بسیاری از آنان از مشاغل دولتی اخراج شده و سطح معیشت‌شان به شدت کاهش یافته است.

این تحقیق با هدف بررسی وضعیت امنیتی، اجتماعی و اقتصادی هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان انجام شده است. روش تحقیق به صورت ترکیبی (کمی و کیفی) بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه با ۲۵ نفر — از جمله دو متخصص امور امنیتی — و تحلیل پرسش‌نامه‌هایی که از نمونه‌ای ۳۵۵ نفره از هزاره‌هایی که در داخل افغانستان زندگی می‌کنند، گردآوری شده است.

یافته‌های کلیدی

وضعیت امنیتی هزاره‌ها

- ۴۸.۵٪ از پاسخ‌دهندگان معتقدند که وضعیت امنیتی در مناطق هزاره‌نشین در یک سال گذشته بدتر شده است.
- از اگست ۲۰۲۴ تا اگست ۲۰۲۵، ۱۹ تن از هزاره‌ها توسط طالبان یا با حمایت آن‌ها از سوی کوچی‌ها کشته شده‌اند.
- زمین‌های مردم هزاره در ولایات بهسود، غزنی و بامیان توسط طالبان و کوچی‌ها غصب شده و خانواده‌ها به کوچ اجباری وادار شده‌اند.
- طالبان با تاسیس "کمیسیون قضایی" اسناد زمین‌های غصب شده هزاره‌ها توسط کوچی‌ها را بدون مبنا و اساس قانونی اعتبار دهی می‌کنند.

وضعیت اجتماعی هزاره‌ها

- ۸۵.۶٪ از افزایش تبعیض فرهنگی، مذهبی و ناامنی روانی در مناطق هزاره‌نشین به دلیل گماشتن افراد طالبان در ادارات دولتی خبر داده‌اند.
- ۵۱.۳٪ از دشوار شدن دسترسی به خدمات صحتی در یک سال گذشته گزارش داده‌اند.
- ۸۳.۴٪ اظهار داشته‌اند که دختران خانواده‌های‌شان در یک سال اخیر از فرصت‌های شغلی و آموزشی محروم مانده‌اند.
- ۴۰.۸٪ از افزایش موارد ازدواج اجباری دختران در اثر سلطه طالبان سخن گفته‌اند.
- ۷۶.۹٪ از هزاره‌ها به فکر مهاجرت و جستجوی مکانی امن برای زندگی هستند.

وضعیت اقتصادی هزاره‌ها

- ۵۲.۱٪ وضعیت اقتصادی خانواده‌ی خود را «بسیار ضعیف»، ۳۰.۱٪ «ضعیف» و تنها ۲.۳٪ آن را «خوب» توصیف کرده‌اند.
- ۶۰.۸٪ از هزاره‌ها به دلیل قومیت‌شان از مشاغل دولتی اخراج شده‌اند.
- ۶۷.۳٪ اعلام کرده‌اند که با انتصاب نیروهای طالبان در رأس ادارات دولتی، میزان مالیات‌های غیرقانونی افزایش یافته است.
- پروژه‌های اقتصادی در مناطق هزاره‌نشین به صورت منصفانه توزیع نمی‌شوند.

فهرست مطالب

بخش اول.....	۱
کلیات.....	۱
الف) مقدمه	۱
ب) اهداف تحقیق	۲
ج) پرسش‌های تحقیق.....	۲
د) روش تحقیق	۳
هـ) جامعه آماری و حجم نمونه	۴
و) چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق	۵
ز) جمعیت‌شناسی تحقیق.....	۶
بخش دوم: یافته‌های تحقیق	۸
فصل اول: وضعیت امنیتی	۸
الف) وقایع تروریستی	۱۱
ب) غصب اراضی و کوچ اجباری.....	۱۴
الگوهای غصب زمین	۱۹
ج) قلدری و باج‌گیری طالبان از مناطق هزاره نشین	۲۰
فصل دوم: وضعیت اجتماعی	۲۸
الف) وضعیت زنان و محرومیت از تعلیم، تحصیل و اشتغال	۲۹
ازدواج اجباری و ازدواج کودکان:	۳۱
زندانی و ناپدید کردن دختران هزاره توسط طالبان	۳۲
ب) بحران مهاجرت و اخراج اجباری از کشورهای همسایه	۳۵
مهاجرت:	۳۵
اخراج اجباری از ایران:	۳۷
فصل سوم: وضعیت اقتصادی	۳۹

الف) بحران معیشتی هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان ۳۹

ب) تبعیض قومی و محرومیت اقتصادی ۴۰

بخش سوم: ضمایم ۵۰

الف: سوالات پرسش‌نامه ۵۰

ب: فراخوان همکاری ۵۵

بخش اول

کلیات

الف) مقدمه

به تاریخ ۱۵ آگست سال ۲۰۲۱ میلادی، جمهوری بیست‌ساله در افغانستان فروپاشید و برای دومین بار، افغانستان زیر سایه حاکمیت گروه طالبان قرار گرفت. تحت حاکمیت این گروه، زندگی برای میلیون‌ها شهروند افغانستان دشوار شد و مسیر ناآرام و خشونت‌بار برای اکثر شهروندان کشور رقم خورد. نقض حقوق بشر، اعدام‌ها، آوارگی و مهاجرت، غصب زمین، خسارت جانی و مالی، محاکمه‌های صحرایی، تجاوز بر زنان و دختران، بستن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها به روی دختران، ممنوعیت تعلیم و تحصیل دختران، اجبار مردم به پرداخت مالیات هنگفت و سلیقه‌ای از مؤلفه‌های معرفی کننده افغانستان زیر سایه طالبان است. بر اساس بررسی‌های اداره هماهنگی کمک‌های انسانی سازمان ملل^۱، در سال ۲۰۲۵ میلادی، ۲۲.۹ میلیون نفر در افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند که در میان آن‌ها ۵.۷ میلیون زن و ۵ میلیون مرد با آسیب‌پذیری حاد روبرو است^۲. یافته‌های برنامه‌ای توسعه سازمان ملل^۳ نیز نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۴ میلادی، سه چهارم خانوارها (۷۵٪) در کشور ناامنی معیشتی داشتند که افزایش ۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ میلادی را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های سازمان ملل، وضعیت افغانستان همچنان بسیار بی‌ثبات و تحت تأثیر کاهش سطوح کمک‌های بشردوستانه باقی مانده است^۴.

افزون بر کاهش سطح کمک‌های بشردوستانه در یک سال اخیر، افزایش بازگشت مهاجرین و عودت کنندگان، اخراج اجباری آن‌ها از کشورهای همسایه به‌ویژه از ایران و پاکستان به تداوم بحران حقوق بشری در افغانستان منجر شده است. لایه‌های بحران حقوق بشری در افغانستان با پرداختن به گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه هزاره‌ها ابعاد بسیار پیچیده‌تری پیدا می‌کند. به‌طور مثال، بررسی‌های ما در خصوص روند اخراج مهاجرین در ایران نشان می‌دهد هزاره‌ها به دلیل چهره‌ای مخصوص شان، به‌راحتی در ایران قابل‌شناسایی بوده‌اند و به همین دلیل در یک سال گذشته، بیشتر در معرض آزار و اذیت و بازداشت‌ها و مهاجر ستیزی در این کشور قرار گرفته‌اند. هزاره‌ها و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر در داخل افغانستان نیز زندگی دشوارتر از سایرین را سپری می‌کنند و با محدودیت‌های بسیار شدیدتری روبرو هستند. این مهم، در گزارش‌های مربوط به نهادهای بین‌المللی، به‌خوبی انعکاس یافته است. به‌طور مثال، ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر افغانستان در گزارش که در نشست پنجا و نهم شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه کرد، یادآور شد که اکنون تنها تمام فیصله‌ها بر اساس تفسیر طالبان از فقه سنی انجام می‌شود و هزاره‌ها و شیعیان با احکامی مواجه هستند که ممکن است با اصول مذهبی آن‌ها مغایرت داشته باشد. طبق این گزارش، زنان هزاره

^۱. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs

^۲. Afghanistan: Humanitarian Update, March ۲۰۲۵, OCHA: [Afghanistan: Humanitarian Update, March ۲۰۲۵](#) |

[OCHA](#), seen: July ۲۸, ۲۰۲۵

^۳. United Nations Development Programme

^۴. UNDP, AFGHANISTAN SOCIO-ECONOMIC REVIEW FRAGILE GAINS, DEEPENING SUBSISTENCE INSECURITY, ۲۰۲۳-۲۰۲۴, published in: April ۲۰۲۵, p. ۵۰.

که قبلاً بر اساس فقه شیعه جعفری طلاق دریافت کرده بودند، این طلاق‌ها باطل شده است.^۵ این موارد، نشان می‌دهد که گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه هزاره‌ها در افغانستان از ابعاد گوناگون متأثر از رفتار طالبان هستند. این‌ها مجبور هستند از فرمان‌هایی اطاعت کنند که از نظر مذهبی، هیچ سنجیت با عقیده و باور آن‌ها ندارند. این‌ها مجبور هستند به آیین و آدابی تن بدهند که از لحاظ فرهنگی هیچ نسبتی با آن ندارند. به همین دلیل است که با آمدن طالبان امنیت روانی گروه‌های آسیب‌پذیر به‌ویژه هزاره‌ها به‌شدت کاهش یافته است. به‌طور مثال، نتایج یک تحقیق در ولایت بامیان نشان می‌دهد، پس از اعمال محدودیت‌های طالبان بر دختران دانش‌آموز در این ولایت، بسیاری از این دختران، حداقل یک‌بار به خودکشی فکر کرده‌اند.^۶

با این وصف، دیده می‌شود آسیب‌پذیری هزاره‌ها به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. همین مسئله باعث شده است شبکه تحلیل‌گران بلاق، هر سال گزارش مفصل و تحقیقی دربارهٔ وضعیت این مردم تهیه کند. اکنون که به پایان سال چهارم حاکمیت طالبان نزدیک می‌شویم، تیم تحقیقاتی شبکه تحلیل‌گران بلاق در ادامه پژوهش‌ها و مطالعات پیشین خود، دربارهٔ هزاره‌ها و وضعیت حقوق بشری آنان، بررسی تازه‌ای از وضعیت این مردم را در چهارمین سال حکومت طالبان انجام داده است.

ب) اهداف تحقیق

هدف این تحقیق بررسی وضعیت هزاره‌ها در چهارمین سال حاکمیت طالبان است. ذیل این هدف، تلاش شده است تا وضعیت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی هزاره‌ها از نزدیک مورد بررسی قرار گیرد و نیروهای با آسیب‌پذیری بیشتر در درون جامعه هزاره در افغانستان شناسایی شوند. هدف دیگر این تحقیق، بازتاب بی‌طرفانه روایت هزاره‌های متأثر از رفتار طالبان و قربانیان رفتار طالبانیسم است که کمتر در محافل علمی و رسانه‌ای بدان توجه شده است. تا با نشر این تحقیق به شکل بی‌طرفانه و مسلکی بتوانیم نهادهای مدافع حقوق بشر را از وضعیت هزاره‌ها تحت رژیم طالبان آگاه نماییم و با استفاده از این گزارش به حیث یک منبع موثق و بی‌طرف دادخواهی‌های بین‌المللی صورت گیرد و از این طریق مردم هزاره بتوانند به عدالت دسترسی پیدا کنند.

ج) پرسش‌های تحقیق

الف- پرسش اصلی

وضعیت امنیتی، اجتماعی و اقتصادی هزاره‌ها در چهارمین سال حاکمیت طالبان چگونه بوده است؟

ب- پرسش‌های فرعی

۱- تا چه اندازه هزاره‌ها در معرض تهدیدهای امنیتی مانند حملات هدفمند و تبعیض در برخورد با نهادهای امنیتی و ناامنی

عمومی قرار داشته‌اند؟

۲- چگونه محدودیت‌های طالبان بر آموزش، آزادی‌های فردی و حقوق زنان در میان هزاره‌ها اثر گذاشته است؟

^۵. United Nations Human Rights Council, Access to Justice and Protection for Women and Girls and the Impact of Multiple and Intersecting Forms of Discrimination, A/HRC/۵۹/۲۵ (۲۰۲۵), <https://www.ohchr.org/en/documents/country-reports/ahrc۵۹۲۵-access-justice-and-protection-women-and-girls-and-impact>, Seen: ۲۷/۰۷/۲۰۲۵

^۶. Ahmadi and Jafari, Psychological Impact of Taliban's Religious Police on Female Students in Bamiyan City: A Study from ۲۰۲۱-۲۰۲۴, Publisher: Bolaq Analysts Network, ۲۰۲۵, p. ۱۰, <http://dx.doi.org/۱۰.۱۳۱۴۰/RG.۲,۲,۲۶۸۰۳,۱۳۶۰۷>

- ۳- تا چه میزان، غصب زمین، کوچ اجباری و تبعیض اجتماعی تجربه شده است؟
- ۴- تا چه میزان هزاره‌ها تجربه ترک افغانستان و برگشت اجباری از کشورهای همسایه داشته‌اند؟
- ۵- وضعیت اشتغال، درآمد و دسترسی به منابع اقتصادی برای هزاره‌ها در یک سال گذشته چگونه بوده است؟

(د) روش تحقیق

در تحقیق حاضر از روش ترکیبی (Triangulation Method) استفاده شده است. استفاده از این روش، این امکان را برای ما فراهم ساخت تا در کنار داده‌های کمی، داده‌های کیفی نیز داشته باشیم تا بتوانیم به درک عمیق از وضعیت هزاره‌ها دست پیدا کنیم. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، پرسش‌نامه، مصاحبه و تحقیقات انجام شده توسط سایر نهادهای حقوق بشری است. پرسش‌نامه‌های این تحقیق در ۲۲ سوال تنظیم شده است. از این مجموعه ۴ سوال مربوط به وضعیت پاسخ‌دهنده، ۵ سوال در ارتباط با وضعیت امنیتی، ۸ سوال در ارتباط با وضعیت اجتماعی و ۵ سوال در ارتباط با وضعیت اقتصادی می‌باشد. از این مجموعه، ۱۱ سوال با استفاده از طیف لیکرت تنظیم شده‌اند که در آن میزان موافقت و مخالفت پاسخ‌دهندگان به ترتیب کاملاً موافق، موافق، تاحدودی، مخالف و کاملاً مخالف پرسیده شده است. ۹ سوال با پاسخ‌های از قبل تعیین شده در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت که آن‌ها گزینه‌ای موردنظرشان را صرفاً انتخاب می‌کردند و ۲ سوال نیز به صورت باز طرح گردید تا پاسخ‌دهنده تجربه شخصی یا اطلاعاتی خویش را درباره تهدیدهای امنیتی، فشار طالبان، غصب زمین، برخورد تبعیض‌آمیز در منطقه خود روایت کنند.

پرسش‌نامه‌های این تحقیق در فورم آنلاین ترتیب شد و در ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس (Convenience Sampling) از طریق واتس‌آپ در اختیار گروه هدف قرار گرفت. سپس با تکیه بر روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی (Snowball Sampling) از آن‌ها خواسته شد تا پرسشنامه‌ها برای دیگر دوستان‌شان که ویژگی‌های هزاره‌بودن و در داخل افغانستان بودن را دارا باشند، شریک سازند. ترکیبی این دو روش، به پژوهشگران این تحقیق اجازه داد تا با رعایت اصول محرمانگی و امنیت به شبکه گسترده‌ای از پاسخ‌دهندگان دست پیدا کند.

برای سنجش روایی محتوایی (Content Validity)، پرسشنامه قبل از توزیع در اختیار ۲ متخصص قرار داده شد و نظریات آن‌ها در تنظیم نهایی پرسشنامه لحاظ گردید. برای سنجش روایی صوری (Face Validity) این تحقیق، در ابتدای تحقیق تست پایلوت (Pilot Test) روی یک گروه ۲۵ نفری انجام شد. هدف از انجام این تست، بررسی وضوح سوالات، درک‌پذیری گزینه‌ها و شناسایی اشکالات احتمالی در پرسشنامه بود.

در بخش کیفی تحقیق، با دو متخصص امنیتی در رابطه به وضعیت کلی امنیتی هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان مصاحبه صورت گرفت و در پهلوی آن از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ترکیب از روش هدفمند و گلوله‌برفی (purposive and snowball sampling methods) استفاده شد. سوالات بر اساس تجربه پاسخ‌دهندگان، مانند تجربه خشونت، کوچ اجباری، پرداخت مالیات غیرمعمول و دعوا بر سر زمین توسط کوچی‌ها تنظیم گردید؛ بنابراین، از هر فرد تنها درباره تجربه زیسته خاص سوال شد تا داده‌ها در چارچوب موضوعی دقیق‌تری گردآوری شوند. دلیل اصلی برای عدم استفاده از روش تحلیل مضمون نیز مقدور نبودن این روش در این تحقیق است؛ زیرا در تحقیقات حساس مانند موضوع غصب زمین، به دلیل ترس، فشار طالبان و ناامنی دسترسی به نمونه‌های بیشتر امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، به دلیل این ملاحظات، تعداد مصاحبه‌کننده‌ها در بعضی از بخش‌ها محدود بوده است.

روش تحلیل در این تحقیق، توصیفی است. مصاحبه‌های انجام‌شده در موارد حساس و با محدودیت دسترسی به صورت نقل قول‌های مستقیم (Direct Quotations) مورد استفاده قرار گرفته است. اطلاعات کمی نیز با بهره‌گیری از شاخص‌های توصیفی شامل تعداد، درصد و میانگین تحلیل شده است.

هـ) جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه‌ای آماری این تحقیق شامل تمام هزاره‌هایی است که در داخل افغانستان زندگی می‌کنند. بر اساس برآورد سازمان سیا در سال ۲۰۰۰ میلادی، هزاره‌ها ۱۹ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند.^۷ از آنجایی که مجموع نفوس افغانستان طبق برآورد رسمی اداره احصائیه و معلومات در سال ۱۴۰۳ هجری شمسی مطابق ۲۰۲۴ میلادی حدود ۳۵.۷ میلیون نفر تخمین زده شده است^۸، جامعه آماری این تحقیق به ۶۷۸۳۰۰۰ نفر هزاره ساکن در افغانستان می‌رسد.

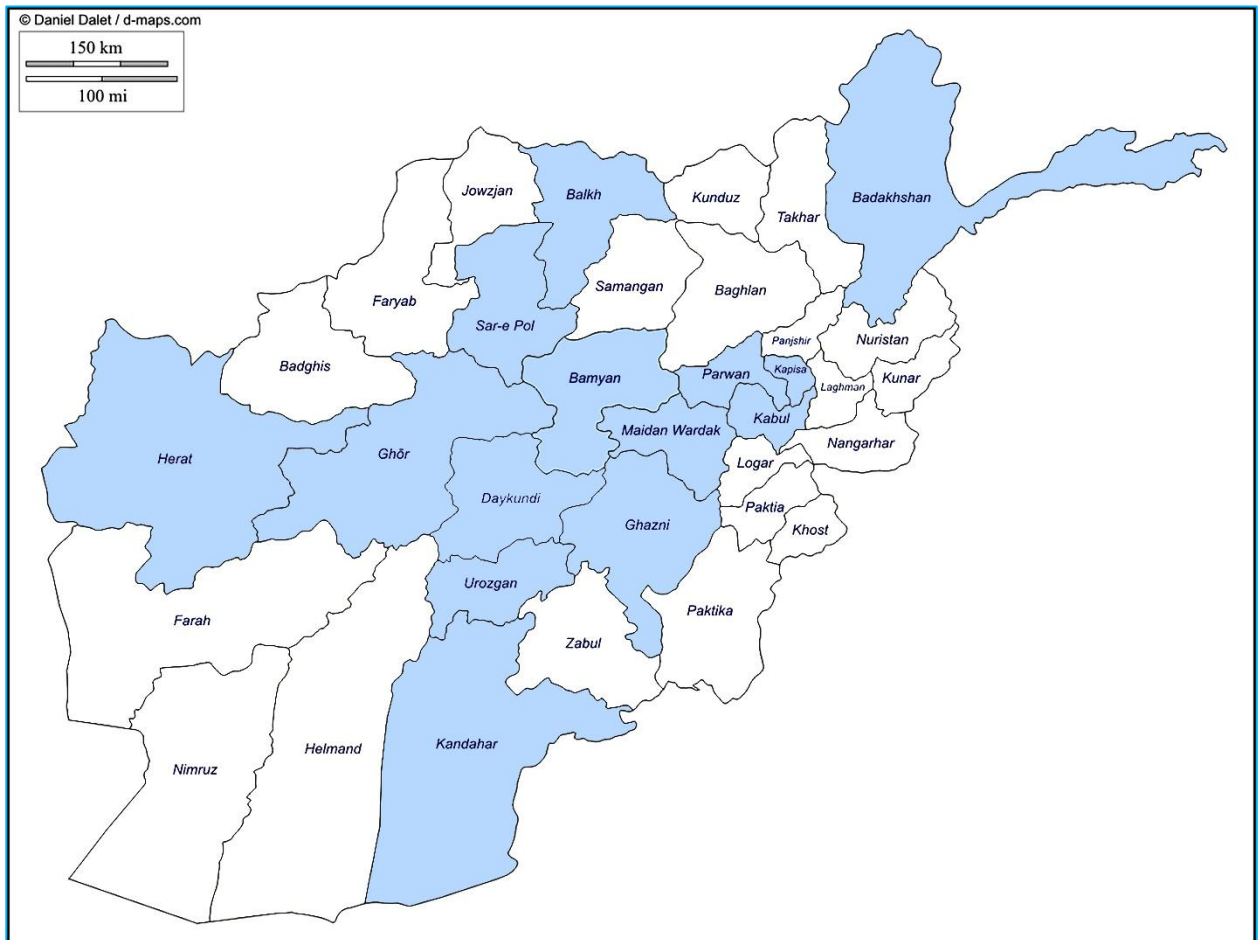
برای تعیین حجم نمونه (Sample Size) از فرمول کوکران برای جامعه محدود (Cochran's formula) استفاده شده است. در این فرمول، با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪ با ضریب نورمال ۱.۹۶، دامنه خطای ۵٪ (d=۰.۰۵)، نسبت محافظه کارانه ۵۰٪ (p=۰.۵) و (q=۰.۵)، حجم نمونه مورد نیاز ۳۸۴ نفر به ترتیب زیر محاسبه گردید. در این محاسبه N جمعیت هزاره‌های ساکن در افغانستان را نشان می‌دهد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{6783000} \left[\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1 \right]} = \frac{\frac{0.9604}{0.0025}}{1 + \frac{384.16}{6783000}} = \frac{384.16}{1 + 0.0000565} \approx 384$$

در این تحقیق، به تعداد ۴۱۲ پرسشنامه در اختیار ۲۹۵ مرد و ۱۱۷ زن قرار داده شد و موفق شدیم ۳۶۱ پرسشنامه را جمع‌آوری کنیم. از میان پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده، ۳۵۵ پرسشنامه معتبر شناخته شد. حجم پرسشنامه‌های معتبر فاصله اندکی با حجم نمونه استاندارد به دست آمده در این تحقیق دارد. از این رو با دامنه‌ای خطای ۵.۲٪ در چارچوب معیارهای علمی قابل قبول در مطالعات اجتماعی و میدانی قرار می‌گیرد. تعداد مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق نیز ۲۵ نفر می‌باشد.

^۷. CIA, (۲۰۰۰), [CIA -- The World Factbook ۲۰۰۰ -- Afghanistan](#), Seen: ۲۷/۰۷/۲۰۲۵

^۸. NSIA, Estimated Population of Afghanistan ۲۰۲۴-۲۰۲۵, p. II. <https://nsia.gov.af:۸۴۴۳/wp-content/uploads/۲۰۲۴/۱۰/%D۸%A۸%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۸%D۸%B۱%D۸%AF-%D۹%۸۶%D۹%۸۱%D۹%۸۸%D۸%B۳-%DA%A۹%D۸%B۴%D۹%۸۸%D۸%B۱-%D۸%B۳%D۸%A۷%D۹%۸۴-%۱۴۰۳.pdf>, Seen: ۲۸/۰۷/۲۰۲۵



(و) چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق

انجام این تحقیق با مشکلات و چالش‌های فراوانی مواجه بود. موضوع امنیت پژوهشگران و امنیت پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین محدودیت این تحقیق را تشکیل می‌داد. این محدودیت سبب شد تا نمونه‌گیری به روش تصادفی (probability sampling) امکان‌پذیر نشود و در عوض به روش‌های غیر تصادفی (non-probability sampling) تکیه شود. این، به این معنا است که پرسش‌نامه‌ها، نماینده کل جمعیت هزاره‌ها در افغانستان نیستند. از طرف دیگر، چالش امنیتی در بسیار موارد باعث شد تا مصاحبه‌شوندگان اجازه ثبت صدا و گفتگوی‌شان را به تیم تحقیق ندهند. پژوهشگران این تحقیق توانستند با بسیاری از قربانیان و آگاهان از نزدیک صحبت کنند و صرفاً به یادداشت صحبت‌های آن‌ها اکتفا کنند. اکثریت کسانی که در مصاحبه شرکت کرده‌اند، از افشای اطلاعات‌شان به‌صورت صریح به مصاحبه‌گیرندگان هشدار دادند. آن‌ها به‌شدت از جو رعب و وحشت که طالبان ایجاد کرده‌اند، هراس داشتند و تنها با عدم ذکر جزئیات‌شان حاضر به گفتگو شدند. در موارد غصب زمین، کوچ اجباری، مصاحبه‌شوندگان برخی مدارک و اسناد نیز در دست داشتند که بسیاری از آن‌ها صرفاً به تیم تحقیق اجازه مشاهده آن مدارک و اسناد را دادند و تأکید بر عدم افشای آن کردند.

به‌منظور لحاظ هشدارهای امنیتی، دامنه‌ای زمانی برای توزیع و جمع‌آوری فورم‌های پرسشنامه نیز محدود گردید. از لحاظ زمانی صرفاً مدت ۱۰ روز برای توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها در نظر گرفته شد. هراس اینکه پرسشنامه‌ها در اختیار افراد غیر از گروه‌های

هدف قرار بگیرد و از اعتبار پاسخ‌های واقعی کاسته شود، در سراسر روند توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها وجود داشت. از این رو، ما پرسش‌نامه‌های آنلاین را در زودترین زمان ممکن گردآوری و به حجم نمونه به‌دست‌آمده اکتفا شد.

چالش قابل توجهی دیگر در این تحقیق این است که اکثر پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌ها -این شامل مصاحبه‌شوندگان نمی‌شود- در مراکز ولایات و شهرها زندگی می‌کنند. از این رو، نظرات آن‌ها، لزوماً بازتاب‌دهنده نظرات هزاره‌های ساکن در روستاها نیست. چالش دیگر این تحقیق، از وضعیت تحصیلی پاسخ‌دهندگان ناشی می‌شود. ۹۸.۹٪ از پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌ها، افراد تحصیل کرده و آموزش‌دیده هستند و تنها ۴ نفر از پاسخ‌دهندگان به این تحقیق بی‌سوادند. این در حالی است که طبق داده‌های یونسکو، نرخ باسوادی در افغانستان در سال ۲۰۲۲ میلادی، ۳۷.۳٪ (۲۲.۶٪ زنان و ۵۲.۱٪ مردان) اعلام شده است.^۹ بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها بیشتر نشان‌دهنده باسوادان جامعه هزاره است و دیدگاه هزاره‌های که سواد ندارند را شامل نمی‌شود.

یکی دیگر از چالش‌ها و محدودیت‌های این تحقیق عدم توازن در جنسیت و ولایات اشتراک کنندگان است. به‌صورت کلی فقط ۷۳ تن (۲۰.۶٪) از پاسخ‌دهندگان را زنان تشکیل می‌دهد که در مقایسه با مردان، یک-پنجم را نشان می‌دهد. علاوه بر این، از ولایات کندهار، بدخشان، سرپل، ارزگان و کاپیسا صرفاً یک تن از هر ولایت به پرسش‌نامه پاسخ داده‌اند. هرچند نفوس هزاره‌ها نیز در این ولایات کم است، با آن‌هم انتظار می‌رفت شمار بیشتر اشتراک کنندگان از این ولایات را داشته باشیم. از سوی دیگر، هیچ زنی از این ولایات در تحقیق اشتراک نکرده‌اند. این دو، یک چالش جدی در بازتاب دیدگاه هزاره‌های ساکن در این ولایات را در این تحقیق نشان می‌دهد. برای جلوگیری از مشکل عدم تساوی جنسیتی در تعداد پاسخ‌دهندگان تحقیق کوشیدیم تا در ولایاتی که زنان بیشترین علاقه‌مندی به تکمیل پرسش‌نامه را داشته‌اند (کابل، بامیان، دایکندی و غزنی)، تعداد پاسخ‌دهنده بیشتر و مساوی به مردان را داشته باشیم، اما با وجود آن، این چالش همچنان برای تحقیق پابرجا ماند.

ز) جمعیت‌شناسی تحقیق

در این تحقیق، ۳۵۵ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. از این میان، ۲۷۶ تن (۷۷.۷٪) آنان را مردان و ۷۳ تن (۲۰.۶٪) آنان را زنان تشکیل می‌دهند. ۶ تن (۱.۷٪) پاسخ‌دهندگان در مورد جنسیت‌شان اظهار نظر نکردند. تعداد مصاحبه‌شوندگان نیز ۲۵ تن می‌باشد. اکثر مصاحبه‌شوندگان ۱۹ تن (۷۶٪) را مردان و ۶ تن (۲۴٪) را زنان تشکیل می‌دهند. از نظر سطح تحصیل، ۲۰۷ تن (۵۸.۳٪) را اشخاصی تشکیل می‌دهند که تحصیلات دانشگاهی در سطح لیسانس دارند. ۷۹ تن (۲۲.۳٪) مکتب خوانده‌اند. از این میان ۶۵ تن (۱۸.۳٪) دارای تحصیلات عالی‌تر (ماستری یا دکترا) می‌باشند؛ و تنها ۴ تن (۱.۱٪) را افراد بی‌سواد تشکیل می‌دهند. مصاحبه‌شوندگان بیشتر ساکنین محل و دارای تعلیمات ابتدایی بوده‌اند. پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌ها در پنج کتگوری سنی دسته‌بندی گردیده است. در این میان ۱۸۸ تن (۵۳٪) را جوانان در رده‌ی سنی ۲۶-۳۵ سال تشکیل می‌دهند. ۸۶ تن (۲۴.۲٪) جوانانی در رده‌ی سنی ۱۸-۲۵ سال هستند. ۶۸ تن (۱۹.۲٪) شامل افرادی در رده‌ی سنی ۳۶-۵۰ سال می‌باشد. در این میان ۹ تن (۲.۵٪) کمتر از ۱۸ سال و ۴ تن (۱.۱٪) بالاتر از ۵۰ سال قرار دارند. تفصیل جمعیت‌شناسی تحقیق در جدول (۱) قابل‌مشاهده است. جدول (۱): جمعیت‌شناختی تحقیق (Respondents' profiles)

^۹. UNESCO, <https://www.unesco.org/en/fieldoffice/kabul/expertise/education/literacy-learning-possibilities> Seen: ۲۹/۰۷/۲۰۲۵

جنسیت (Sex)		
مرد	۲۷۶	۷۷.۷٪
زن	۷۳	۲۰.۶٪
ترجیح می‌دهم پاسخ ندهم	۶	۱.۷٪
مجموعه	n = ۳۵۵	۱۰۰٪
رده سنی (Age group)		
کمتر از ۱۸ سال	۹	۲.۵۳٪
۱۸-۲۵	۸۶	۲۴.۲٪
۲۶-۳۵	۱۸۸	۵۳٪
۳۶-۵۰	۶۸	۱۹.۲٪
بالاتر از ۵۰ سال	۴	۱.۱٪
مجموعه	n = ۳۵۵	۱۰۰٪
سطح تحصیل (Education level)		
بی‌سواد	۴	۱.۱٪
دوره مکتب	۷۹	۲۲.۳٪
لیسانس	۲۰۷	۵۸.۳٪
ماستر/دکتر	۶۵	۱۸.۳٪
مجموعه	n = ۳۵۵	۱۰۰٪
محل زندگی (Residence)		
کابل	۱۱۰	۳۱٪
بامیان	۶۸	۱۹.۱٪
دایکندی	۳۹	۱۰.۹۸٪
غزنی	۷۴	۲۰.۸٪
بلخ	۲۰	۵.۶٪
هرات	۱۴	۳.۹٪
میدان وردک	۱۱	۳.۱٪
پروان	۵	۱.۴٪
کاپیسا	۱	۰.۲۸٪
سرپل	۱	۰.۲۸٪
بدخشان	۱	۰.۲۸٪
کندهار	۱	۰.۲۸٪
ارزگان	۱	۰.۲۸٪
غور	۴	۱.۱۲٪
پاسخ نداده‌اند	۵	۱.۴٪
مجموعه	n = ۳۵۵	۱۰۰٪

بخش دوم: یافته‌های تحقیق

فصل اول: وضعیت امنیتی

هزاره‌ها به حیث یکی از اقوام افغانستان و از اقلیت‌های مذهبی در طول تاریخ به شکل سیستماتیک مورد حملات خشونت‌آمیز و نسل‌کشی قرار گرفته‌اند. داده‌های پیش‌بینی جنایات^{۱۰} سال ۲۰۲۴-۲۰۲۶ میلادی دانشگاه ملی استرالیا افغانستان را در رأس ۱۵ کشوری قرار می‌دهد که در معرض خطر بالای شروع نسل‌کشی و قتل‌عام سیاسی قرار دارد.^{۱۱} این در حالی است که قبل از حاکمیت طالبان افغانستان در رده‌ی دهم این جدول قرار داشت. پس از به قدرت رسیدن طالبان حملات بالای هزاره‌ها جریان داشته است. علاوه بر این حملات هزاره‌ها ناامنی‌های دیگری چون غصب زمین و کوچ اجباری را از خانه‌های خود تجربه می‌کنند. طالبان فقط به آن‌ها به مدت چند روز وقت می‌دهند تا خانه‌های خود را خالی کنند تا طالبان آن را به متعهدان خود بسپارند.^{۱۲}

شبکه تحلیل‌گران بلای در مصاحبه‌ای که با یک‌تن^{۱۳} از خبرگان مسایل امنیتی داشت، وضعیت کلی امنیتی هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان را در سال اخیر چنین تحلیل کردند:

وضعیت امنیتی هزاره‌ها از ابتدای تسلط طالبان بر افغانستان تا اکنون (چهار سال گذشته) به‌طور مداوم رو به وخامت بوده و اکنون به مرحله‌ای بحرانی و سازمان‌یافته رسیده است. طالبان و گروه‌های هم‌پیمان آن، با بهره‌گیری از ابزارهای نفوذ استخباراتی، موفق شده‌اند در درون جامعه هزاره شبکه‌هایی جاسوسی، انحرافی و کنترلی ایجاد کنند که این افراد و گروه‌ها یا تلمیع مالی شده‌اند، یا تحت تهدید قرار گرفته‌اند، یا فریب خورده‌اند. با استفاده از همین شبکه‌ها، طالبان محدودیت‌های گسترده‌ای را بر جامعه هزاره تحمیل کرده‌اند؛ از غصب زمین‌های تاریخی گرفته تا اعمال فشارهای قومی و مذهبی در شفاخانه‌ها، مکاتب، محاکم و سایر نهادهای دولتی. در بسیاری موارد، زمین‌های مردم هزاره به‌زور به کوچی‌ها یا پشتون‌های مهاجر واگذار شده است و در صورت مقاومت، مردم مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند.

در نهادهای صحتی دولتی از جمله شفاخانه جناح، شفاخانه ۵۰ بستر دشت برچی و شفاخانه صد بستر تانک‌تیل کابل، بیماران هزاره رد می‌شوند و به شفاخانه‌های خصوصی راجع می‌گردند؛ درحالی‌که بیماران پشتون از ولایاتی چون لوگر، میدان‌وردک، پروان و پکتیا هم از تداوی رایگان برخوردارند و هم دواهای مجانی دریافت می‌کنند. در چهار سال گذشته، تهدیدات امنیتی علیه هزاره‌ها نه تنها کاهش نیافته، بلکه تغییر ماهیت داده و پیچیده‌تر شده است. در گذشته، تهدیدات بیشتر به شکل حملات انتحاری، بمب‌گذاری و کشتارهای دسته‌جمعی بود؛ اما اکنون، الگوها به سمت ترورهای هدفمند، تضعیف ساختاری، جاسوسی سیستماتیک و سرکوب تدریجی سوق یافته‌اند.

از سوی دیگر، طالبان زمینه را برای نفوذ تدریجی داعش خراسان در مناطق مرکزی، شمال غرب و شمال افغانستان فراهم کرده‌اند. برخی افراد مشکوک به همکاری با داعش در ساختار طالبان شامل موارد زیر هستند:

مولوی شاهین (رئیس پیشین استخبارات طالبان در بامیان)، قاری عمیر (دستیار حوزه ۱۸ برچی)، رئیس دفتر استخبارات در هرات، جمعه‌خان فاتح (در ولسوالی‌های درواز بدخشان)، مولوی اظهارالدین (قوماندان امنیه شهر بزرگ بدخشان) و ده‌ها تن دیگر در

^{۱۰} The Australian National University's Atrocity Forecasting.

^{۱۱} Australian National University. (Feb ۲۰۲۴). The Forecast.

<https://politicsir.cass.anu.edu.au/research/projects/atrocity-forecasting/forecasts>. Seen on August ۱, ۲۰۲۵.

^{۱۲} George Washington University. (۲۰۲۲). The Risks Facing Hazaras in Taliban-ruled Afghanistan

<https://extremism.gwu.edu/risks-facing-hazaras-in-taliban-ruled-afghanistan>. Seen on August ۱, ۲۰۲۵

^{۱۳}. برای حفظ امنیت مصاحبه‌شونده، اسمشان درج نگردیده است.

بدخشان، هرات و میدان وردک که یا از طالبان جدا شده و به داعش پیوسته‌اند، یا هم‌زمان برای هر دو گروه فعالیت می‌کنند. این مورد تنها نمونه‌های حضور گسترده داعش و همکاری طالبان برای تضعیف بیشتر هزاره‌ها است که ذکر کردم.

ایشان در پاسخ به پرسش در رابطه به تغییر در الگو و نوع حملات علیه هزاره‌ها چنین ابراز نظر کردند:

نوع حملات علیه هزاره‌ها اکنون بیشتر به شکل مخفی، هدفمند، سیستماتیک و محاسبه‌شده انجام می‌شود. برخی تاکتیک‌های اعمال‌شده از سوی طالبان شامل این موارد است، به بهانه حجاب، زنان را از جاده‌ها، مارکیت‌ها و پس‌کوچه‌ها ربوده، مورد تجاوز جنسی قرار می‌دهند. در برخی موارد حتی از این اقدامات برای تولید نسل استفاده شده است. نمونه مشخص آن در کوتل روضه میان غزنی و میدان وردک گزارش شده است. در مناطق مرکزی، طالبان مردم را از برگزاری مراسم مذهبی و فرهنگی، از جمله نوروز، نذر، دعا و فاتحه‌خوانی در قبرستان‌ها منع کرده‌اند. ساخت‌وساز برای هزاره‌ها در شهرها ممنوع اعلام شده است. دسترسی به آب در نواحی هزاره‌نشین - به‌ویژه غرب کابل - به‌صورت هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده قطع گردیده است. فشارها به‌گونه‌ای‌ست که خانواده‌های هزاره یا مجبور به مهاجرت می‌شوند، یا به‌اجبار به قریه‌های خود عقب رانده می‌شوند.

همچنان در پاسخ به این پرسش که آیا طالبان عامل تهدید علیه هزاره‌ها اند یا مدافع امنیت آن‌ها؟ چنین پاسخ ارائه کردند:

طالبان نه‌تنها در تأمین امنیت هزاره‌ها نقش نداشته‌اند، بلکه به یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات سازمان‌یافته علیه این جامعه تبدیل شده‌اند. آنان با حذف تدریجی هزاره‌ها از نهادهای رسمی، تحمیل محدودیت‌های ساختاری، قومی‌سازی جغرافیا و سرکوب مذهبی، عملاً در مسیر محو هویت هزاره‌ها حرکت می‌کنند. در موارد متعدد، دیده شده است که اگر درگیری‌ای میان مردم محل و کوچی‌ها رخ دهد، طالبان فوراً به نفع کوچی‌ها وارد شده و حتی دیه آن‌ها را پرداخت می‌کنند؛ اما اگر مردم هزاره آسیب ببینند، نه دادخواهی ممکن است و نه پیگیری قانونی. همچنین برخی چهره‌های مذهبی و متنفذ جامعه هزاره -آگاهانه یا ناآگاهانه - با طالبان، القاعده یا داعش همکاری اطلاعاتی دارند. این یکی از تاکتیک‌های خطرناک طالبان برای فروپاشی انسجام اجتماعی در درون جامعه هزاره است.

به نظر ایشان مناطقی که بیشترین تهدیدات امنیتی را تجربه می‌کنند:

بر اساس گزارش‌های میدانی و منابع محلی، مناطقی که طی چهار سال گذشته بیشترین فشار، تهدید و سرکوب را تجربه کرده‌اند، عبارت‌اند از: بهسود (میدان وردک)، ناهور (غزنی)، دایکندی (به‌ویژه ولسوالی‌های مرزی با پشتون‌ها)، ارزگان خاص، بلخاب (سرپل)، بدخشان (مناطق هزاره‌نشین از جمله ارگو، درایم و دروازاها)، جبرئیل (هرات)، دشت برچی کابل (با وجود شهری بودن، از فشارهای سنگین امنیتی، اقتصادی و مذهبی رنج می‌برد)

ایشان بر این باورند که در صورت تداوم این روند و بی‌توجهی جامعه جهانی، امکان وقوع یک نسل‌کشی خاموش و فاجعه انسانی گسترده بسیار محتمل خواهد بود و پیشنهادات زیر را توصیه کردند:

مستندسازی سیستماتیک تخلفات امنیتی و اجتماعی علیه هزاره‌ها و ارسال آن به مراجع بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل و دادگاه‌های بین‌المللی؛ هماهنگی میان نخبگان، نیروهای مردمی و مهاجرین برای سازماندهی مقاومت هوشمند؛ ایجاد سازوکارهای حمایتی و حفاظتی برای خانواده‌های قربانی، بازماندگان و فعالان تهدیدشده؛ و تدوین نقشه‌ها و طرح‌های جایگزین امنیتی و سیاسی جهت حفظ و نجات ساختار اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی جامعه هزاره.

شبکه تحلیل گران بلای در مصاحبه دیگری که با خانم سلیمه مزاری^{۱۴} داشت، وی وضعیت کلی امنیتی هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان را چنین تحلیل کردند:

به صورت کلی وضعیت امنیتی هزاره‌ها تحت حاکمیت غیرقانونی طالبان بسیار بدتر از دوره جمهوریت است، حملات هدفمند به مراکز تجمع هزاره‌ها ترورهای کور در مناطق سکونت هزاره‌ها در کابل، مزار شریف، هرات و سایر شهرها، غصب زمین‌های سیستماتیک توسط کوچی‌ها و حمایت طالبان از کوچی‌ها، باج‌گیری و قتل‌های هدفمند هزاره‌ها، حذف گروهی کارمندان هزاره از ادارات مختلف دولتی، ربایش دختران و زنان از مناطق هزاره نشین به بهانه حجاب، همه و همه نشان‌دهنده این است که اوضاع امنیتی هزاره‌ها در این چهار سال بسیار خراب‌تر از گذشته شده است. همه مناطق هزاره نشین در شهرها و روستاها هدف سیاست‌های ناامن سازی هستند اما در روستاها علاوه بر آن پروژه غصب زمین و باج‌گیری‌ها هم مزید بر علت هستند.

خانم مزاری در رابطه به افزایش یا کاهش حملات تروریستی علیه هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان چنین ابراز نظر کردند:

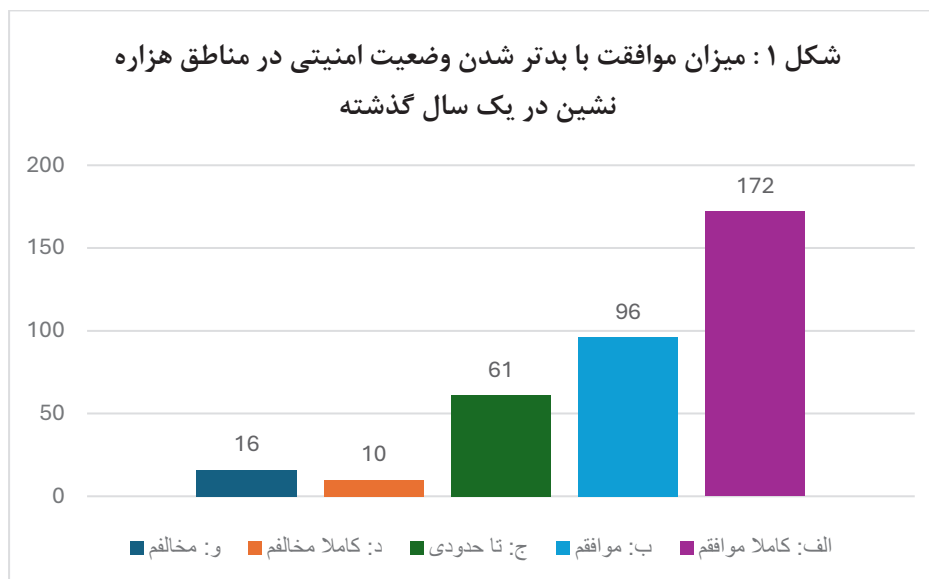
تهدیدات امنیتی علیه هزاره‌ها کاهش نیافته بلکه بیشتر شده و ماهیت سیستماتیک و خشن‌تری پیدا کرده که در صورت ادامه این شرایط آینده حضور اجتماعی و سیاسی هزاره‌ها در افغانستان را کاملاً تحت تأثیر قرار خواهد داد به صورتی که به حذف کامل هزاره‌ها از تمامی عرصه‌های اجتماعی و سیاسی در افغانستان و کوچ‌های دسته‌جمعی منجر خواهد شد.

همچنان خانم مزاری طالبان را مسئول ناامنی‌ها علیه هزاره‌ها دانسته و افزودند:

طالبان در مقام مسئول تأمین امنیت شهروندان افغانستان نه تنها به این وظیفه خود عمل نمی‌کنند بلکه در ارتباط با هزاره‌ها خودشان همراه و همکار با سایر گروه‌های تروریستی در ایجاد فضای ناامن برای زیست اجتماعی هزاره‌ها تلاش می‌کنند و به صورت سیستماتیک و هدفمند سعی در ناامن کردن زندگی هزاره در افغانستان دارند.

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل گران بلای وضعیت امنیتی در مناطق هزاره نشین در یک سال گذشته بدتر شده است زیرا میانگین به دست آمده از این پرسش ۴.۱ از ۵ است. مصاحبه‌شوندگان به این پرسش که با این جمله چقدر موافق هستند: امنیت عمومی در منطقه هزاره نشین که من در آنجا زندگی می‌کنم در یک سال گذشته بدتر شده است، چنین پاسخ ارائه کرده‌اند: از میان ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، ۱۷۲ تن (۴۸.۵٪) کاملاً موافق، ۹۶ تن (۲۷٪) موافق، ۶۱ تن (۱۷.۲٪) تا حدودی، ۱۰ تن (۲.۸٪) کاملاً مخالف و ۱۶ تن (۴.۵٪) مخالف هستند.

^{۱۴}. سلیمه مزاری سیاستمدار و ولسوال پیشین چارکنت در ولایت بلخ (زن و از قوم هزاره) در افغانستان بود. او فرمانده نیروهای خیزش مردمی بود.



در این بخش وضعیت امنیتی هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان را در سه بخش، واقعات تروریستی، غصب اراضی و کوچ اجباری و قلدری و باج‌گیری طالبان از مناطق هزاره نشین به بحث و بررسی می‌گیریم.

الف) واقعات تروریستی

بر اساس یافته‌های این تحقیق واقعات تروریستی به قدرت خود باقی ولی شکل آن تغییر یافته است؛ زیرا کسانی که قبلاً عامل حملات انتحاری و تروریستی بودند حالا قدرت را به دست دارند و با استفاده از هر تکتیکی می‌توانند به هدف خود نایل آیند. واقعات تروریستی علیه هزاره‌ها توسط این گروه دیگر به شکل حمله‌ی انتحاری و انفجار بمب نیست بلکه به آسانی هزاره‌ها را ترور یا به منازل مسکونی آن‌ها حمله نموده و ایشان را به قتل می‌رسانند. در اینجا به واقعات تروریستی که در سال چهارم حاکمیت طالبان بالای هزاره‌ها شده می‌پردازیم.

در قریه‌ی اشکر آباد ولسوالی شهرستان ولایت دایکندی پنجشنبه‌شب، تاریخ ۲۲ اگست ۲۰۲۴ میلادی حدود ساعت ۱۱ شب، چهار نفر که دو نفر با کلاشینکوف مسلح بوده و دو نفر دیگر خنجرهای کلان در دست داشته، به قصد قتل وارد خانه شیرعلی می‌شوند. این چهار نفر که پشتو صحبت می‌کرده‌اند، از آنجایی که شیرعلی در خانه حضور نداشته از گل جان ولد غلام حسین (خانم شیرعلی) و عبدالغفور ولد جعفر (داماد شیرعلی) سراغ شیرعلی را می‌گیرند و وقتی متوجه می‌شوند شیرعلی خانه نیست، به گل جان و دامادش عبدالغفور تیراندازی می‌کنند. گل جان ۱ گلوله در قسمت سینه خورده و از پشت شانه بیرون شده؛ اما عبدالغفور مجموعاً ۹ گلوله، یکی در سر و بقیه در قسمت‌های سینه و شکم خورده. هر دو قربانی جابه‌جا جان می‌دهند.^{۱۵}

قریه قریودال ولسوالی سنگتخت و بندر ولایت دایکندی در مرز میان ولایت‌های دایکندی و غور قرار دارد و اکثر باشندگان محل را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند. به تاریخ ۱۲ سپتامبر سال ۲۰۲۴ میلادی زمانی که گروهی متشکل ۱۵ تا ۱۸ نفر از هزاره‌ها با چندین موترسایکل به منظور استقبال از چند زائری که از عراق برگشته و به سمت روستا می‌آمدند، به سمت مرز دایکندی - غور در حرکت

^{۱۵}. Hazara Genocide Archive. (۲۰۲۵). Ashkar Abad Village, Daikundi [Ashkar Abad Sharistan | Hazara Genocide Archive](#). Seen on July ۲۰, ۲۰۲۵.

هستند که ناگهان توسط چهار نفر مسلح سوار بر دو موتورسایکل متوقف می‌شوند. مهاجمان خود را اعضای طالبان معرفی می‌کنند و از مسافری می‌خواهند تا برای یک عکس گروهی صف بکشند. با وقوع این اتفاق، یک موتورسایکل سوار دیگر از سمت غور سر می‌رسد که او هم توسط این افراد متوقف می‌شود. مسافر سوار بر موتورسایکل التماس می‌کند که اجازه دهند به راهش ادامه دهد اما مهاجمان در پاسخ به او تیراندازی می‌کنند و در ادامه به‌سوی هزاره‌های صف‌کشیده آتش می‌گشایند. در میان این هرج‌ومرج، برخی از هزاره‌ها که پا به فرار می‌گذارند و از آنجایی که مرمی‌ها بیشتر به دست و بازوی شان اصابت می‌کنند، از پا نمی‌افتند و در پناه این سنگ و آن سنگ و پریدن در این گودال و گودال دیگر، زنده می‌مانند. این حمله مرگبار ۱۴ کشته و چهار زخمی برجای گذاشته و گفته می‌شود داعش مسئولیت آن را به عهده گرفته است.^{۱۶}

طالبان فعالین مدنی را همیشه سرکوب و به نحوی از انحا ناپدید و کشته‌اند از این جمله می‌توان به مرگ حمزه الفت اشاره کرد. حمزه الفت که اصالتاً از ولایت دایکندی و در شهر کابل زندگی می‌کرد یکی از فعالین مدنی و بنیان‌گذاران جنبش اعتراضات ضد طالبانی بود. او به تاریخ ۹ فروری ۲۰۲۳ میلادی توسط طالبان در دشت برچی دستگیر و پس از شکنجه‌های شدید طالبان در ماه جولای سال ۲۰۲۳ میلادی رها گردید. او پس‌ازاین رهایی به ایران فرار کرد. حمزه الفت در ۱۶ جنوری ۲۰۲۴ میلادی به شکل مخفیانه وارد افغانستان گردید تا برای آخرین بار در ولایت دایکندی مادر خویش را ملاقات و راهی پاکستان گردد تا از آنجا به یکی از کشورهای غربی پناهنده شود که توسط طالبان به ضرب گلوله زخمی و به تاریخ ۱۹ جنوری ۲۰۲۵ میلادی جان باخت.^{۱۷}

پس از تسلط طالبان، کوچی‌ها بالای مناطق هزاره نشین حملات متعددی را به‌منظور غصب اراضی آن‌ها انجام داده‌اند و باعث قتل هزاره‌ها در این مناطق شده‌اند. از این جمله به تاریخ ۲۲ جون سال ۲۰۲۵ میلادی کوچی‌های مسلح با هجوم به روستای تاپتخت گیروی برجگی از توابع ولسوالی ناهور ولایت غزنی همراه با رمه‌های‌شان باعث تخریب کشتزارهای باشندگان محل گردیده و باشندگان محل تلاش کردند تا مانع کوچی‌ها شوند. زمانی‌که باشندگان محل مانع پیشروی کوچی‌ها می‌شوند، در اول میان کوچی‌ها و باشندگان محل درگیری لفظی صورت می‌گیرد، بعد، کوچی‌های مسلح بلافاصله با قنداق تفنگ باشندگان محل را لت‌وکوب می‌کنند. در این میان محمدجان پدر محمد لطیف، از ناحیه‌ی دست زخمی می‌شود. در همان حین یکی از کوچی‌های مسلح از فاصله‌ی دورتر، به محمد لطیف شلیک می‌کند و او را به قتل می‌رساند. هم‌زمان با کشتن محمد لطیف و زخمی کردن پدر او، کوچی‌های مسلح تعدادی از باشندگان محل را نیز لت‌وکوب و زخمی کرده‌اند.^{۱۸}

در آخرین حادثه‌ی تروریستی به تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۲۵ میلادی مجتبی نقوی همراه با پدرش در زمین‌های کشاورزی خود مشغول کار بودند که ناگهان رمه‌های گوسفندان کوچی‌ها به کشتزارهای آن‌ها هجوم آوردند. مجتبی تنها تلاش کرد جلو ورود گوسفندان

^{۱۶} Hazara Genocide Archive. (۲۰۲۵). Kotal-e-Qrewdal, Daikund. <https://www.hazaragenocide.com/kotal-e-qrewdal-daikundi> [Seen on July ۲۰, ۲۰۲۵].

^{۱۷} Afghanistan International, (Jan, ۲۰۲۵). Conflicting Reports Emerge About Death Of Activist & Former Taliban Prisoner, <https://www.afintl.com/en/۲۰۲۵۰۱۲۰۵۲۸۶>. Seen on July ۲۰, ۲۰۲۵.

^{۱۸} جاده ابریشم. (۲۷ جون ۲۰۲۵). تهاجم کوچی‌ها به ناهور غزنی؛ محمد لطیف قربانی چگونه کشته شد؟ <https://jade->

abresham.com/slideshow/۱۵۴۶۲. بازدید ۲۰ جولای ۲۰۲۵.

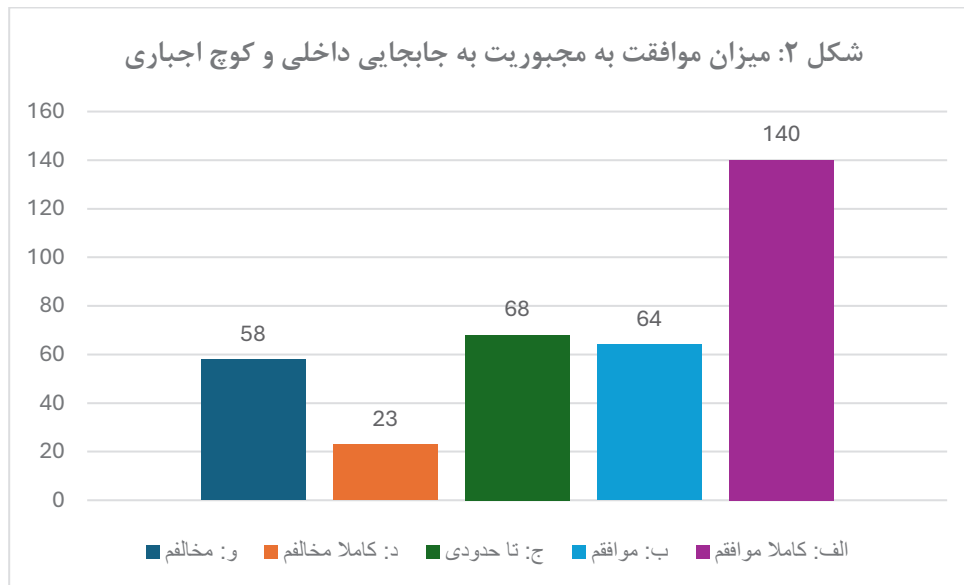
کوچی‌ها را به زمین‌های کشاورزی‌شان بگیرد، اما به‌طور ناگهانی هدف گلوله‌های کوچی‌های مسلح قرار می‌گیرد. سپس وی بر اثر خونریزی شدید جان خود را از دست می‌دهد و پدرش نیز به‌شدت زخمی می‌شود.^{۱۹}

واقعات یادشده به‌روشنی نشان می‌دهند که تروریسم علیه هزاره‌ها در دوره‌ی چهارم حاکمیت طالبان نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه شکل پیچیده‌تر، سازمان‌یافته‌تر و مستقیم‌تری به خود گرفته است. ترورهای هدفمند، حملات شبانه به منازل مسکونی، کشتار دسته‌جمعی در مسیرهای عمومی و دست‌درازی خشونت‌بار کوچی‌های مسلح به روستاهای هزاره‌نشین، همگی گواه بر تداوم سیاست حذف فیزیکی و روانی این قوم هستند. درحالی‌که طالبان خود را «ضامن امنیت» معرفی می‌کنند، بسیاری از این حملات یا توسط اعضای وابسته به این گروه صورت گرفته یا با چشم‌پوشی آگاهانه و بی‌عملی آنان همراه بوده است. این الگوی خشونت، هزاره‌ها را در وضعیت ناامنی دائم، ترس و بی‌پناهی کامل قرار داده است و زنگ خطر یک فاجعه انسانی و نسل‌کشی خاموش را به صدا درآورده است.

^{۱۹}Hazara Genocide Archive. (۲۰۲۰). <https://www.hazaragenocide.com/project/mujtaba-naqavi/>. Seen on July ۳۰, ۲۰۲۰.

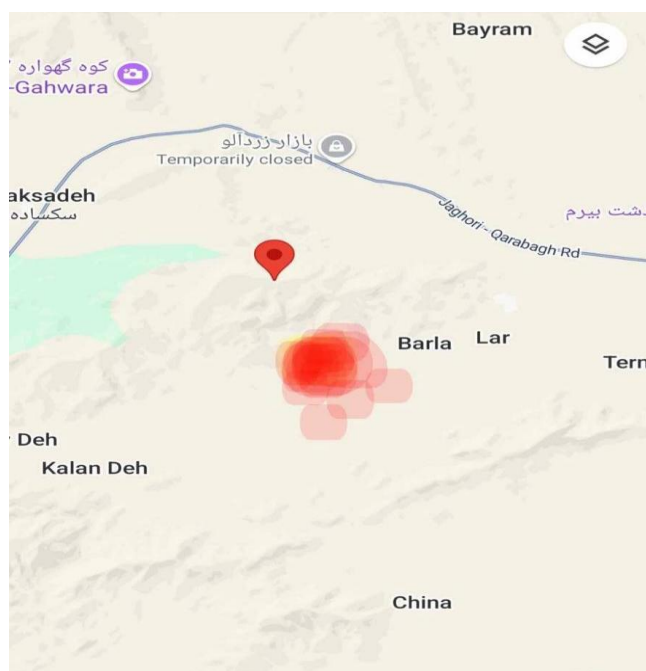
ب) غصب اراضی و کوچ اجباری

با گذشت چهار سال از تسلط طالبان بر افغانستان، وضعیت مردم هزاره همچنان بحرانی است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این بحران، غصب زمین‌های تاریخی هزاره‌ها و واگذاری آن به گروه‌های مسلح و کوچی‌ها است که پیامدهای جدی امنیتی و انسانی به همراه داشته است. در سال ۲۰۲۴-۲۰۲۵، این روند به‌طور سیستماتیک و گسترده در مناطق هزاره‌نشین افغانستان ادامه یافته است. بر اساس یافته‌های شبکه تحلیلگران بلاق پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه گفته‌اند در یک سال گذشته مجبور به جابجایی داخلی و کوچ اجباری شده‌اند. میانگین به‌دست‌آمده از اجبار هزاره‌ها به کوچ اجباری و جابجایی داخلی ۳۰۶٪ از ۵ است. بر اساس این میانگین، بیشتر بیجا شدگان هزاره در یک سال گذشته به‌صورت اجباری کوچ کرده‌اند. از میان ۳۵۵ اشتراک‌کننده در این سروی ۱۴۰ تن (۳۹.۴۰٪) مجبور به جابجایی داخلی و کوچ اجباری شده‌اند.



بر اساس داده‌های میدانی، مصاحبه با شهروندان هزاره در مناطق مختلف از جمله پنجاب و مرکز ولایت بامیان، باشندگان گلکو و قریه تمکی ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی و همچنین مرور گزارش‌های رسانه‌های تهیه شده است که یافته‌ها را به شرح زیر با شما شریک می‌کنیم.

غصب زمین در قریه هفتادمادیان تمکی، واغ، سر دریا، برکی و دشت باغ عطار ولسوالی قرهباغ غزنی: یکی از نمونه‌های برجسته، غصب زمین توسط فردی به نام «کامران»، از فرماندهان قدرتمند طالبان در منطقه قرهباغ است. کامران پس از ۲۰۲۱، با استفاده از قدرت نظامی و نفوذ خود، مرزهای زمین‌های تاریخی هزاره‌ها در هفتادمادیان را جابه‌جا کرده و ده‌ها جریب زمین را با زور تصرف نمود. مردم محلی بارها به کابل مراجعه کرده و خواستار بازگرداندن زمین‌هایشان شدند، اما کامران ابتدا امتناع و سپس با



دریافت مبلغ ۳۰۰ هزار افغانی، بخشی از زمین را با سند جعلی به آنان بازگرداند و مردم را تهدید کرد که موضوع را رسانه‌ای نکنند.

کامران، یکی از چهره‌های قدرتمند و پرنفوذ گروه طالبان در ولایت غزنی، سال‌ها پیش از بازگشت طالبان به قدرت در ۲۰۲۱، به‌عنوان فرمانده محلی و بعدها به‌عنوان ولسوال از سوی طالبان در قرهباغ ایفای نقش می‌کرد. وی به‌صورت مستند، در دوران پیش از ۲۰۲۱ مسیرهای عبور و مرور مردم هزاره را ناامن ساخته بود. گزارش‌های محلی از قتل‌های هدفمند چندین تن از شهروندان هزاره که از مسیر قرهباغ عبور می‌کردند خبر می‌دهد. از جمله قربانیان، می‌توان به معلم سکندر و بسم‌الله مبارز اشاره کرد که توسط افراد تحت امر کامران کشته شدند.^{۲۰}

(نقشه توضیحی ۱: زمین غصب شده توسط کامران، هفتاد مادیان)

قریه تمکی ولسوالی قرهباغ ولایت غزنی)

پس از تسلط دوباره طالبان در سال ۲۰۲۱، کامران با استفاده از قدرت نظامی، تهدید، فشار سیاسی و نفوذ شخصی، روند تصرف زمین‌های مردم قریه تمکی را آغاز کرد. در اواخر سال ۲۰۲۴ و اوایل ۲۰۲۵، وی با استفاده از تراکتورهای شخصی، مرزهای طبیعی و سنتی اراضی را جابه‌جا کرده و در داخل زمین‌های مردم هزاره اقدام به حفر چاه آب و زراعت نموده است. این تصرف بدون اجازه، رضایت یا سند رسمی صورت گرفته و باعث از دست رفتن ده‌ها جریب زمین مردم محلی شده است.

یکی دیگر از مردمان محل می‌گوید: پس از آگاهی مردم قریه تمکی از این تصرف غیرقانونی، هیئتی از بزرگان محل چندین بار به کابل رفته و با کامران دیدار کردند. در این دیدارها، به‌وی اعلام شد که تصرف زمین‌ها غیرقانونی و ظالمانه است؛ اما کامران با رد درخواست‌ها، مردم را به داشتن سلاح متهم کرد و حتی در برخی موارد تهدید به برخورد نظامی نمود.

در واکنش، مردم تمکی به‌صورت دسته‌جمعی چاه آب حفرشده در زمین‌های غصبی را پر کردند. پس‌ازاین اقدام، کامران تهدیدها را تشدید کرد، اما در نهایت یک جلسه در کابل میان طرفین برگزار شد. در این جلسه، کامران اعلام کرد تنها در صورتی زمین‌ها را

^{۲۰}. گزارش ارسالی از منبع محلی.

پس می‌دهد که مردم به او «خسارت مالی» بپردازند. در نتیجه، مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ افغانی از مردم اخاذی شد. با وجود این پرداخت، تنها بخش اندکی از زمین‌ها بازگردانده شد و برای آن نیز سند رسمی جعلی تهیه شده و تحویل داده شد.^{۲۱}

بر اساس گزارش نشر شده در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳ میلادی روزنامه هشت صبح «صدها جریب زمین از ملکیت‌های هزاره‌های ولسوالی قره‌باغ این ولایت از سوی طالبان غصب شده است. به گفته منابع، طالبان چندی قبل صدها جریب زمین دشت باغ عطار، مربوط به ساحه گل کوه ولسوالی قره‌باغ را به هدف اعمار شهرک رهایشی غصب کرده و کار ساخت‌وساز آن را آغاز کرده‌اند.»^{۲۲}



(نقشه توضیحی ۲: زمین غصب شده شهرک رهایشی ناقلین خط دیورند-شهرک رهایشی برای تحریک طالبان پاکستان، دشت باغ عطار ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی)

بر اساس ادعای منابع، این ساحه سال‌ها ملکیت هزاره‌ها بوده و از آن سند به دست دارند، اما طالبان به اسناد آنان توجه نکرده‌اند. به گفته آنان، غصب این ساحه و آغاز کار شهرک‌سازی مشکوک، سروصداهای مردم را به همراه داشته که طالبان

برای مدتی محدود، کار ساختمانی را متوقف کردند. منابع تأکید می‌کنند که طالبان از یک هفته به این‌طرف بار دیگر کار اعمار این شهرک را سرعت بخشیده‌اند و شکایت مردم به محاکم طالبان نتیجه نداده است.

یکی دیگر از باشندگان گلکوه ولسوالی قره‌باغ می‌گوید:

هزاره‌های قره‌باغ ولایت غزنی تمام زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیز خود را در طی سالیان متمادی و در حکومت‌های جابر و جائز قومی از دست داده‌اند و در ذهن و ضمیرشان صرفاً خاطرات و نامی از سرزمین‌های آبایی‌شان به یادگار مانده است. تنها تکه زمینی که از حیث کیفیت و کمیت هنوز در دست هزاره‌های قره‌باغ مانده بود، دشت باغ عطار گلکوه بود که اینک برای پشتون‌های آن‌سوی سرحد و جنگ‌جویان TTP (تحریک طالبان پاکستان)، تبدیل به شهرک و محل سکونت می‌شود. این در حالی است که مردم گلکوه برای این منطقه سند شرعی مالکیت دارند و در ادوار مختلف از جمله دوره قبلی امارت مالیات داده‌اند. نمایندگان مردم مدت‌هاست که هر دری را به امید رسیدن به حق خود کوفته‌اند تاکنون با بی‌اعتنایی، تحقیر و تبعیض روبرو شده‌اند و جواب نگرفته‌اند.

^{۲۱} گزارش ارسالی منبع محلی.

^{۲۲} روزنامه هشت صبح، (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴). واگذاری ملکیت بومی‌ها به کوچی‌ها؛ فیصله‌های طالبان بر اساس تبعیض قومی و زبانی است.

<https://am.media/fa/transfer-of-ownership-from-bumiha-to-kochiha-the-talibans-decisions-are-based-on-ethnic-and-linguistic-discrimination>. بازدید ۲۹ جولای ۲۰۲۵.

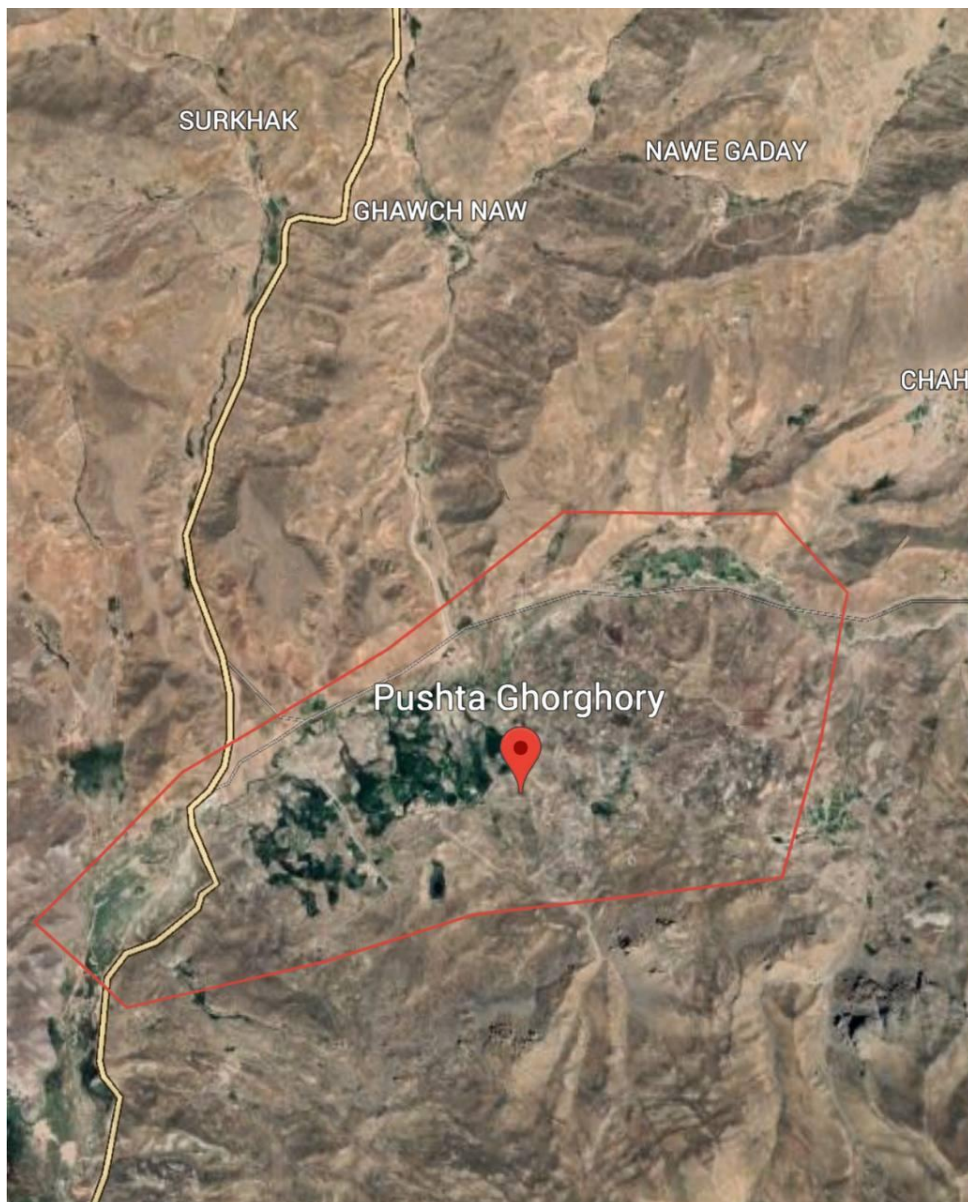
در همین حال بر اساس گزارش روزنامه هشت صبح که در تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۲۴ میلادی نشر شده است، طالبان ده‌ها جریب زمین زراعتی و علفچر باشندگان روستاهای واغ، سر دریا و برکی این ولسوالی را در یک فیصله «ناعادلانه» به کوچی‌ها سپرده‌اند.^{۲۳}

کوچ اجباری باشندگان قریه رشک بامیان: روستای رشک، از مربوطات منطقه‌ی پشته‌ی غرغری ولسوالی پنجاب ولایت بامیان است. در گام اول، در سال ۱۴۰۱ شمسی دو نفر کوچی به نام‌های «تاتا» و «یاگل» بالای زمین‌های این روستا، ادعای مالکیت کرده بودند. وقتی این ادعا به جایی نرسید، بار دیگر، دو کوچی دیگر، به نام‌های «اول گل» و «وردک»، به تاریخ ۲۳/۲/۱۴۴۶ هجری قمری مصادف ۲۷ اگست ۲۰۲۴ میلادی، طی یک عریضه عنوانی ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، بالای بخشی از زمین‌های روستای رشک ادعای مالکیت کرده و دعوا راه انداخته بودند، تیم تحقیقاتی شبکه تحلیل‌گران بلاق به تاریخ ۲۵ ماه جولای ۲۰۲۵ میلادی با یکی از باشندگان این قریه که برای شکایت به استر محکمه در کابل به سر می‌برد مصاحبه کرده است و در مدتی که این گزارش نوشته شده است قریه او به کوچی‌ها سپرده شده و آن‌ها مجبور به ترک قریه‌شان شده‌اند.

یکی دیگر از باشندگان پنجاب بامیان می‌گوید آن‌ها قباله شرعی و عرفی دارند و چندین نسل در این قریه زندگی کرده‌اند. قباله رسمی تعدادی از اهالی قریه پشته غرغری ولسوالی پنجاب که زمین خریده‌اند مربوط به سال ۱۳۲۶ و این در حالی است که قباله جعلی طرف دعوا مربوط به سال ۱۳۳۷ است و این قباله در مخزن محکمه ثبت محفوظ نداشته و فروشنده زمین نیز کوچی است نه مردم محل.

سرانجام طالبان ۲۹ جولای سال جاری ۲۵ خانواده هزاره را از روستای رشک پشته غرغری ولسوالی پنجاب بامیان کوچ اجباری داده و خانه و زمین‌های آنان را به کوچی‌های پشتون سپردند.

^{۲۳} روزنامه هشت صبح، (۲ سپتامبر ۲۰۲۵). کوچ اجباری ده‌ها خانواده در غزنی؛ طالبان زمین باشندگان سه روستا را به کوچی‌ها واگذار کردند
<https://am.media/fa/forced-migration-of-dozens-of-families-in-ghazni-the-taliban-handed-over-the-land-of-the-inhabitants-of-three-villages-to-the-nomads> بازدید ۳۱ جولای ۲۰۲۵.



(نقشه توضیحی ۳: زمین غصب شده قریه پشته غرغری، ولسوالی پنجاب ولایت بامیان)

منبع محلی به اکسوس گفته است «هرچند مردان روستا به‌ویژه متنفذان محل فرار کرده بودند تا هنگام تطبیق حکم از آنان امضا و شصت اجباری نگیرند، اما طالبان به‌زور وسایل خانه‌ها را بیرون انداختند و دروازه‌های‌شان را قفل کردند.»^{۲۴}

^{۲۴} وبسایت اکسوس، ۲۹ جولای ۲۰۲۵، کوچ اجباری و غصب زمین؛ طالبان یک روستای هزاره‌های بامیان را به کوچی‌های پشتون دادند <https://oxus.tv/۲۰۲۵/۰۷/۲۹/forced-displacement-and-land-grab-taliban-give-a-hazara-village-in-bamyan-to-pashtun-nomads> بازدید ۲۹ جولای ۲۰۲۵.

اعتبار دهی به اسناد جعلی: بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق طالبان برای غصب زمین‌های مردم هزاره برنامه‌هایی را برای اعتبار دهی به اسناد جعلی کوچی‌ها روی دست گرفته‌اند که به‌طور نمونه می‌توان از ایجاد کمیسیون قضایی در محکمه بامیان نام گرفت. طالبان در محکمه بامیان کمیسیون متشکل از چهار قاضی را به‌منظور تأیید اسنادی که ثبت محفوظ ندارد ایجاد کرده و در آن، اسناد کوچی‌ها را تأیید می‌کنند.

یکی از کارمندان حکومت محلی بامیان می‌گوید: طالبان در محکمه ولایت بامیان کمیسیون قضایی را که از چهار قاضی تشکیل شده، ایجاد کرده است تا به آن عده از قبایلهایی که ثبت محفوظ ندارد و در مخزن محکمه اساس آن یافت نمی‌شود به رؤیت «شباه و مماثل» اعتبار قضایی بدهند و آن‌ها را رسماً تأیید کنند. این در حالی است که این کمیسیون شرایط تأیید اسناد به رؤیت «شباه و مماثل» را نیز در نظر نمی‌گیرد.

طالبان محکمه ولسوالی ورس را لغو کرده و برای ولسوالی ورس و پنجاب یک محکمه در نظر گرفته است اما محاکم ولسوالی‌های کهمرد، شیر و سیغان که تعدادی از باشندگان آن سنی مذهب هستند را حفظ کرده است درحالی‌که این سه ولسوالی نسبت به ورس و پنجاب جمعیت کمتر دارد.^{۲۵}

هجوم کوچی‌های مسلح و سهل‌انگاری عمدی طالبان: روزنامه اطلاعات روز در مقاله که در تاریخ ۲۹ جولای ۲۰۲۵ میلادی با عنوان «فصل تازه‌ای از اشغال سرزمین و کوچ اجباری» نشر کرده نوشته است: شیوه‌ای که طالبان در مناطق مرکزی برای این اشغال به کار می‌برند، معمولاً سه مرحله دارد: اول، کوچی‌ها به مناطق مردمی بومی سرازیر شده و با مردم محل درگیر می‌شوند. بعد، کوچی‌ها به حکومت طالبان شکایت می‌برند که مردم مناطق تحت حمله مانع حرکت و استفاده‌ی کوچی‌ها از چراگاه‌ها می‌شوند. در مرحله‌ی سوم، محکمه‌ی طالبان به داوری می‌پردازد و فیصله می‌کند (همیشه و بدون استثنا به نفع کوچی‌ها) که مردم بومی بر زمین‌های غصبی زندگی می‌کنند و باید هرچه زودتر خانه و سرزمین خود را ترک کنند.^{۲۶}

یکی از کارمندان حکومت محلی بامیان در این زمینه می‌گوید: «در مسئله حمله کوچی‌های مسلح به سرخ جوی، ولسوالی ورس شکایت مردم محل را تحویل نگرفتند و عمداً در رسیدگی به هجوم کوچی‌ها سهل‌انگاری کردند.»

منابع محلی که نمی‌خواهد نام از آن‌ها گرفته شوند تأکید می‌کنند که طالبان با سهل‌انگاری در بررسی و جلوگیری از هجوم کوچی‌های مسلح به قریه‌های مردم هزاره می‌خواهند در میان مردم رعب و وحشت ایجاد کنند تا مردم بترسند و زمین‌های‌شان را خاموشانه و بدون دادخواهی به کوچی‌ها بسپارند.

همان‌گونه که در قسمت وقایع تروریستی هم یادآوری گردیده بود، روزنامه اطلاعات روز در ۲۹ جولای گزارش کشته شدن یک‌تن از باشندگان بهسود میدان وردک توسط کوچی‌ها را نشر کرده است. بر اساس گزارش روزنامه اطلاعات روز منابع محلی در ولسوالی

^{۲۵} در مصاحبه با یکی از کارمندان حکومت محلی بامیان

^{۲۶} روزنامه اطلاعات روز، (۲۹ جولای ۲۰۲۵) فصل تازه‌ای از اشغال سرزمین و کوچ اجباری .

<https://storage.googleapis.com/qurium/www.etilaatroz.com/۲۳۶۷۵۴-forced-displacement-in-afghanistan.html> بازدید

حصه اول بهسود ولایت میدان وردک به روزنامه اطلاعات روز تأیید کرده‌اند که «کوچی‌های مسلح» یک جوان هزاره را به ضرب گلوله به قتل رسانده‌اند. به گفته‌ی منابع، این جوان «مجتبی نقوی» نام دارد و حوالی ساعت ۱۱:۰۰ سه‌شنبه، ۲۹ جولای در منطقه‌ی «شهر نیرو»ی ولسوالی حصه اول بهسود به قتل رسیده است.^{۲۷}

منابع می‌گویند که مجتبی پس از آن که مانع هجوم مواشی کوچی‌ها بر مزارع‌اش شد، از سوی مردان مسلح کوچی هدف تیراندازی قرار گرفت و به قتل رسید. منابع شمار مردان کوچی را سه نفر مسلح می‌گویند.

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق، مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به سوال باز که در پرسشنامه مبنی بر تجربه شخصی‌شان از غصب زمین و فشار طالبان داشته‌اند، چنین پاسخ ارائه کرده‌اند:

۱. منطقه علی‌آباد از مربوطات ناحیه ۱۲ ام شهر مزار شریف از سال‌های نخست روی کار آمدن طالبان درگیر و دار زمین است. طالبان در این رابطه چندین تن از کلاترهای منطقه را که مخالف کوچ اجباری و دعوای زمین بودند را دست‌گیر، شکنجه و حتی مجبور به فرار کرده‌اند. جدا از آن با گماشتن جاسوسان محلی از درون منطقه و قوم هزاره در تلاش نفوذ و سرکوب مخالفت‌ها استند. غصب زمین در مناطق دیگر مزار شریف نیز وجود دارد؛ اما منطقه علی‌آباد جای است که دست‌کم حدود پنج هزار خانوار هزاره زندگی می‌کند. در نزدیک به چهار سال اخیر ما شاهد جای به‌جای قوم‌های پشتون، از جمله کوچی‌ها و قوم ازبیک نیز در این منطقه هستیم. حالا نمی‌دانیم به‌عنوان جاسوس جابه‌جا شده‌اند یا دلیل‌های دیگری دارند ولی این امر سبب شده که مردم هزاره در این منطقه آرامش نسبی به‌ویژه روان آشفته و نگرانی داشته باشند. مسئله دیگر ایست بازرسی و پسته‌های امنیتی است که در این منطقه ایجاد کرده‌اند و بر زندگی هزاره‌نشین‌های این منطقه نظارت دارند.

۲. من از ولایت غزنی هستم و در ولایت کندز ولسوالی امام صاحب زندگی می‌کنم. در ولسوالی امام صاحب بازار باسوس قریه جلی کول و یا تکه بوز زمین دارم که قواله شرعی هم دارم. زمین زراعتی است که طالبان به‌زور گرفته که دولتی است. خودم هم فعلاً ترک خاک کردم جانم در خطر است. ویدیو هم دارم از زمینم که طالبان به‌زور گرفته است. جانم هم به خطر است.

غصب زمین‌های هزاره‌ها در سال چهارم حکومت طالبان نشان‌دهنده‌ی مهندسی اجتماعی، استراتیژی تبعیض‌آمیز و خشونت‌بار گروه طالبان به‌منظور حذف این گروه قومی است. چنانچه ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی گروه طالبان در گفتگو با تلویزیون طلوع اسکان دادن مهاجرین نوار مرزی دیورند را به مناطق مرکزی تأیید کرده است. بر اساس مشاهده و مصاحبه با مردم محل ما دریافتیم که این مهاجرین گروه‌های افراطی مذهبی از جمله گروه تروریستی تحریک طالبان پاکستان است.^{۲۸}

استفاده از ابزارهای قضایی، اسناد جعلی، ارباب نظامی و همکاری با کوچی‌های مسلح، نمایانگر ساختار هدفمند حذف و کوچ اجباری مردم هزاره از سرزمین‌های تاریخی‌شان است. این روند، نه‌تنها تهدیدی برای امنیت فیزیکی مردم هزاره، بلکه تلاشی برای حذف حافظه‌ی تاریخی و پیوند آنان با سرزمین‌شان به شمار می‌رود.

ج) قلدری و باج‌گیری طالبان از مناطق هزاره نشین

در یک سال گذشته تمام مردم افغانستان با قلدری و باج‌گیری گسترده به بهانه‌های متفاوت روبه‌رو بوده که در این میان هزاره‌ها به‌طور خاص به دلیل نژادی و مذهبی -چون اکثر هزاره‌ها شیعه اثناعشری است- با انواع قلدری‌ها و باج‌گیری چه مستقیم و چه

^{۲۷} همان.

^{۲۸} Tolo News. (۲۰۲۰). Waziristan Refugees to Be Relocated in North, South, Center: Mujahid.

https://tolonews.com/afghanistan-۱۸۳۷۰۴?utm_source=chatgpt.com Seen July ۲۹, ۲۰۲۰.

غیرمستقیم (حمایت از افراد قلدر و باج‌گیر) دست‌وپنجه نرم می‌کنند که با مسامحه و اغماض می‌توان به گونه زیر فهرست‌وار یادآور شد:

تحمیل فرهنگ قبیلوی طالبان بر مناطق هزاره‌نشین: طالبان در تمام مناطق هزاره نشین برای اینکه موانع شدیدی فرا روی هزاره‌ها در عرضه و دسترسی خدمات ایجاد کنند، همه امور را به دست طالبان پشتون تبار سپرده‌اند؛ که این طالبان از هر لحاظ با زبان، فرهنگ، عرف و مذهب هزاره‌ها بیگانه بوده‌اند و با قلدری و زورگویی در صدد تحمیل فرهنگ قبیلوی خودشان به عنوان قانون و سنت اسلامی بالای مردم هزاره هستند؛ که این اتفاق در تمامی مناطق هزاره نشین بدون استثنا افتاده است. این عمل منجر به ایجاد رعب و وحشت، محدودیت‌های شدید اجتماعی، آسیب‌های جدی روحی و روانی نزد خانواده‌ها مخصوصاً زنان و دختران گردیده است که به‌عنوان مثال به چند نمونه زیر اشاره می‌کنیم:

اکثریت نفوس ولایت بامیان را هزاره‌ها تشکیل و بیشترین قدرت هزاره‌ها هم در بامیان است؛ در این ولایت بیشتر از بیست ریاست وجود دارد که از آن جمله فقط پنج ریاست (صحت عامه، فواید عامه، محیط‌زیست، شهدا و معلولین و شهرک‌سازی) به‌صورت سمبولیک مربوط هزاره‌ها می‌باشد و رؤسای هزاره تبار هیچ‌گونه صلاحیت وظيفوی در اداره ندارد؛ به‌عنوان‌مثال در کنار رئیس صحت عامه که یک هزاره می‌باشد شخصی به نام نظام -برادر والی بامیان- حضور داشته و صلاحیت کامل در ریاست صحت عامه را به دست دارد که حضور رئیس صحت عامه سمبولیک بوده و صرفاً عنوان «رئیس» را دارد.^{۲۹}

در ولایت دایکندی و ولسوالی‌های دیگر هزاره نشین که مربوط مرکزیت ولایت‌های دیگر است وضعیت به‌مراتب وخیم‌تر از این است و فقط اداراتی که نیازمند افراد متخصص بوده یک فرد هزاره به دلیل تخصصش در اداره به حیث مأمور کارمند است ولی در کنارش فرد دیگر از افراد طالبان جهت سانسور و بررسی همان شخص حضور دارد.

اداره محلی جاغوری میان دو گروه از طالبان پشتون تبار تقسیم شده است، بخش ملکی توسط طالبان از ولایت زابل اداره می‌شود، درحالی‌که مسئولیت امور نظامی به دست طالبان به ولسوالی قره‌باغ غزنی سپرده شده است.

اعتبار دهی اسناد بدون اساس و ثبت محفوظ کوچی‌ها تحت عنوان «کمسیون قضایی»: از جمله رفتار دیگر طالبان که باج‌گیری مهم و دوام دار بوده و زمینه‌ساز مشکلات دائمی تا سال‌های بعد می‌گردد -در بخش غصب اراضی و کوچ اجباری یادآوری گردید- اعتبار دهی اسناد غصب زمین کوچی‌ها تحت نام «کمسیون قضایی» است؛ اعتبار دهی اسناد زمین‌های بلامنازع که دارای اساس و ثبت محفوظ نمی‌باشد به رؤیت «اشباه و مماثل» تحت شرایط ویژه قابل‌اجرا می‌باشد ولی در رأس این کمسیون رئیس محکمه مرافعه ولایت بامیان شخصی به نام میرآغا هاشمی مسکونه کلیچ بامیان از کوچی‌ها است که بدون کدام طی مراحل قانونی -حداقل قانون خود طالبان- اسناد کوچی‌هایی را که مدعی مالکیت زمین‌های هزاره‌ها است با برگزاری جلسه سمبولیک توسط کمسیون مذکور (کمسیون قضایی) اعتبار دهی می‌نماید که حتی در بعضی موارد همان جلسه سمبولیک هم دایر نگردیده است. منحیث نمونه در رابطه به پنج دفتر زمین رشک پشته غرغری ولسوالی پنجاب که کوچی‌ها ادعای مالکیت کرده و فعلاً بیست‌وپنج خانواده کوچ اجباری داده شده در حالت بی‌سرنوشتی به سر می‌برد، همین رئیس محکمه مرافعه، رئیس دیوان مدنی را در دفترش خواسته و پشت دروازه بسته به جبر فیصله و امضا برای اعتبار دهی سند کوچی‌ها می‌گیرد و بدون تمیز خواهی جهت تطبیق به

^{۲۹} مصاحبه با افراد ساحه

محکمه ابتدائیه ولسوالی پنجاب می‌فرستد؛ -در صورتی که اسناد مالکیت عرفی و شرعی مردم محل ۱۱ سال قبل از اسناد کوچی‌ها توسط دولت ظاهر شاه برای مردم محل صادر شده است.^{۳۰} محکمه ابتدائیه پنجاب هم حکم تخلیه روستای رشک را صادر می‌کند و این حکم توسط محکمه ابتدائیه ولسوالی پنجاب، در حالی صادر شده است که هنوز هم دعوای حقوقی میان باشندگان محل و کوچی‌ها بر سر زمین‌های این روستا، جریان دارد و تاکنون دوسیه حقوقی به ستره محکمه ارسال نشده و حکم نهایی در این مورد صادر نگردیده است.^{۳۱}

عدم دسترسی مردم به محکمه و دادخواهی: مورد دیگر از رفتار قلدرانه طالبان حذف محکمه ابتدائیه از برخی ولسوالی‌های هزاره نشین و دور نگهداشتن مردم از قانون -حداقل همان قانون طالبانی- و دادخواهی جهت رسیدگی به مشکلات حقوقی مردم است، به عنوان مثال ولسوالی ورس ولایت بامیان ظرفیت ولایت شدن یا حداقل دو ولسوالی را دارد ولی محکمه ابتدائیه در تشکیلات اداری این ولسوالی موجود نیست و دو ولسوالی (ورس و پنجاب) دارای یک محکمه ابتدائیه می‌باشد که در پنجاب موقعیت دارد و رسیدن از نقاط دور ورس به پنجاب خیلی دشوار و بی‌نهایت مشکل است؛ همین‌گونه ولسوالی یک‌ه‌اولنگ نمبر ۲ هم بدون محکمه ابتدائیه می‌باشد و مسایل حقوقی ولسوالی یک‌ه‌اولنگ نمبر ۲ در محکمه ولسوالی یک‌ه‌اولنگ بررسی می‌گردد که عملاً دور نگهداشتن مردم از دسترسی به قانون و دادخواهی است.^{۳۲}

این موضوع در سایر مناطق هزاره نشین غزنی مانند جاغوری و مالستان نیز همین‌گونه است و مردم برای رسیدگی به عریضه‌شان باید به ولسوالی‌های دیگر غزنی که محاکم طالبان وجود دارد فرستاده شوند که هزینه‌های مردم را چند برابر ساخته و از طرفی دیگر مردم را در خلاء دسترسی به خدمات و قانون قرار داده است.

قراردادهای گردشگری و دولتی: از موضوعات دیگر که ارتباط مستقیم با وضعیت اقتصادی مردم داشته و طالبان باج‌گیری می‌کنند قراردادهای است که همه این قراردادهای در مناطق هزاره نشین یا به شرکت‌های طالبانی واگذار شده و یا هم شرکت‌های مرتبط با طالبان طرف قرارداد می‌باشد؛ در بامیان همه قراردادهای تحت نظر و دخالت مستقیم «غازی» برادر والی بامیان منعقد می‌گردد^{۳۳} در بسیاری از موارد، بودجه‌ها و برنامه‌هایی که باید به صورت عادلانه در سراسر کشور توزیع می‌شد، به طور کامل از ولایت‌ها و ولسوالی‌های هزاره‌نشین حذف یا نادیده گرفته شده‌اند. این رفتار نه تنها نشانه‌ای از تبعیض قومی در سیاست‌گذاری اقتصادی طالبان است، بلکه تأثیرات بلندمدتی بر فقر، بیکاری و نابرابری اجتماعی در میان جامعه هزاره بر جای می‌گذارد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق میانگین به دست آمده از موافقت مصاحبه‌شوندگان با توزیع منصفانه پروژه‌های اقتصادی در مناطق شان ۱.۷ از ۵ است. بر اساس این میانگین اکثریت هزاره‌ها به این باورند که پروژه‌ها در مناطق شان به صورت منصفانه توزیع نمی‌شود. بر

^{۳۰} مصاحبه با افراد محل و متضررین.

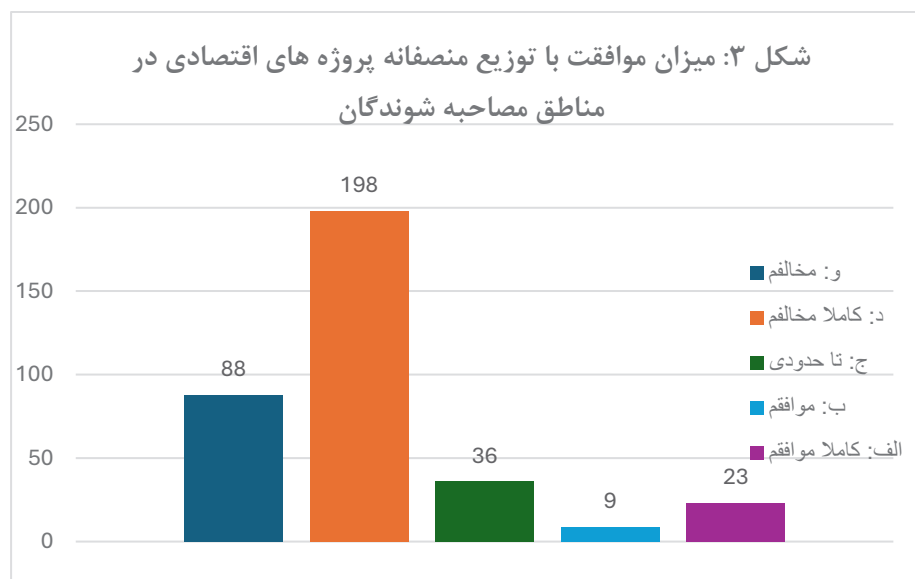
^{۳۱} جاده ابریشم. (۱۳ جولای ۲۰۲۵). طالبان دستور تخلیه روستای رشک ولایت بامیان را صادر کرده است. [https://jade-](https://jade-abresham.com/slideshow/15499/)

[abresham.com/slideshow/15499/](https://jade-abresham.com/slideshow/15499/) بازدید ۲۵ جولای ۲۰۲۵

^{۳۲} صحبت مردم محل

^{۳۳} از صحبت‌های مردم بامیان.

اساس شکل زیر از میان ۳۵۵ تن مصاحبه‌شونده، ۱۹۸ تن (۵۵.۸٪) با این موضوع کاملاً مخالف، ۸۸ تن (۲۴.۸٪) مخالف، ۳۶ تن (۱۰.۱٪) تا حدودی، ۲۳ تن (۶.۵٪) کاملاً موافق و ۹ تن (۲.۵٪) موافق هستند.



رشوه ستانی و زورگیری: تمام ادارات طالبان در مناطق هزاره نشین به رشوه ستانی و زورگیری متوسل شده است که از جمله در ولسوالی مالستان شخصی به نام منتقم ولسوال است، خودش به بهانه های مختلف رشوه ستانی نموده و در تمام مراسم مذهبی و دینی مردم دخالت می کند که بهار گذشته در عید ماه رمضان به دلیل یک روز تفاوت عید مردم با اعلام عید طالبان، در مالستان به زور و جبر به برخی از باشندگان این ولسوالی آب و نان خوراندند تا مطابق اعلام گروه طالبان عید کنند^{۳۴}؛ همچنان در ولسوالی جاغوری اگر کسی ضرورت به یک موتر سنگ و یا خاک داشته باشد باید از ولسوالی اجازه گرفته با پرداخت پول ضرورت خود را رفع نمایند.^{۳۵}

مالیه های اضافی و ممانعت مهمانخانه های بازار بامیان از کرایه دادن اتاق به مهمانان و گردشگران خارجی: در یک سال گذشته طالبان مالیه های اضافی به نام های متفاوت به دوش مردم هزاره گذاشته است که به عنوان نمونه در بازار ولسوالی لعل و سرچنگل شاروالی و اداره امر به معروف بازاریان را مجبور نمودند که یا گرم خانه های پیش روی دکان را جمع نماید و یا مالیه اضافه پرداخت کند که جهت تطبیق این پلان با مردم برخورد نامناسب داشته و در مواردی پیرمردان را لت و کوب هم نموده^{۳۶}—هرچند تا

^{۳۴} اطلاعات روز. (۳۰ مارچ ۲۰۲۵) تفاوت در روز عید؛ طالبان در مالستان غزنی «به زور» به شیعیان آب و نان خوراندند.

<https://www.etilaatroz.com/%d9%80%da%a7%d9%84%da%b3%da%aa%da%a7%d9%86-%d8%ba%da%b2%da%86%db%8c-%da%b1%da%88%da%b2%da%87/>

بازدید ۲۵ جولای ۲۰۲۵. %d8%ba%da%b2%da%86%db%8c-%da%b1%da%88%da%b2%da%87/

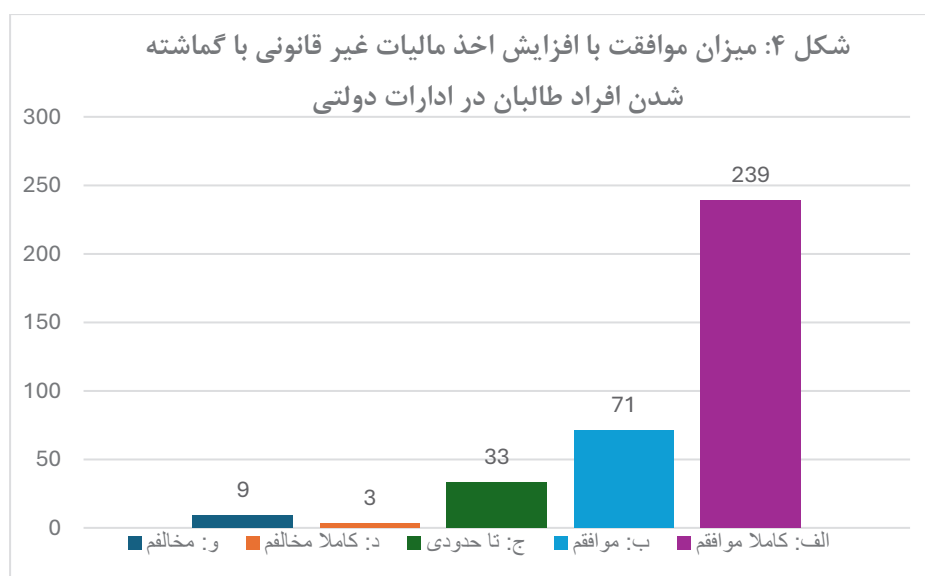
^{۳۵} مصاحبه با افراد ساحه.

^{۳۶} صحبت افراد ساحه و بازاریان

حال موفق به تطبیق این پلان نشده ولی تلاش برای اجرایی کردن آن را دارند- همچنان مالیه دولت تحت نام عشر هم معیار مشخص نداشته و دلخواه بالای افراد حواله می‌گردد که در ولسوالی لعل و سرچنگل یک مورد از ۶۰۰ سیر کچالو شش هزار افغانی گرفته و در جای دیگر از ۶۰۰ سیر کچالو شانزده هزار افغانی اخذ گردیده است.^{۳۷}

مالیه دیگر در بازار بامیان از چوکی داری شبانه بازار است که جهت اجرای معاش افرادی که برای نگهداری و حفاظت دکان‌های بازار بامیان از سرقت و دزدی در سال‌های قبل ماهانه فی دکان ۱۰۰ افغانی بود ولی فعلاً طالبان این مالیه را دو برابر افزایش داده و از هر دکان ماهانه ۲۰۰ افغانی اخذ می‌گردد^{۳۸}؛ از طرف دیگر هتل‌ها، رستوران‌ها و مهمانخانه‌های شهر بامیان از کرایه دادن اتاق برای مهمانان و گردشگران خارجی منع گردیده است و در صورت کرایه دادن اتاق به مهمان خارجی، جریمه می‌گردد؛ فقط گردشگران خارجی می‌تواند از چند مهمانخانه مشخص اتاق کرایه بگیرد که اکثراً توسط افراد نزدیک به طالبان و غیر هزاره‌ها اداره می‌گردد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با گماشته شدن افراد طالبان در ادارات دولتی اخذ مالیات غیرقانونی افزایش یافته است. میانگین به‌دست‌آمده از پاسخ به این پرسش ۴.۵ از ۵ است. بر اساس این میانگین بیشترین مردم هزاره باورمندند که طالبان با گماشتن افرادشان در ادارات دولتی اخذ مالیات غیرقانونی را افزایش داده‌اند. چنانچه در شکل زیر مشاهده می‌کنید، از میان ۳۵۵ تن مصاحبه‌شونده، ۲۳۹ تن (۶۷.۳٪) با این موضوع کاملاً موافق، ۷۱ تن (۲۰٪) موافق، ۳۳ تن (۹.۳٪) تا حدودی، ۹ تن (۲.۵٪) مخالف و ۳ تن (۰.۸٪) کاملاً مخالف می‌باشند.



^{۳۷} مصاحبه با افراد محل.

^{۳۸} مصاحبه با افراد و بازاریان شهر بامیان

در سوالی که به شکل باز در پرسشنامه مبنی بر شریک سازی تجربه شخصی مصاحبه‌شوندگان در رابطه با فشار طالبان، برخورد تبعیض‌آمیز و تهدیدهای امنیتی شده بود، بعضی از پاسخ‌دهندگان در رابطه به فشار طالبان بالای مردم محل چنین پاسخ ارائه کرده‌اند:

۱. من در دره کثرو ولسوالی دولتیار ولایت غور در سفر کاری‌ام رفته بودم. هزاره‌های این منطقه بالای ۴۰۰ سال است که در این وادی زندگی می‌کنند. من دو شب که در این منطقه بودم با چشم مشاهده کردم که طالبان به تعداد ۳۰ الی ۵۰ نفر در مسجد بود و باش می‌کنند و مردم محل را مجبور می‌سازند تا مصارف آن‌ها از قبیل خوراک و پوشاک را بپردازند؛ و مردم محل را مجبور به کوچ اجباری می‌کنند.

۲. هزاره‌های ارزگان در شرایط بسیار سختی تحت حاکمیت طالبان زندگی می‌کنند. آن‌ها مجبور به پرداخت مالیات هنگفت به این گروه هستند. هزاره‌های این منطقه مانند برده زندگی می‌کنند. طالبان بالای همه چیز مالیات وضع کرده‌اند حتی کمترین محصول زراعتی مانند گندم، درختان و چوب برای آتش. در بعضی روستاهای کوچک صدها طالب جنگجو زندگی می‌کنند و مردم محل را مجبور می‌سازند تا همه مصارف آن‌ها از قبیل خوراک، پوشاک و عبور و مرور را تهیه کنند.

۳. طالبان رفتار بسیار زشت و نامناسب با مردم هزاره دارند. طالبان نه تنها کمکی به آن‌ها می‌کند بلکه با اخذ مالیات غیرقانونی تمامی سرمایه آن‌ها را می‌گیرد. مردم جاغوری ولایت غزنی که از دوستان و اقارب‌شان که در خارج از کشور به سر می‌برند برای ساخت‌وساز و حفر چاه آب و سایر موارد درخواست پول می‌کنند، طالبان همه‌ی آن پول‌ها را به‌زور از این‌ها می‌گیرند.

۴. «طالبان به‌زور از مردم پول اجباری جمع می‌کنند و به کسی اجازه ساخت‌وساز نمی‌دهند. اگر کسی حتی بام خانه خود را کاه‌گل کند باید به طالبان در بدل آن پول بپردازد.»

قلدری غیرمستقیم طالبان در قالب حمایت از قلدران دیگر: طالبان در روستای کنذیر ولسوالی گیزاب ولایت ارزگان باشندگان محل را مجبور به پرداخت سی میلیون افغانی بابت «وجه مصالحه» و «قیمت زمین» به سه طایفه از پشتون‌های گیزاب و کوچی‌های مقیم هلمند کردند^{۳۹}؛ این مبلغ طی اقساط مختلف در مدت بیشتر از یک سال پرداخت گردید که آخرین قسط این باج را به تاریخ ۲۲ دلو ۱۴۰۳ هجری شمسی مصادف با ۱۰ فبروری ۲۰۲۵ میلادی برای باج‌گیران گیزاب و هلمند پرداخت کردند.^{۴۰} همچنان در یک اقدام مشابه به تاریخ ۱۲ سنبله ۱۴۰۳ هجری شمسی برابر با ۲ سپتامبر ۲۰۲۴ میلادی محکمه ابتدائیه طالبان در ولسوالی ناهور

^{۳۹} اطلاعات روز. (۱ مارچ ۲۰۲۵). باج؛ برای حفظ آخرین قطعه زمین اجدادی.

<https://www.etilaatroz.com/%d8%a8%d8%a7%d8%ac%d8%9b-%d8%a8%d8%b1%d8%a7%db%ac-%d8%00%09%81%08%08-%08%02%08%00%08%01%00%80%09%86-%09%83%08%07%08%09%09%87-%08%00%09%85%00%80%09%86-%08%07%08%00%08%00%08%07%08%00%00%80/>

^{۴۰} اطلاعات روز. (۱۳ مارچ ۲۰۲۵). باج؛ برای حفظ آخرین قطعه زمین اجدادی. <https://youtu.be/YUpjG0AwgyQ?si=4P1Lu8ihpEFv0jS>. بازدید ۲۵ جولای ۲۰۲۵

می‌کند؛ این در صورتی است که طالبان همواره شعار خلع سلاح همه افراد مسلح غیرمستول را داده و هر ساله چندین بار به صورت خانه به خانه قریه جات هزاره‌ها را دنبال اسلحه بوده و افراد زیادی را متهم به داشتن اسلحه کرده با جبر از آن‌ها اسلحه را دریافت نموده و خودشان را مدتی زندانی نمودند ولی کوچی‌ها با اسلحه به مناطق هزاره نشین وارد شده مردم را تهدید به کشتن و زدن کرده بالای زن و کودک با اسلحه فیر می‌کنند که در مواردی منجر به زخمی شدن افراد شده اما طالبان در مقابل این مسلحان غیرمستول کاملاً سکوت بوده و از آن‌ها در مقابل هزاره‌ها با جدیت حمایت نموده و پشتیبانی می‌کند.

در یک مورد دیگر، بعد از درگیری کوچی‌ها با مردم سرخجوی ورس زمانی که مردم برای رسیدگی جنایی به ولسوالی ورس رجوع می‌کنند افراد مستول در ولسوالی از طی مراحل عریضه خودداری کرده و برای عارضین جواب رد می‌دهند.^{۴۶}

حمایت دیگر طالبان از شخصی به نام حاجی عبدالحمید است که در همدستی با کوچی‌ها ادعای مالکیت همه بازار ولسوالی ورس و تعمیرهای دولتی این ولسوالی را دارد که طالبان در مقابل فرد مذکور (حاجی عبدالحمید) ساکت بوده فقط مردم بازار در برابر وی دعوا می‌کند که احتمال فیصله به نفع حاجی عبدالحمید و کوچی‌ها خیلی زیاد است.

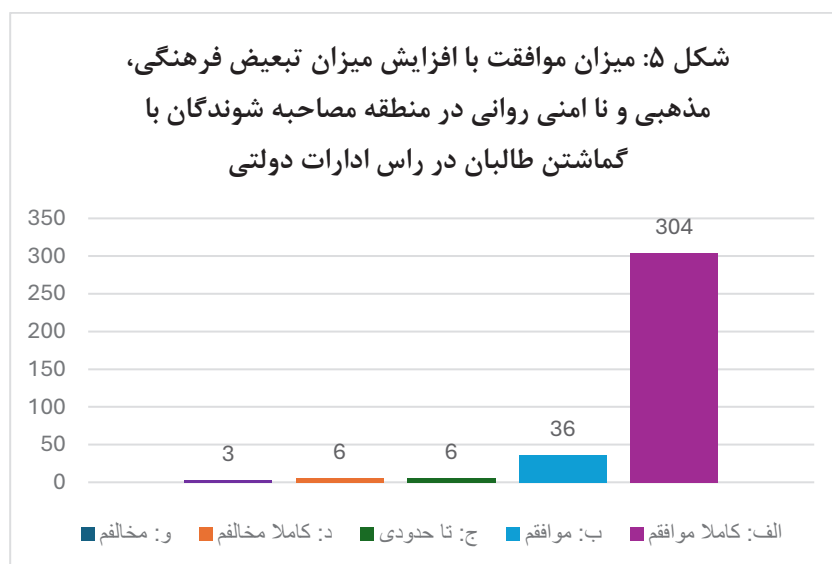
در مجموع، شواهد به دست آمده از مناطق هزاره‌نشین افغانستان نشان می‌دهد که طالبان سیاست‌های سازمان‌یافته‌ای از قلدری، باج‌گیری و به حاشیه راندن سیستماتیک را علیه مردم هزاره اعمال می‌کنند. این برخوردها باعث ایجاد فضای رعب، محرومیت شدید از عدالت، کاهش امنیت روانی و اقتصادی و سلب تدریجی مالکیت سرزمین از مردم هزاره شده است. مردم در این مناطق در کنار فشارهای معیشتی، ناامنی و محدودیت‌های شدید، از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی همچون دادخواهی و دسترسی به خدمات عمومی نیز محروم هستند.

^{۴۶} صحبت مردم محل

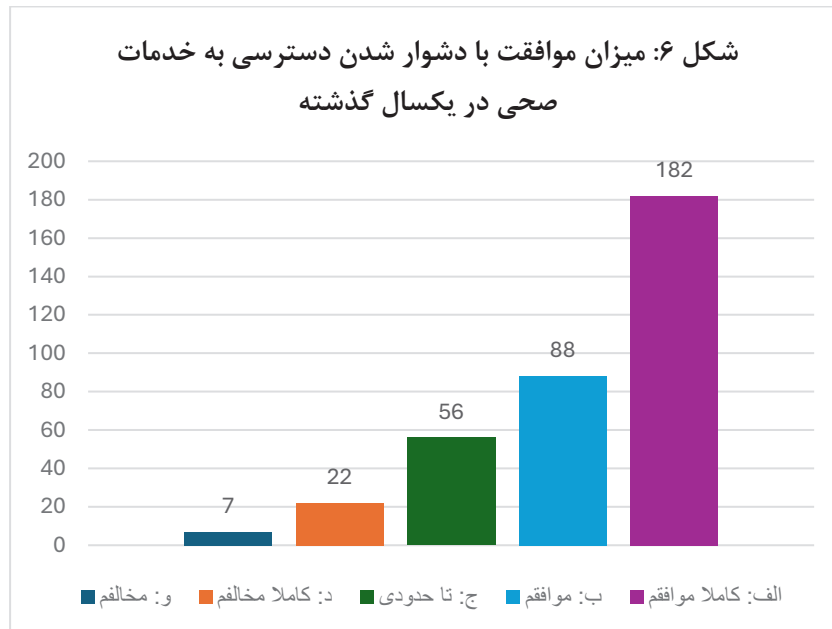
فصل دوم: وضعیت اجتماعی

طالبان با محروم‌سازی هزاره‌ها از دسترسی عادلانه به خدمات اجتماعی، کنار زدن هزاره‌ها از مشارکت در ساختارهای حکومتی و اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز، عملاً این گروه را به حاشیه رانده‌اند. محدود شدن دسترسی به تعلیم و تربیه، خدمات صحتی، برخورد تبعیض‌آمیز در ادارات دولتی، تبعیض در توزیع کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی، دستگیر و زندانی کردن دختران هزاره، مجبور ساختن هزاره‌ها به کوچ اجباری، محدودیت دسترسی به شغل و مشارکت سیاسی برای هزاره‌ها، بخشی از فشارهای اجتماعی است که این جامعه متحمل شده است.

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق گماشتن افراد طالبان در رأس ادارات دولتی منجر به افزایش میزان تبعیض فرهنگی، مذهبی و ناامنی روانی در جامعه هزاره شده است. میانگین به‌دست‌آمده از این پرسش ۴.۷ از ۵ است. طوریکه در شکل زیر می‌بینید از میان ۳۵۵ تن مصاحبه‌شونده اکثریت آن‌ها یعنی ۳۰۴ تن (۸۵.۶٪) کاملاً موافق، ۳۶ تن (۱۰.۱٪) موافق، ۶-۶ تن (۱.۷٪) تا حدودی و کاملاً مخالف و ۳ تن دیگر (۰.۸٪) مخالف این موضوع هستند.



تحت سایه رژیم طالبان دسترسی به خدمات دشوار شده است. گماشتن افراد طالبان در ادارات و کنار زدن هزاره‌ها، خود تقویت‌کننده این موضوع است. مصاحبه‌شوندگان به این پرسش که چه اندازه موافق دشوار شدن دسترسی به خدمات صحتی هستند، این‌گونه پاسخ ارائه کرده‌اند. از میان ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، ۱۸۲ تن (۵۱.۳٪) کاملاً موافق، ۸۸ تن (۲۴.۸٪) موافق، ۵۶ تن (۱۵.۸٪) تا حدودی، ۲۲ تن (۶.۲٪) کاملاً مخالف و ۷ تن (۲٪) مخالف این موضوع هستند. میانگین به‌دست‌آمده از این پرسش ۴.۱ از ۵ است. بر اساس این میانگین اکثریت هزاره‌ها باورمندند که دسترسی به خدمات صحتی تحت حاکمیت طالبان در یک سال گذشته دشوار شده است.



الف) وضعیت زنان و محرومیت از تعلیم، تحصیل و اشتغال

پس از به قدرت رسیدن طالبان، افغانستان تبدیل به سیاه چاله‌ای برای زنان و دختران گردید. صدور و اجرایی کردن فرامین تاریک متعددی که فقط مخاطب آن زنان و دختران است، وضعیت را برای آنان غیرقابل تحمل کرده است. بر اساس شاخص زنان، صلح و امنیت که در اکتوبر سال ۲۰۲۳ میلادی در نیویورک نشر شد، از میان ۱۷۷ کشور جهان، افغانستان به حیث یکی از بدترین کشورها برای وضعیت زنان شناخته شد. برای این شناسایی ۱۳ شاخص برای بررسی وضعیت زنان در نظر گرفته شد که از تعلیم، تحصیل و اشتغال الی قانون و خشونت‌های نظام‌مند علیه زنان، می‌شود. پس از به قدرت رسیدن طالبان زنان افغانستان بدون هیچ‌گونه انگیزه و امیدی صبح‌ها از خواب بیدار و شب‌ها به خواب فرو می‌روند.^{۴۷} سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان، زنان را از تمام حقوق انسانی‌شان محروم کرده و بحران‌های روانی، اجتماعی-اقتصادی و توسعه‌ای گسترده‌ای Gender Apartheid را به وجود آورده است.

هرچند قبل از روی کار آمدن طالبان زنان به حقوق نسبی خود در عرصه‌های مختلف دسترسی داشتند اما وضعیت زنان در افغانستان در بهترین حالت خود نیز بحرانی بوده است. در سال ۲۰۱۱ در نظرسنجی که توسط نهاد توماس رویترز انجام پذیرفته بود، افغانستان به حیث یکی از خطرناک‌ترین کشورها برای زندگی زنان شناخته شد. نتایج این نظرسنجی بر اساس پاسخ‌های بیش از ۲۰۰ متخصص کمک‌های بین‌المللی، دانشگاهیان، کارکنان صحنی، سیاست‌گذاران، روزنامه‌نگاران و متخصصان توسعه که به دلیل تخصصشان در زمینه مسائل جنسیتی انتخاب شده بودند، به دست آمد. این کشورها همچنین بر اساس شش عامل خطر رتبه‌بندی شدند: سلامت، تبعیض و عدم دسترسی به منابع، آداب‌ورسوم فرهنگی و مذهبی، خشونت جنسی، قاچاق انسان و خشونت مرتبط با درگیری. بر اساس یافته‌های این سروی، افغانستان به دلیل خشونت هدفمند علیه مقامات دولتی زن و سایر خشونت‌های مبتنی بر جنسیت،

^{۴۷} Prio. (October ۲۰۲۳). Afghanistan Ranks Bottom of Global Index on Women's Status, <https://www.prio.org/news/۳۴۷۶>. Senn on July ۲۲, ۲۰۲۵.

حداقل مراقبت‌های صحتی و فقر شدید، خطرناک‌ترین کشور جهان است برای زنان است. مسئله نابرابری جنسیتی و سوءاستفاده، مسئله‌ای جهانی است و همچنان افغانستان را آزار می‌دهد، زیرا ازدواج‌های اجباری، قتل‌های ناموسی، «معامله اسب» برای حل اختلافات و محدودیت‌های شدید رفت‌وآمد همچنان توسط جامعه افغانستان بر زنان و دختران این کشور اعمال می‌شود. تبعیض و سوءاستفاده در مناطق روستایی به شدت رواج دارد، جایی که بسیاری از خانواده‌ها هنوز تعامل عمومی مادران، دختران، همسران و خواهران خود را محدود می‌کنند. بسیاری از دختران از آموزش ابتدایی محروم هستند و مدارس دخترانه متعددی همچنان به آتش کشیده می‌شوند.^{۴۸}

حضور طالبان زنان افغانستان را به صورت عام و زنان هزاره را به شکل خاص و گسترده‌ای از حقوق و آزادی‌شان محروم ساختند. از آنجایی که هزاره‌ها متمایل به دنیای مدرن و معتقد به حقوق زنان هستند، همیشه رفتن به مکتب و دانشگاه را مورد حمایت قرار داده‌اند. این حمایت نه تنها لفظی بوده بلکه در عمل نیز همگی شاهد این است که هزاره‌ها در هر منطقه‌ای که قرار داشتند، حتی در دوردست افتاده‌ترین مناطق بازهم دختران‌شان را به مکتب و دانشگاه می‌فرستادند و عده‌ی کثیری از زنان تحصیل کرده‌ی هزاره شاغل بودند. پس از به قدرت رسیدن طالبان و بسته شدن مکاتب و دانشگاه‌های دخترانه، بزرگ‌ترین آسیب را قوم هزاره متقبل شدند. طالبان نه تنها دختران هزاره را از دست‌یابی به فرصت‌های تعلیمی و تحصیلی منع کردند بلکه رفتارهای زشت و غیرانسانی را در مقابل این گروه از اولین روزهای به حکومت رسیدن خود روی دست گرفتند.

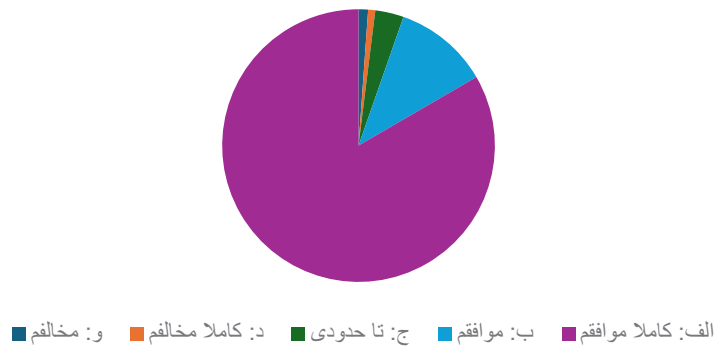
پس از بسته شدن مکاتب توسط طالبان، با کمک‌های بین‌المللی که بیشترین آن توسط USAID ارائه می‌شد، مکاتب مخفی و آنلاین در کابل و سایر نقاط افغانستان شروع به فعالیت نمود. پس از قطع این بودجه توسط ایالات متحده‌ی امریکا اکثر این مکاتب بسته شد و دختران در خانه زندانی شدند.^{۴۹}

مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق به این سوال که «با این جمله چقدر موافق هستید: دختران خانواده من در یک سال گذشته به هیچ فرصت شغلی و آموزشی دسترسی نداشته‌اند» چنین پاسخ ارائه کردند ۲۹۶ تن (۸۳.۴٪) آنان کاملاً موافق ۴۰ تن (۱۱.۳٪) موافق، ۱۲ تن (۳.۴٪) تا حدودی، سه تن (۰.۸٪) کاملاً مخالف و ۴ تن (۱.۱٪) مخالف بودند. میانگین به دست آمده از این پرسش ۴.۷ از ۵ است که بر اساس این میانگین زنان و دختران در بیشترین خانواده‌های هزاره به هیچ فرصت شغلی و آموزشی در یک سال گذشته دسترسی نداشته‌اند.

^{۴۸}. Cassandra Clifford. (۲۰۱۱). Poll Ranks Afghanistan the Most Dangerous Country for Women, <https://fpa.org/poll-ranks-afghanistan-the-most-dangerous-country-for-women/>. Seen on ۲۲ July ۲۰۲۰.

^{۴۹} CNN Instagram Page. (۲۰۲۰, June). *Afghan girls reveal Taliban restrictions on education* [Video]. Instagram. <https://www.instagram.com/reel/DMfWJtruYOn/?igsh=M3hxbmFuMTNteXNw>. Seen on July ۲۰۲۰.

شکل ۷: میزان موافقت با عدم دسترسی دختران به فرصت های شغلی و آموزشی در یک سال گذشته



ازدواج اجباری و ازدواج کودکان: پس از به قدرت رسیدن طالبان یونیسف در نوامبر ۲۰۲۱ میلادی از افزایش ازدواج کودکان در افغانستان ابراز نگرانی کرد. یونیسف علاوه کرد که «ما گزارش های معتبری دریافت کرده ایم مبنی بر اینکه خانواده ها دخترانی حتی ۲۰ روزه را در ازای جهیزیه برای ازدواج در آینده پیشنهاد می دهند. حتی قبل از آخرین بی ثباتی سیاسی، شرکای یونیسف ۱۸۳ مورد ازدواج کودکان و ۱۰ مورد فروش کودکان را تنها در ولایات هرات و بادغیس ثبت کرده اند. این کودکان بین ۶ ماه تا ۱۷ سال سن داشتند. یونیسف تخمین می زند که ۲۸ درصد از زنان افغان ۱۵ تا ۴۹ ساله قبل از ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند.»^{۵۰}

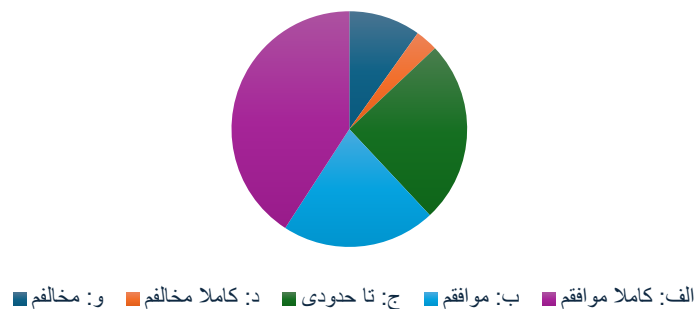
بر اساس سروی دیگری که توسط سازمان بین المللی مهاجرت، دفتر امور زنان سازمان ملل متحد و هیئت سازمان ملل متحد در افغانستان جون ۲۰۲۳ میلادی انجام گرفت، نشان می دهد که ۹۹٪ مصاحبه شوندگان گفته اند که ایجاد محدودیت ها توسط طالبان باعث افزایش کار کودکان، ازدواج کودکان و بیجا شدن شده است.^{۵۱}

بر اساس یافته های تحقیق فعلی میانگین به دست آمده از ازدواج اجباری ۳.۸ از ۵ است. بر اساس این میانگین بیشتر مردم هزاره به این باور هستند که در یک سال گذشته ازدواج اجباری افزایش یافته است. در پاسخ به پرسش با این جمله چقدر موافق هستید: دختران در خانواده و منطقه ی من، به دلیل حاکمیت طالبان مجبور به ازدواج اجباری شده اند؟ ۱۴۵ تن (۴۰.۸۰٪) کاملاً موافق، ۷۵ تن (۲۱.۱۰٪) موافق، ۸۹ تن (۲۵.۱۰٪) تا حدودی، ۱۱ تن (۳.۱۰٪) کاملاً مخالف و ۳۵ تن (۹.۹۰٪) مخالف بوده اند.

^{۵۰} UNICEF. (۲۰۲۱). Girls increasingly at risk of child marriage in Afghanistan. <https://www.unicef.org/press-releases/girls-increasingly-risk-child-marriage-afghanistan>. Seen on July ۳۰, ۲۰۲۵.

^{۵۱} سازمان بین المللی مهاجرت، دفتر امور زنان سازمان ملل متحد و هیأت سازمان ملل متحد. وضعیت زنان افغان. (جون ۲۰۲۳). [chrome-extension://efaidnbmnnnibpcajpcglclefindmkaj/https://afghanistan.iom.int/sites/g/files/tmzbd1۱۰۷۱/files/inline-files/situation-of-afghan-women-june-۲۰۲۳-dari.pdf](https://afghanistan.iom.int/sites/g/files/tmzbd1۱۰۷۱/files/inline-extension://efaidnbmnnnibpcajpcglclefindmkaj/https://afghanistan.iom.int/sites/g/files/tmzbd1۱۰۷۱/files/inline-files/situation-of-afghan-women-june-۲۰۲۳-dari.pdf) بازدید ۳۰ جون ۲۰۲۵.

شکل ۸: میزان موافقت با افزایش ازدواج های اجباری دختران به دلیل حاکمیت طالبان



زندانی و ناپدید کردن دختران هزاره توسط طالبان: طالبان به صدور احکام خشونت بار علیه زنان و دختران افغانستان اکتفا نکردند. آن‌ها عملاً آغاز به دستگیری و حتی ربودن این دختران به بهانه‌های مختلف نمودند. آن‌ها از اولین روز به قدرت رسیدن دختران و زنان را دستگیر کردند که بعضی از آن‌ها را تا امروز رها نکرده و بعضی از آن‌ها را با گرفتن پولی به شکل ضمانت رها کردند. طالبان در سال ۲۰۲۴ میلادی زنانی را در افغانستان به علت بدحجابی دستگیر کردند که در جولای ۲۰۲۵ میلادی با تداوم این دستگیری‌ها شکل آن را خشونت‌آمیزتر کرده‌اند. ریچارد بنت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر افغانستان از اجرای این دستگیری‌ها ابراز نگرانی کرده و آن را امسال خشونت‌آمیزتر توصیف کرده است. او در پستی در شبکه X در رابطه به این دستگیری‌ها نوشت: «این دستگیری‌ها نشان‌دهنده‌ی اجرای مداوم آزار و اذیت سیستماتیک جنسیتی توسط طالبان است که باعث ترس زیادی در میان افغان‌ها شده است.»^{۵۲}

دشت برچی به حیث مرکز ثقل هزاره‌ها در کابل از اولین روزهای به قدرت رسیدن گروه طالبان شاهد اتفاقات غیرانسانی علیه زنان و دختران هزاره بوده است. دختران زیادی همانند عالی‌ه عزیزی رئیس پیشین زندان زنانه هرات که در هفته‌های اول به قدرت رسیدن دوباره طالبان ناپدید شدند به جرم‌های ناکرده از دشت برچی توسط طالبان دستگیر و به اماکن نامشخصی منتقل شده‌اند. امروز که ۴ سال از به قدرت رسیدن این گروه می‌گذرد هنوز از دخترانی که در اولین روزهای حکومت طالبان به‌طور مخفیانه برده شده‌اند خبری نیست. خانواده‌های داغدار این دختران از هراسی که از گروه طالبان دارند تا به امروز حرفی به زبان نیاورده‌اند. شبکه تحلیل‌گران بلاق موفق به مصاحبه با یکی از خانواده‌های این قربانیان شد که داستان ربوده شدن دختر جوان و محصل‌شان توسط طالبان را این‌گونه بیان می‌کند:

^{۵۲} KabulNow. (July ۲۲, ۲۰۲۵). UN Special Rapporteur Warns Taliban Arrests of Women and Girls Becoming More Violent. <https://kabulnow.com/۲۰۲۵/۰۷/un-special-rapporteur-warns-taliban-arrests-of-women-and-girls-becoming-more-violent/>. Seen on July ۳۰, ۲۰۲۵ & abc NEWS. (July ۲۱, ۲۰۲۵). UN concerned by Taliban's arrest of Afghan women and girls for dress code violations. <https://abcnews.go.com/International/wireStory/concerned-talibans-arrest-afghan-women-girls-dress-code-۱۲۳۹۱۹۷۱۸>. Seen on July ۳۰, ۲۰۲۵

من و خواهرم شکریه در تانک تیل دشت برچی اتاق داشتیم. خانواده‌ی ما در مرکز ولایت بامیان زندگی می‌کردند. من کار می‌کردم و او که دختر جوانی بود در یکی از دانشگاه‌های شهر کابل دانشجو بود. پس از به قدرت رسیدن طالبان آن‌ها اعلان کردند که کارمندان صحتی می‌توانند به کار خود ادامه دهند. من که هیچ باوری به این گروه نداشتم فقط خواستم به دفتر کارم بروم و لپتاپ و اسناد محرم خود را با خود به خانه بیاورم تا مبدا این گروه به ریکاردهای کارم دست پیدا کنند. در آن زمان چون طالبان به دختران اجازه رفتن به مکتب و دانشگاه را نمی‌دادند (هرچند در آن اوایل اعلان کرده بودند که دختران می‌توانند به دانشگاه بروند ولی خواهرم از ترس به دانشگاه نمی‌رفت). در آن روز سیاه که هیچ‌وقت آن را فراموش نخواهم کرد، خواهرم در خانه بود و من برای سه ساعت رفتم بیرون تا لپتاپ و اوراق خود را از دفتر بیاورم و فردای آن روز می‌خواستیم هر دوی مان به سمت خانواده‌مان به ولایت‌مان حرکت کنیم. زمانی که به خانه برگشتم دیدم که دروازه خانه باز است، در روی راه‌پله‌ها بر روی کفش‌ها قطرات خون دیده می‌شود، با عجله به سمت اتاق دویدم و دیدم که کمپیوتر و تلفن خواهرم شکسته بر روی زمین است و هیچ‌کسی در خانه نیست. بیرون‌شدم و اطراف را نگاه کردم هیچ خبری نبود. حجاب بزرگ بر تن کردم و ماسک سیاهی به روی کشیدم و به‌طرف شفاخانه‌ها حرکت کردم که اگر او را بیابم، همه‌جا را دیدم اما روز اول چیزی دستگیرم نشد. من از ترس به کسی چیزی نگفتم حتی به همسایه‌های‌مان. فردای آن روز به برادرم که در ولایت دیگر بود زنگ زدم و گفتم که خواهر مان گم شده است به پدر و مادر چیزی نگو که آن‌ها پیر هستند مبدا اتفاقی بیافتد. او با عجله خودش را به کابل رساند و به مدت ۲۵ روز همه‌جا را گشتیم. اولین جایی که با برادرم رفتیم همان پوسته‌ی پولیس محل‌مان بود (پس از به قدرت رسیدن طالبان هنوز هم چند شخص هزاره در همان پوسته برای مدتی کار می‌کردند)، وقتی به آن‌ها گفتیم خواهر مان از خانه گم شده است آن‌ها به ما گفتند: «طالبان برده است، کاری از دست ما و شما بر نمی‌آید. سکوت کنید و به کسی چیزی نگوئید» ما همه‌جا را گشتیم اما تا به امروز هیچ اثری از خواهرمان پیدا نکردیم. پس از گذشت یک ماه پدر و مادرم که در این مدت هر بار اصرار می‌کردند که با خواهرمان تلفنی صحبت کند را به بهانه‌های مختلف مصروف می‌کردیم، خبر دادیم که او بیش از یک ماه است که گم شده است. پدرم به‌محض شنیدن این خبر سکت کرده و دار فانی را وداع گفت. این تنها داستان خواهر من نیست، در همان روزهای نخست گم شدن خواهرم، یک زن همسایه پیر و سالخورده‌ی دیگر داشتیم که هر روز با صدای بلند فقط گریه می‌کرد او که یک روز پیش دروازه حویلی خود نشسته بود و من می‌گذشتم تا چشمان غمناک مرا دید از من پرسید چه خبر است؟ چرا ناراحتی؟ من که از خستگی و بی‌پناهی و از این غم بزرگ خسته بودم گفتم که خواهرم ۴ روز است که گم شده است. پیر زن گریه‌کنان گفت؛ هیس، دختر من را یک هفته می‌شود که برده‌اند. از منطقه‌ی تانک تیل دشت برچی من خودم سه خانواده را می‌شناسم که دختران‌شان در سپتامبر سال ۲۰۲۱ میلادی توسط طالبان برده شده و ظاهراً کشته شدند بدون هیچ جرمی اما خانواده‌های آن‌ها نه از زنده‌بودن آن‌ها اطلاعی دارد نه از مرگ آن‌ها، اما همگی سکوت اختیار کرده‌اند به شمول خودم زیرا هراسی که از طالبان داریم مانع سخن گفتن ما می‌شود و از طرف دیگر نگران این موضوع هستیم که بلند سخن گفتن فقط به بهای ریختن آبرویمان تمام خواهد شد و هیچ راه‌حل اساسی برای این موضوع در نظر گرفته نخواهد شد. امروز وقتی بار دیگر در اخبار شنیدم که دختران زیادی در دشت برچی توسط طالبان دستگیر شده‌اند مرا بر این داشت که تجربه خودم را شریک کنم تا از قربانی شدن دختران دیگر در حد امکان جلوگیری کرده باشم.

شبکه تحلیل‌گران بلاق مصاحبه‌ای با دو تن از دخترانی که در جولای ۲۰۲۵ میلادی توسط طالبان دستگیر شده بودند، داشت که هر یک از آن‌ها داستان خود را چنین بیان کردند:

هرروز که یاد آن روز می‌فتم چشمانم چیزی جز تاریکی نمی‌بیند. گریه می‌کنم و با خود می‌گویم اگر آن روز از سر تکرار شود دیگر بیرون از خانه نمی‌روم. بعد از ظهر بود و من برای خرید سودا به بازار رفته بودم. سودا را خریدم و راهی خانه شدم. همین‌طور راه می‌رفتم که رنجر طالبان را دیدم، دلم لرزید، ترسیدم و یک لحظه همه‌چیز خراب شد. یک از آن مردان ریش‌بلند نزدیک من شد و به من گفت چرا رویت ره نپوشاندی؟ چرا بی محرم از خانه برآمدی؟ تو چطور یک دختر مسلمان هستی که حجاب رعایت نمی‌کنی؟ حرفی برای گفتن نداشتم. چی می‌توانستم بگویم؟ هیچ چیزی. همان‌طور که حدس می‌زد مرا داخل موتر سفیدرنگ

بالا کردند. گریه کردم، گفتم بگذارید پدرم بیاید و بعد مرا ببرید اما هیچ‌کسی گوش نمی‌کرد. در دلم می‌گفتم شاید یکی از این دوکاندارا بگوید که این دختر را نبرید ولی هیچ‌کسی حرف نزد. همه مردم با نگاه‌های پر از حقارت به من نگاه می‌کردند. از همه بیشتر از نگاه‌های آن مردان ترسیده بودم که به سویم نگاه می‌کردند و لبخندی کنج لب‌شان داشتند. آن لحظه از این‌که دخترم متنفر بودم، آرزو می‌کردم ای‌کاش پسر به دنیا می‌آمد و قسمی که دوست داشتم زندگی می‌کردم. دختر واقعاً موجود مظلوم است و حتی نمی‌تواند که آزادانه راه برود. مرا به یک دفتر بردند که انگار دفتر امر به معروف بود، آنجا دختران زیادی بود، همه حجاب اسلامی داشتند. تمام دختران به خانواده‌های‌شان زنگ می‌زدند و گریه می‌کردند. من هم به پدرم زنگ زدم، می‌دانستم که آبروی پدرم رفته از اینکه دخترش را طالبان با خود برده است. ولی چاره جز زنگ زدن به او نداشتم. به او زنگ زدم و گفتم که این اتفاق برای من افتاده است. یکی از آن چین سفیدروی چوکی نشسته بود و ما را نصیحت می‌کرد، می‌گفت که یک زن نباید بدون محرم به بیرون از خانه بیرون برود و هشدار می‌داد که بار دیگر بدون محرم از خانه بیرون نشویم. اسم و اسم پدر ما را می‌پرسیدند و روی کاغذ می‌نوشتند. از پدرم پول برای ضمانت گرفت و در بدلش مرا آزاد کردند. بعد از آن روز دیگر از خانه بیرون نشدم. می‌ترسم از اینکه مبادا مرا دوباره آن گروه دستگیر کنند.^{۵۳}

مریم (اسم مستعار) که شاهد بردن دوستش توسط طالبان است داستان خود را چنین روایت می‌کند:

ساعت دوازده و نیم ظهر بود. من و دوستم هر دو برای رفتن به کورس از خانه بیرون شدیم، از تانک تیل تا قلعه‌نو هر روز باید با ملی بس می‌رفتیم. ما هم یک ملی بس را دست دادیم و بالا شدیم. در پل خشک رسیدیم که موتوروان ملی بس را ایستاد کرد، طبق معمول فکر کردم که شاید راه‌بندان است و یا هم مسافری ملی بس را دست داده است. ولی انگار قسمی که فکر می‌کردم نبود، یک گروه از مردان ریش‌بلند و چین سفید ملی بس را متوقف کرده بود. وقتی آن‌ها را دیدم ترسیدم، یاد حرف مادرم افتادم که مرا می‌گفت از خانه بیرون نرو وگرنه این گروه تو را با خود خواهد برد. یک از آن مردها سرش را داخل ملی بس کرد و با چشمانش همه‌جا را برانداز کرد. به‌سوی من و دوستم نگاه کرد، یک دختر دیگر هم آن‌سوتر نشسته بود. ما را صدا زدند و گفتند هی دختران پایین شوید. من دستانم می‌لرزید و ترس تمام بدنم را فرا گرفته بود. نمی‌خواستم پایین شوم ولی یک زن که انگار با آن مردان یکجا بود داخل ملی بس شد. دست دوستم را گرفت و او را به‌زور پایین کرد، دوستم چیخ می‌زد و می‌گفت لطفاً مرا نبرید، من که کاری نکردم و فریاد پس فریاد. گوش‌هایم سوت می‌کشید و هزاران افکار از ذهنم می‌گذشت. اینکه اگر آن زن به دنبال من هم بیاید و مرا با خود ببرد چی؟ اگر من را زندانی کنند چی؟ اگر همانند حرف‌های که مردم می‌گویند به من اتفاق بیفتد چی؟ این افکار از ذهنم عبور می‌کرد که دیدم دوستم را نمی‌بینم. او را با خود برده بودند، به کجا؟ نمی‌دانم؟^{۵۴}

رفتار طالبان با دختران هزاره در چهارچوب سیاست‌های سرکوب‌گرانه این گروه، نشان از تبعیض دوگانه بر پایه قومیت و جنسیت دارد. زندانی شدن دختران هزاره تنها به دلیل تفاوت عقیده، مذهب، سبک پوشش، یا تلاش برای آموزش، نه تنها نشانه‌ای از محدودیت‌های شدید علیه زنان است، بلکه نشان می‌دهد که هزاره بودن نیز به‌تنهایی دلیلی برای مجازات، تحقیر و بازداشت غیرقانونی تلقی می‌شود. این اقدامات طالبان، بدون طی مراحل قضایی عادلانه و صرفاً به دستور فرماندهان محلی یا نهادهای مذهبی طالبانی انجام می‌شود که اساس حقوقی و مشروعیت ندارد و منجر به گسترش ناامنی روانی و اجتماعی در میان خانواده‌ها شده است.

^{۵۳}. مصاحبه با خاطره (اسم مستعار). ۱۸ ساله از دشت برچی.

^{۵۴}. مصاحبه با مریم (اسم مستعار). ۱۵ ساله از دشت برچی.

بازداشت خودسرانه دختران هزاره، آن‌هم در شرایط غیرانسانی و بدون اطلاع‌رسانی به خانواده‌هایشان، نشان می‌دهد که هدف طالبان تنها کنترل اجتماعی نیست، بلکه ایجاد رعب و شکستن روحیه مقاومت فرهنگی و آموزشی جامعه هزاره به‌ویژه در میان زنان و دختران است. این برخوردها نشانه‌ای روشن از زن‌ستیزی سازمان‌یافته و قوم‌محور طالبان است که با نقض آشکار حقوق بشر، آینده تحصیلی، شغلی و حتی انسانی این دختران را به‌صورت مستقیم تهدید می‌کند و جامعه هزاره را از درون، به‌سوی خاموشی و انزوا سوق می‌دهد.

ب) بحران مهاجرت و اخراج اجباری از کشورهای همسایه

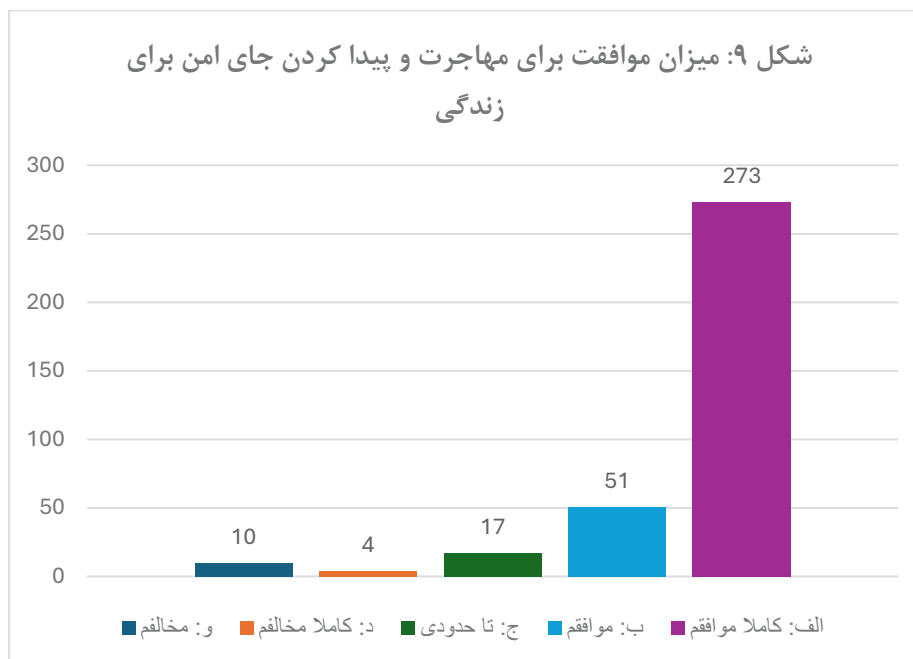
مهاجرت: در سطح جهان، تقریباً ۱۰.۹ میلیون افغانستانی به دلیل درگیری، خشونت و فقر آواره باقی مانده‌اند که تقریباً همه آن‌ها در داخل کشور خود یا در کشورهای همسایه آواره شده‌اند. افغانستان پس از سوریه و اوکراین بیشترین تعداد بیجاشدگان را دارد.^{۵۵} در این میان ایران و پاکستان بیشترین آمار مهاجرین افغانستانی را میزبان‌اند که ایران در حدود ۳.۴۷ میلیون مهاجر افغانستانی و پاکستان در حدود ۱.۷۵ میلیون مهاجر از افغانستان دارد.^{۵۶} مهاجرت و جابجایی یکی از بحران‌های جدی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان به‌صورت بی‌رویه تشدید یافته است. این بحران شامل همه شهروندان افغانستان می‌شود. به‌صورت کلی، ناامنی، خشونت، منازعه، فقر، از بین رفتن حقوق و آزادی‌ها، چالش‌های فامیلی، دسترسی به خدمات اولیه مانند صحت و آموزش، فرهنگ مهاجرت، وقایع طبیعی و عوامل محیطی مهم‌ترین دلایل ترک افغانستان پس از روی کار آمدن طالبان گفته شده است.^{۵۷} در این میان، گروه آسیب‌پذیر به‌ویژه هزاره‌ها، به‌صورت جدی با خطر جانی روبرو بوده و حق حیات و فرار از مرگ، یکی از تأثیرگذارترین دلایل مهاجرت آن‌ها به بیرون از کشور به شمار می‌رود.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، میانگین به دست آمده از موافقت برای مهاجرت و پیدا کردن جای امن برای زندگی ۳.۵ از ۵ است. بر اساس این میانگین بیشتر مصاحبه شونده‌ها در صدد پیدا کردن جای امن برای زندگی هستند. طوریکه در شکل زیر مشاهده می‌کنید، از میان ۳۵۵ مصاحبه شونده ۲۷۳ تن (۷۶.۹۰٪) کاملاً موافق برای مهاجرت و پیدا کردن جای امن برای زندگی، ۵۱ تن (۱۴.۴۰٪) موافق، ۱۷ تن (۴.۸٪) تاحدودی، ۴ تن (۱.۱٪) کاملاً مخالف و ۱۰ تن (۲.۸٪) مخالف هستند.

^{۵۵} UNHCR. (۲۰۲۴). Afghanistan Refugee Crisis Explained. <https://www.unrefugees.org/news/afghanistan-refugee-crisis-explained/#Challenges> Seen on July ۲۲, ۲۰۲۵.

^{۵۶} UNHCR. (March ۲۰۲۵). <https://data.unhcr.org/en/situations/afghanistan> Seen on July ۲۸, ۲۰۲۵.

^{۵۷} MMC (۲۰۲۴). [Afghans in Pakistan: drivers, risks and access to assistance | Mixed Migration Centre](#)



هزاره‌ها در یک سال گذشته تنها با بحران مهاجرت به کشورهای همسایه روبرو نبوده‌اند بلکه این مردم موج بزرگ از جابجایی داخلی در کشور را نیز شاهد بوده‌اند. هزاره‌ها اولین موج جابجایی داخلی را در زمان عبدالرحمان خان تجربه کردند. او با غصب املاک هزاره‌ها، افزایش مالیات و تهدید آن‌ها، آن‌ها را مجبور به ترک سرزمین پدری‌شان کردند.^{۵۸} آنچه اکنون در بسیاری از مناطق هزاره‌نشین اتفاق می‌افتد، تکرار رویه‌ای عبدالرحمان خان است. طالبان به محض به قدرت رسیدن، همانند عبدالرحمان خان، جمع‌آوری مالیات هنگفت از حاصلات زمین‌ها و مواشی دهاقین را آغاز کردند. این روند که در یک سال گذشته، در کنار بحران کمبود آب و در نتیجه کمبود حاصلات زراعتی دهاقین هزاره، باعث گردیده است تا هزاره‌ها مجبور به رهاکردن یا فروش زمین و مواشی‌شان شوند. یکی از پاسخ‌دهندگان که تمام مواشی‌اش را به فروش رسانده و از ولسوالی ورس ولایت بامیان، به مرکز این ولایت کوچ کرده است، در پاسخ به چرایی مهاجرت‌اش چنین توضیح می‌دهد:

من سالانه ۴۰ تا ۵۰ [رأس] گوسفند داشتم و بخش از هزینه‌ای زندگی خانواده خود را از طریق لبنیات این‌ها و فروش سالانه [این] گوسفندان تأمین می‌کردم. با آمدن طالبان، سالانه مأمورین حکومتی طالبان، یکی از گوسفندان را عشر می‌گرفت. قیمت یک گوسفند در حال حاضر بین ۱۸ تا ۲۰ هزار افغانی است. برای یک خانواده کوچک مثل من، فروش یک گوسفند تنها عاید سالانه ما از نگهداری آن است. وقتی آن‌ها هر سال می‌آمدند و از من عشر گرفتند من مجبور شدم تمام آن‌ها [را] بفروشم و به مرکز بامیان مهاجرت کنم...^{۵۹}

تنها این نیست. هزاره‌های مرکز بامیان که اکثراً مصروف کشت کچالو هستند و از این طریق امرارمعاش می‌کنند، در گفتگو با ما تأیید کردند که مأموران طالبان در فصل برداشت محصولات آن‌ها، روند برداشت را همه‌ساله رصد می‌کنند و پس‌ازاینکه محصولات کاملاً

^{۵۸} سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان؛ قوم، مذهب و حکومت، چاپ اول، قم: بوستان کتاب قم.

^{۵۹} مرد هزاره، ۴۷ ساله، مرکز بامیان

جمع‌آوری و آماده فروش گردید، یک‌دهم آن را به‌عنوان عَشْر به‌اجبار از نزد آن‌ها جمع‌آوری می‌کنند. یک هزاره که به‌تازگی از ایران برگشته است در مورد دلیل مهاجرت به ایران چنین توضیح می‌دهد:

من، پدرم و برادرم هر سه در قریه تَی‌بوتی مرکز بامیان زندگی می‌کنیم. منبع درآمد که دهقانی است. ما مصروف کشت کچالو هستیم. در ۲ سال گذشته، در فصل برداشت کچالو، مأموران طالبان می‌آمدند و از هر ۱۰ بوری کچالو، یک بوری به‌عنوان سهم شان برمی‌داشتند. در کنار اینکه قیمت کود [کمیای] با آمدن طالبان بسیار افزایش یافت. ما به‌سختی از این طریق تأمین معیشت می‌کردیم. آن مقداری که طالبان از ما عَشْر می‌گرفت بیشتر از سودی بود که برای ما داشت. به همین دلیل ما زمین‌ها و خانه‌ای خود را فروختیم و در سال ۲۰۲۳ میلادی به ایران پناه بردیم.^{۶۰}

این مرد هزاره به دلیل افزایش مالیات از سوی طالبان، مجبور گردیده بود تا تمام اموالش را بفروشد و به ایران پناه گزیند. او به‌صورت قانونی با تمام اعضای خانواده‌اش با ویزای سه‌ماهه به ایران رفته بود. مأموران دو بار اقامت او را به سه ماه تمدید کردند و بعدازآن او را به‌اجبار به افغانستان اخراج کردند. این مرد اضافه می‌کند که اکنون دوباره به بامیان برگشته است؛ اما نمی‌داند که چطور با وضعیت پیش‌آمده کنار بیاید. نظیر این روایت، ده‌ها هزاره‌ای دیگر را نیز می‌توان مثال زد که به دلایل مشخص مجبور به مهاجرت داخلی و خارجی شده‌اند.

در ادامه، ما از مشکلات آن عده اشتراک‌کنندگان که تجربه مهاجرت را در یک سال گذشته داشتند پرسیدیم. آن‌ها مشکلاتی از قبیل توهین، تحقیر، فقدان کمک، نداشتن سرپناه، تبعیض در توزیع کمک‌ها، گرسنگی، فشارهای شدید روانی، برخورد نادرست در مرز ایران و افغانستان به دلیل هزاره بودن، ترس از برگشت، ترس از طالبان، ترس از دستگیری و کشته شدن، ممانعت از تعلیم و تحصیل را برشمردند.

اخراج اجباری از ایران: دولت ایران طرح ساماندهی/بازگشت دو میلیون مهاجر افغانستانی را سال گذشته صادر کرد. بر اساس این طرح مهاجرین افغانستانی بدون سند که در ایران هستند باید الی تاریخ ۶ جولای ۲۰۲۵ میلادی ایران را ترک یا در غیر این صورت با اخراج اجباری مواجه می‌شوند. آمار و ارقام نشان می‌دهد که ایران الی جولای ۲۰۲۵ میلادی به تعداد ۱,۶۸۴,۵۰۰ مهاجر افغانستانی را اخراج (به شکل اجباری) کرده است.^{۶۱} هرچند طرح دولت ایران برای بازگشت دادن مهاجرین بدون سند است، اما تحقیقات ما نشان می‌دهد که عملکرد دولت ایران شامل حال مهاجرین با سند نیز می‌گردد.

هزاره‌ها به دلیل زبان و مذهب مشترک بیشترین مهاجرین در کشور ایران را تشکیل می‌دهند که سال‌های سال در این کشور زندگی کرده و در آبادانی آن سهم داشته‌اند. این مهاجرین در ایران مورد خشونت، ظلم و تحقیر پولیس و مردم ایران قرار گرفته‌اند. در مصاحبه‌ای که با یکی از این مهاجرین هزاره در ایران داشتیم در مورد بازداشت توسط پولیس ایران و چگونگی رهایی از نزد آن‌ها و رویه پولیس این‌گونه توضیح می‌دهد:

^{۶۰} مرد هزاره، ۳۷ ساله، مرکز بامیان

^{۶۱} <https://data.unhcr.org/en/situations/afghanistan> & Elian PeltierFarnaz Fassihi and Yaqoob Akbary, ۱۶ July ۲۰۲۵, The New York Times: [As Iran Deports a Million Afghans, 'Where Do We Even Go?' - The New York Times](#)

پسر من بآنکه کارت اقامت ایران را داشت توسط پولیس ایران بازداشت شد. من برای رهایی او به اردوگاه رفتم. مدارک پسر همراهش بود؛ اما او را دستگیر کردند. از آن‌ها خواستم پسر را رها کنند. ما ۲۷ سال است که ایران زندگی می‌کنیم. آن‌ها به من گفتند پسر را در بدل ۶ میلیون تومان آزاد می‌کنند. من مجبور شدم به آن‌ها این پول را پرداخت کنم. این کار غیرقانونی و غیراخلاقی است.^{۶۲}

بعد از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل، موج شدید اخراج شهروندان افغانستان از ایران را شاهد هستیم. در ایران، افزون بر اخراج شهروندان که مدارک اقامتی ندارند و ویزای آن‌ها تمدید نشده است، افراد با اقامت قانونی نیز در اردوگاه‌ها بازداشت و شکنجه می‌شوند.^{۶۳} برخی از مصاحبه‌شوندگان انگیزه بازداشت بسیاری از کسانی که با وجود مدارک اقامتی بازداشت می‌شوند را اخاذی پولیس از آن‌ها می‌دانند.

من بسیاری از کسانی که با وجود مدارک اقامتی بازداشت شده‌اند را می‌شناسم. همه آن‌ها پس از پرداخت رشوه به مأموران ایرانی از بازداشت رها شده‌اند. اصلاً ما را به خاطر پول گرفتن دستگیر می‌کنند و اردوگاه می‌برند. وقتی ۶ یا ۷ میلیون تومان پرداخت کردیم، آزاد می‌کنند.^{۶۴}

بر اساس یافته‌های این تحقیق طوری که در جدول زیر مشاهده می‌کنید، ۱۰۷ تن (۳۰.۱۰٪) از ایران و ۷۷ تن (۲۱.۷۰٪) دیگر از پاکستان اخراج شده‌اند. ۱۷۱ تن (۴۸.۲۰٪) دیگر این تجربه را نداشته‌اند.

جدول (۲): اخراج اجباری از ایران و پاکستان

کشور	تعداد (Frequency)	درصد (Percentage)
ایران	۱۰۷	۳۰.۱۰٪
پاکستان	۷۷	۲۱.۷٪
هیچ کدام	۱۷۱	۴۸.۲۰٪
مجموعه	۳۵۵	۱۰۰٪

^{۶۲}. مصاحبه با یک مرد هزاره، ۷۰ ساله، قرچک-تهران، ایران.

^{۶۳}. Elia Peltier Farnaz Fassihi and Yaqoob Akbary, ۱۶ July ۲۰۲۵, The New York Times: [As Iran Deports a Million Afghans, 'Where Do We Even Go?' - The New York Times](#)

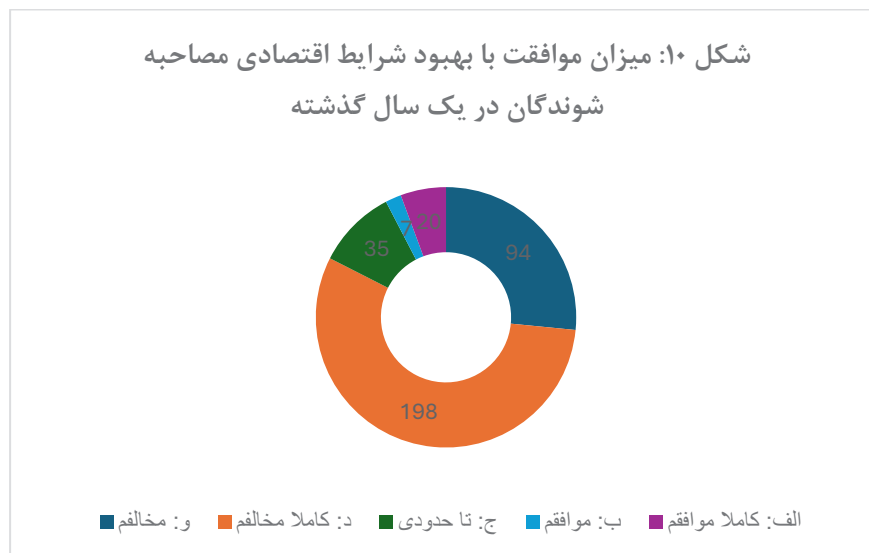
^{۶۴}. مصاحبه با مرد هزاره، ۶۳ ساله، ورامین، تهران، ایران

فصل سوم: وضعیت اقتصادی

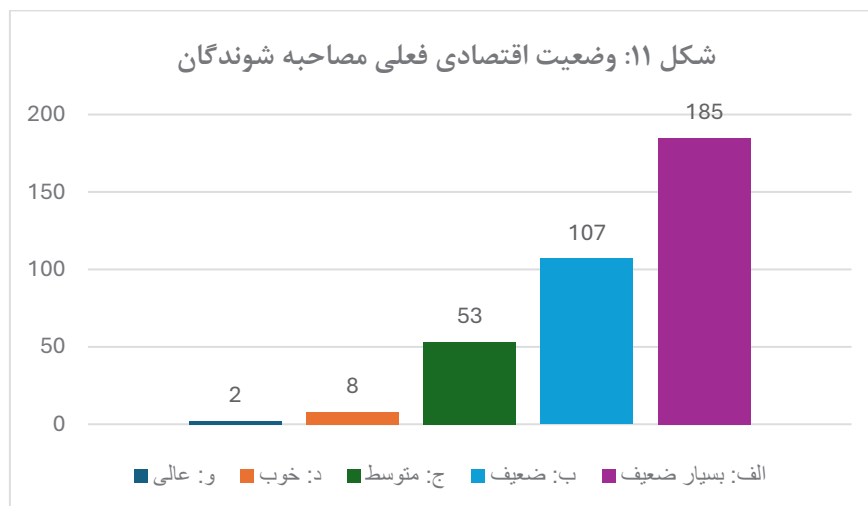
الف) بحران معیشتی هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان

با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، جامعه هزاره با فقر گسترده‌تری نسبت به گذشته روبه‌رو شده است. سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان که عمده‌اً هزاره‌ها را از فرصت‌های شغلی، کمک‌های بشردوستانه و فعالیت‌های اقتصادی حذف کرده‌اند، باعث شده است بسیاری از خانواده‌های هزاره با بحران شدید معیشتی دست‌وپنجه نرم کنند. از سوی دیگر، قطع همکاری‌های بین‌المللی، توقف پروژه‌های انکشافی و فقدان برنامه‌های حمایتی، وضعیت اقتصادی این قوم را وخیم‌تر کرده و آن‌ها را در شرایطی از محرومیت سیستماتیک قرار داده است.

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلایق هزاره‌ها با مشکلات اقتصادی شدیدی تحت حاکمیت طالبان روبه‌رو هستند. شبکه تحلیل‌گران بلایق با طرح پرسشی از مصاحبه‌شوندگان میزان موافقت آن‌ها را مبنی بر بهبود شرایط اقتصادی‌شان در یک سال گذشته مطرح کرد که میانگین به‌دست‌آمده ۱.۷ از ۵ است. بر اساس این میانگین شرایط اقتصادی هزاره‌ها در یک سال گذشته بهبود نیافته است. از میان ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، ۱۹۸ تن (۵۵.۸٪) کاملاً مخالف این موضوع، ۹۴ تن (۲۶.۵٪) مخالف، ۳۵ تن (۹.۹۰٪) تا حدودی، ۷ تن (۲٪) موافق و ۲۰ تن (۵.۶٪) کاملاً موافق هستند.



که در ادامه پاسخ به پرسش‌ها، مصاحبه‌شوندگان وضعیت اقتصادی‌شان را بسیار ضعیف توصیف کرده‌اند؛ زیرا میانگین به‌دست‌آمده از تعریف وضعیت اقتصادی آن‌ها ۱.۷ از ۵ است. بر اساس این میانگین وضعیت اقتصادی بیشتر این خانواده‌ها بسیار ضعیف است. چنانچه در شکل زیر مشاهده می‌کنید، از میان ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، وضعیت اقتصادی ۱۸۵ تن (۵۲.۱٪) بسیار ضعیف، ۱۰۷ تن (۳۰.۱٪) ضعیف، ۵۳ تن (۱۴.۹٪) متوسط، ۸ تن (۲.۳٪) خوب و فقط دو تن (۰.۶٪) عالی است.



جدول (۳): منبع اصلی درآمد خانواده‌های هزاره مبنی بر پاسخ ارائه شده از ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، قرار ذیل است:

منبع درآمد	تعداد (Frequency)	درصد (Percentage)
الف: کارمند دولتی	۲۳	۶.۵٪
ب: کارمند مؤسسات خارجی	۱۰	۲.۸٪
ج: شغل آزاد	۲۱۹	۶۱.۷٪
د: بیکار	۱۰۳	۲۹٪
مجموع	۳۵۵	۱۰۰

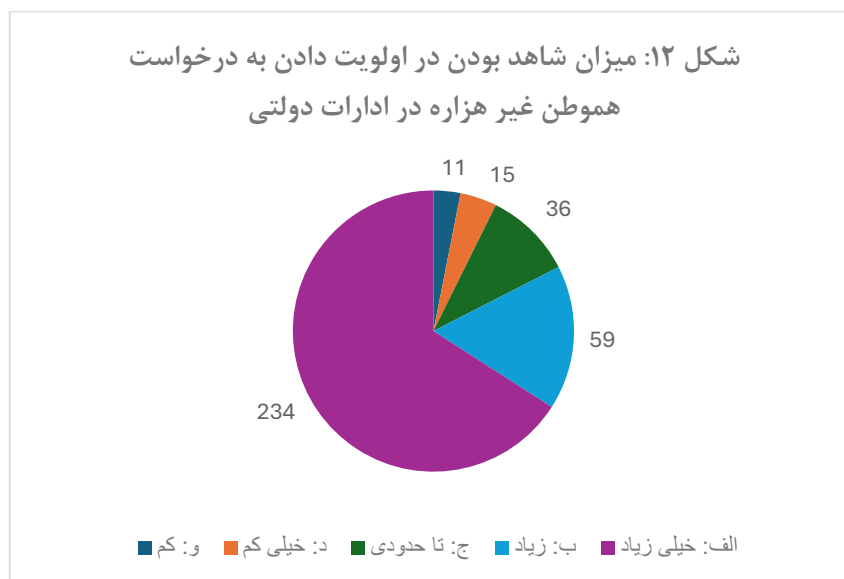
جدول (۴): اوسط درآمد ماهانه خانواده‌های هزاره‌ها بر اساس پاسخ ارائه شده توسط ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، به شرح زیر است:

منبع درآمد	تعداد (Frequency)	درصد (Percentage)
الف: کمتر از ۵۰۰۰ افغانی	۱۵۷ تن	۴۴.۲٪
ب: ۵ هزار تا ۱۰ هزار افغانی	۹۴ تن	۲۶.۵٪
ج: ۱۰ هزار تا ۲۰ هزار افغانی	۳۴ تن	۹.۶٪
د: بیشتر از ۲۰ هزار افغانی	۱۵ تن	۴.۲٪
و: ترجیح می‌دهم پاسخ ندهم	۵۴ تن	۱۵.۲٪
مجموعه	۳۵۵ تن	۱۰۰٪

ب) تبعیض قومی و محرومیت اقتصادی

تبعیض قومی طالبان علیه هزاره‌ها یکی از آشکارترین جلوه‌های سرکوب سیستماتیک در افغانستان تحت حاکمیت این گروه است. طالبان که در ساختار سیاسی، نظامی و اداری خود بر پایه برتری قومی پشتون‌ها عمل می‌کنند، هزاره‌ها را به دلیل تعلق مذهبی، نژادی و تاریخی‌شان به حاشیه رانده‌اند. از حذف از مناصب دولتی و محدودسازی دسترسی به خدمات آموزشی و صحتی گرفته تا

حملات هدفمند، بازداشت‌های خودسرانه و کوچ اجباری، همگی نشان از یک سیاست آگاهانه و برنامه‌ریزی شده برای به حاشیه راندن این قوم دارد. این تبعیض ساختاری نه تنها هویت جمعی هزاره‌ها را تهدید می‌کند، بلکه وحدت و همزیستی ملی را نیز به مخاطره می‌اندازد. هزاره‌ها این تبعیض را در هر لحظه زندگی‌شان تحت سایه رژیم طالبان تجربه می‌کنند. هزاره‌ها در دسترسی به خدمات به دلیل قومیت‌شان مورد تبعیض قرار می‌گیرند. مصاحبه‌شوندگان به پرسش ما در رابطه به اینکه چه میزان در اولویت دادن به درخواست هموطن غیر هزاره در ادارات دولتی توسط طالبان شاهد بوده‌اند پاسخ داده‌اند. میانگین به دست آمده ۴.۳ از ۵ است که بیشترین میزان شاهد بودن در این زمینه را نشان می‌دهد. طوری که در شکل زیر مشاهده می‌کنید، از میان ۳۵۵ مصاحبه‌شونده ۲۳۴ تن (۶۵.۹٪) خیلی زیاد شاهد این موضوع بوده‌اند، ۵۹ تن (۱۶.۶٪) زیاد، ۳۶ تن (۱۰.۱٪) تا حدودی، ۱۵ تن (۴.۲٪) خیل کم و ۱۱ تن (۳.۱٪) کم شاهد این موضوع بوده‌اند.



از خصوصیت قدرت و سیاست سرکشی است که از دل این سرکشی، انحصار و قبضه نمودن همه منابع قدرت، اقتصاد و سیاست در یک کشور بیرون می‌آید؛ سرکشی موجود در ذات قدرت با دو پدیده قابلیت مهار شدن را دارد یکی قانون و دیگری اخلاق؛ در شرایط فعلی افغانستان که حاکمان آن نه پابند قوانین بین‌المللی بوده و نه ضوابط اخلاقی را مراعات می‌نمایند، این خصوصیت با شدت هر چه بیشتر تبارز کرده که نمونه‌هایش از تاریخ این گروه و رفتار فعلی‌شان به عنوان قدرتمندان این کشور کاملاً هویداست.

با توجه به این خصیصه قدرت و وضعیت کشور، روزبه‌روز زیربناهای اقتصادی در انحصار طالبان و یا افراد نزدیک به طالبان قرار گرفته و مردم عادی شرایط دشواری را سپری می‌نمایند؛ از طرف دیگر پول موجود داخل کشور هم در رکود بوده و به دلایل متفاوت از جمله مالیات‌های گزاف و اضافی از چرخش و دوران باز داشته شده که زمینه کار را برای افراد عادی در بازار آزاد خیلی محدود کرده و تداوم این رفتار مشکلات اقتصادی را برای مردم مضاعف نموده است.

هزاره‌ها نه تنها که از این امر مستثنا نیستند بلکه به دلیل رفتار تبعیض‌آمیز حاکمیت با هزاره‌ها، بار این مشکلات را چندین برابر سنگین‌تر بر دوش می‌کشند^{۶۵} که گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای وضعیت حقوق بشر در افغانستان در کمیته سوم مجمع سازمان ملل به تاریخ ۱ نوامبر ۲۰۲۴ میلادی موضوع تبعیض و به حاشیه راندن هزاره‌ها از جنبه‌های مختلف زندگی توسط طالبان را به وضاحت بیان می‌کرد.^{۶۶}

البته برخورد تبعیض‌آمیز و گاه توهین بار با هزاره‌ها پدیده‌ی جدید نیست بلکه هزاره‌ها سال‌های متمادی است با تبعیض قومی روبه‌رو بوده که این تبعیض به دلیل نژادی و مذهبی روی هزاره‌ها اعمال گردیده است که به‌عنوان نمونه می‌توان از نسل‌کشی مداوم و بلانقطاع هزاره‌ها از دوران عبدالرحمان تا فعلاً، توقف پروژه سرک گردن دیوار در دوران حکومت‌های مختلف سیاسی و یا تغییر مسیر برق ۵۰۰ کیلو ولت موسوم به توتاپ در دوران جمهورییت یادآوری کرد؛ ولی با روی کار آمدن مجدد طالبان وضعیت هزاره‌ها روزبه‌روز بدتر و شرایط زندگی برایشان دشوارتر گردیده است. در این قسمت از گزارش تحقیقی برخورد تبعیض‌آمیز گروه طالبان را با هزاره‌ها در محوریت اقتصادی بررسی می‌کنیم که به‌صورت گزینه‌وار ذیلاً شرح می‌گردد.

زراعت و مالداري: اساس و بنیه‌ی اقتصاد هزاره‌ها را زراعت و مالداري تشکیل می‌دهد که این زیربنای اقتصادی بعد از آمدن طالبان به دو دلیل خیلی آسیب دیده و دچار بحران گردیده است؛ اولاً آب هزاره‌جات کاملاً فصلی بوده که در بهار و اوایل تابستان آب فراوان است ولی در اواخر تابستان و خزان دچار کمبود مفرط آب می‌شوند؛ نبود بندهای آب گردان معیاری و در کنار آن خشک‌سالی‌های اخیر، در زراعت و مالداري هزاره که اساس اقتصادشان می‌باشد، خسارات جبران‌ناپذیر وارد کرده است. دوماً با قدرت گرفتن طالبان اکثر کوچی‌ها در فصل بهار وارد هزاره‌جات شده کشت و زراعت مردم را از بین برده و مردم را آزار و اذیت نموده کشت‌وکار مردم را خراب می‌کنند، علف‌ها یا چراگاه‌های مردم را به گاو و گوسفندهای شان می‌دهند؛ و در برخی جاها مثل ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک و ولسوالی ناوور ولایت غزنی اموال منقول را از خانه‌ها تاراج نموده و اموال غیرمنقول و خانه‌هایشان را تا حد ممکن نابود کردند که در صورت ممانعت مردم محل با مردم درگیر شده و به لٔ و کوب مردم پرداختند^{۶۷}؛ همچنان علوفه‌یی را که مردم برای خوراکه

^{۶۵} هشت صبح. (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴). واگذاری ملکیت بومی‌ها به کوچی‌ها؛ فیصله‌های طالبان بر اساس تبعیض قومی و زبانی است:

<https://am.media/fa/transfer-of-ownership-from-bumiha-to-kochiha-the-talibans-decisions-are-based-on-ethnic-and-linguistic-discrimination/>. بازدید ۲۱ جولای ۲۰۲۵

^{۶۶} UN Web TV. (۱ November ۲۰۲۴). Third Committee, ۳۸th plenary meeting - General Assembly, ۷۹th session.

<https://webtv.un.org/en/asset/k19/k19trip01r>. Seen July ۲۵, ۲۰۲۵

و همچنان.

اطلاعات روز. (۲ نوامبر ۲۰۲۴). ریچارد بنت: هزاره‌ها با خشونت از سوی داعش و تبعیض از سوی طالبان مواجه است.

<https://www.etilaatroz.com/%d8%b1%db%8c%da%86%da%a7%da%b1%da%af%da%a8%da%86%da%aa-%d9%87%da%b2%da%a7%da%b1%da%87-%d9%87%da%a7-%da%a8%da%a7-%da%ae%da%b4%da%88%da%86%da%aa/> بازدید ۲۱ جولای ۲۰۲۵

جولای ۲۰۲۵

^{۶۷} جاده ابریشم. (۲۶ می ۲۰۲۵). کوچی‌ها هشت باشنده‌ی محل را در بهسود زخمی کردند. <https://jade-abresham.com/reports/15399/> بازدید

۲۷ جولای ۲۰۲۵

و همچنان. هشت صبح. (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴). واگذاری ملکیت بومی‌ها به کوچی‌ها؛ فیصله‌های طالبان بر اساس تبعیض قومی و زبانی است:

<https://am.media/fa/transfer-of-ownership-from-bumiha-to-kochiha-the-talibans-decisions-are-based-on-ethnic-and-linguistic-discrimination/> بازدید ۲۱ جولای ۲۰۲۵

مواشی‌شان در فصل سرما ذخیره می‌کنند را نابود کرده و در خزان منطقه را ترک می‌نمایند. مثلاً در دراز قول پنجاب زمانی که کوچی‌ها وارد منطقه شدند، در تلاش تخریب زراعت و آذوقه زمستانی حیوانات مردم بودند که بعد از درگیری با مردم محل و مجبور شدن‌شان به ترک ساحه، در راه بازگشت علوفه جمع‌آوری شده مردم را خوراک رمه‌هایشان کردند و چیزی را که رمه توانایی خوردن نداشته و باقی‌مانده بودند خودشان نرم نموده با خاک یکسان کردند تا دیگر قابل جمع‌آوری نباشد - در دراز قول شاید خانواده‌یی نباشد که حداقل هفتاد پستاره علف‌شان از بین نرفته باشد^{۶۸} - در کنار پایمال نمودن و رمه چراندن، آب زراعت را قطع کردند تا که کشت و زراعت مردم از بی آبی خشک‌شده و از بین برود که نمونه آن ساحه مهر ولسوالی پنجاب ولایت بامیان می‌باشد و در عنوان «قلدری و باج‌گیری طالبان از مناطق هزاره نشین» یادآوری گردیده است همچنان بنا به نوشته جاده ابریشم: «یک باشنده‌ی ولسوالی میرامور دایکندی، می‌گوید که کوچی‌ها افزون بر ویران کردن کشت‌زارها و علف‌چرهای مردم، از آن‌ها اخاذی نیز می‌کنند. به گفته‌ی این باشنده‌ی دایکندی، بعضی از زنان کوچی از باشندگان محل، آرد، گندم و بادام جمع می‌کنند. اگر به خواست آن‌ها توجهی نشود، مردم را دشنام داده و اذیت می‌کنند. زنان و بچه‌های کوچی به مردم روستاها می‌گویند که حالا دوران هزاره‌ها به آخر رسیده و اگر چیزی را که می‌خواهیم به ما ندهید، طالبان را سر تان می‌آوریم.»^{۶۹}

عُشر: اضافه‌مالیات دیگر که روی دوش دهاقین و کشاورزان از طرف طالبان با روپوش دینی و مذهبی گذاشته شده عُشر نام دارد که از هر ده قسمت یک قسمت عواید را می‌گوید؛ بعد از پایمال و نابود کردن کشت و زراعت توسط کوچی‌ها در مرحله دوم نوبت این اضافه‌مالیات طالبان می‌رسد که اگر چیزی قابل برداشت از زمین باقی‌مانده باشد یا نباشد باید یک بخش را به عنوان سهمیه طالبان جدا نموده و برایشان تحویل دهد، در حقیقت جمع‌آوری عُشر یکی از ابزارهای اصلی فشار، ستم و سرکوب هزاره‌ها توسط طالبان است که بر اساس تحقیق جاده ابریشم از کشاورزان لعل و سرچنگل کشاورزی می‌گوید: «از همه چیز عشر می‌گیرند؛ مثلاً از کچالو، گندم و علوفه‌ی حیوانات، به صورت جدی و بدون تخفیف عشر می‌گیرند.» به گفته‌ی این کشاورز، طالبان، از ۴۰ گوسفند، یک گوسفند یا پنج هزار افغانی پول نقد می‌گیرند. یک کشاورز دیگر در سرچنگل، می‌گوید که طالبان، از ۱۰۰ سیر گندم، ۵۰۰۰ افغانی و از ۲۰ غونج علف، شش هزار افغانی می‌گیرند.^{۷۰} و گاه هم قبل از برداشت محصول و بر پایه اطلاعات نادرست استخباراتی بر اساس «تخم‌ریز» زمین کشاورزی، از کشاورزان عُشر می‌گیرند. یک کشاورز در ولسوالی لعل و سرچنگل که در زمین‌هایش کچالو کاشته، می‌گوید: «یک روز افراد طالبان به خانه‌ام آمده، عشر کچالو طلب کردند. من گفتم که من هنوز حاصل کچالوی خود را برداشت نکرده‌ام. طالبان گفتند که ما شنیدیم که تو ۱۰۰ سیر تخم زیر خاک کردی، حاصل کچالوی تو ۱۰۰۰ سیر می‌شود و ۵۰۰۰ افغانی باید عشر بدهی.»^{۷۱}

و همچنان. اطلاعات روز. (۱۳ می ۲۰۲۵). کوچی‌ها در ناور غزنی شماری از باشندگان محل را «لت و کوب» کرده‌اند.

<https://www.etilaatroz.com/۲۳۰۴۸۴/sources-nomads-have-beaten-up-a-number-of-local-residents-in-na-ver-ghazni>

بازدید ۲۶ جولای ۲۰۲۵

^{۶۸} مصاحبه با مردم محل و متضررین.

^{۶۹} جاده ابریشم. (۱۷ اکتبر ۲۰۲۴). مکیدن خون مردم؛ گزارشی از آزار و اذیت هزاره‌ها توسط طالبان: <https://jade->

abresham.com/slideshow/۱۴۲۶۰ بازدید ۲۸ جولای ۲۰۲۵

^{۷۰} جاده ابریشم. (۱۷ اکتبر ۲۰۲۴). مکیدن خون مردم؛ گزارشی از آزار و اذیت هزاره‌ها توسط طالبان: <https://jade->

abresham.com/slideshow/۱۴۲۶۰ بازدید ۲۸ جولای ۲۰۲۵

^{۷۱} جاده ابریشم. (۱۷ اکتبر ۲۰۲۴). مکیدن خون مردم؛ گزارشی از آزار و اذیت هزاره‌ها توسط طالبان: <https://jade->

abresham.com/slideshow/۱۴۲۶۰ بازدید ۲۸ جولای ۲۰۲۵

فرقی ندارد که از تخریب و پایمال کوچی‌ها در امان مانده باشد و به همان میزان حاصل داده باشد و یا هم برعکس کوچی‌ها از بین برده باشد، باید برای مأموران جمع‌آوری عُشر همان مبلغ را پرداخت کند؛ از طرف دیگر این اضافه‌مالیات (عُشر) هیچ‌گونه معیار مشخص ندارد و فقط هیئت جمع‌آوری عُشر که متشکل از چند سرباز و کارمند می‌باشد هر چه دل‌شان بخواهد از مردم می‌گیرند؛ فی‌المثل بر اساس همین تحقیق جاده ابریشم از هزار سیر کچالو پنج هزار افغانی خواستار شده است و در جای دیگر از همین ولسوالی که در قسمت «قلدری و باج‌گیری طالبان از مناطق هزاره نشین» هم یادآوری گردید از یک کشاورز عُشر شش صد سیر کچالو را شش هزار افغانی و از کشاورز دیگر عُشر همان اندازه کچالو را شانزده هزار افغانی اخذ کرده است.^{۷۲} همچنان از کمک‌های WFP هم عُشر گرفته است که یک باشنده‌ی لعل به جاده ابریشم گفته است: «چند روز قبل خودم شاهد بودم، از قریه‌ی اسدآباد، از هر حویلی ۳۰۰ افغانی جمع کردند. به بهانه‌ی این‌که شما از WFP کمک دریافت می‌کنید.»^{۷۳}

۷۲ مصاحبه با مردم ولسوالی لعل و سر جنگل

۲۰۲۵ جولای ۲۸ بازدید [/abresham.com/slideshow/۱۴۲۶۰](http://abresham.com/slideshow/۱۴۲۶۰)

<https://www.etilaaatroz.com/ΥΥΥ609/%d^%ad%d^%b.%d9%1-%0%d^%03%00%10%01%03%01%00%09%18%01%07%01%00%00%10%00%09-%0d9%17%da%b2%da%a7%da%b1%d9%17%d9%17%da%a7-%da%a7%da%b2>

^{۷۵} اطلاعات روز. (۱۷ می ۲۰۲۵). دانشگاه بامیان؛ حذف استادان هزاره و مهندسی قومی. <https://www.etilaatroz.com/۲۳۰۸۲۲/elimination->

٢٠٢٥، ٢٥ جولاءِ of-hazara-professors-and-ethnic-engineering/

^{۷۶} مصاحبه با استادان دانشگاه بامیان و همچنان؛ جاده ابریشم. (۲۶ می ۲۰۲۵). هزاره‌ها و سنگ‌های سر راه؛ گزارش تحقیقی از پروسه‌ی جذب کادر علمی

دانشگاه‌های افغانستان: (۲). <https://jade-abresham.com/reports/۱۵۳۹۴>؛ دید ۲۶ جولای، ۲۰۲۵

^{۷۷} مصاحبه با یکی از اساتید دانشگاه بامیان.

همین‌گونه گروه طالبان استادان هزاره تبار را از اکادمی ملی نظامی در دو مرحله که مرحله اول، تحت نام پروسه‌ی تنقیص، به تاریخ ۳ جولای ۲۰۲۵ میلادی، ۱۰ نفر و در مرحله دوم به تاریخ ۲۲ جولای سال ۲۰۲۵ میلادی، ۶ نفر را برکنار کرده است.^{۷۸} شبکه تحلیل‌گران بلاق در مصاحبه‌ای که با دو تن از کارمندان سابق اکادمی ملی نظامی داشت، داستان اخراج‌شان را این‌گونه تعریف می‌کنند:

من سال‌های سال در این اداره کار می‌کردم. طالبان پس از گرفتن قدرت شروع به پرسیدن سوالات پی‌درپی در رابطه به اینکه کجا زندگی می‌کنیم و چند نفر در خانواده ما هستند، کردند. آن‌ها پس از گرفتن آدرس خانه ما، آمدند از نزدیک و چک کردند که آیا ما واقعاً در اینجا زندگی می‌کنیم یا خیر. ۱۶ نفر از قوم هزاره و شیعه در اکادمی ملی نظامی شاغل بودیم که طالبان یک و نیم ماه قبل در حدود شش تن را تنقیص کردند. ده نفر دیگری که باقی مانده بودیم را تحت نام تخلیه اخراج کردند. طالبان یک روز در ختم رسمیات همه‌ی ما را در اداره خواستند و به ما گفتند کارت‌های خود را به ما بدهید و به خانه‌هایتان بروید. ما هم بدون هیچ سخنی کارت‌های خود را دادیم و خارج شدیم. هیچ هزاره و شیعه‌ای در اکادمی ملی نظامی نیست حتی یک مرد باغبان از قوم هزاره در آنجا سال‌ها کار می‌کرد، طالبان او را نیز اخراج کردند. حالا برای ما پیشبرد زندگی خیلی سخت است. در این روزها پس از اخراج‌مان، طالبان ما را تحت تعقیب دارند و من هر روز دو یا سه نفر آن‌ها را در اطراف خانه‌مان می‌بینم. تهدیدات بسیار جدی است. من بسیار نگران خود و فامیلم هستم.^{۷۹}

یکی دیگر از این استادان در مصاحبه با ما چنین گفتند:

آوازه‌هایی مبنی بر اخراج ما وجود داشت اما نه به این زودی؛ اما جالب این است که فقط بست‌های هزاره‌ها در اکادمی ملی نظامی در دو مرحله تنقیص گردید. روزی که به من گفتند که بست‌ام تنقیص شده است من چون حمایتی نداشتم و ندارم و قدرت به دست طالبان است حرفی نگفتم و دفتر را ترک کردم. من سال‌ها در این اداره کار می‌کردم. پس از اخراج من، زندگی و امرار معاش برای خانواده‌ام دشوار شده است. من از هراسی که از این گروه دارم با هیچ‌کسی سخن گفته نمی‌توانم. من حالا به حیث یک کارگر روزمزد کار می‌کنم تا احتیاجات خانواده‌ام را تأمین کنم.^{۸۰}

همین رفتار را با دیگر ادارات نیز داشتند که با نام‌های مختلف از جمله تنقیص، تصفیه صفوف و امر به معروف، هزاره‌ها را تحت عنوان‌های افراد ناشایست، افراد غیر مطلوب و منفور است از وظیفه‌های‌شان برکنار کرده‌اند؛ مثلاً در دو ماه گذشته ۲۳ هزاره را از پرسونل اداری قوماندانی بامیان با همین عناوین حذف و به‌جای‌شان افرادی را از دیگر گروه‌های قومی مقرر کردند.^{۸۱}

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق میانگین برکناری از کار به دلیل هزاره بودن ۴.۳ از ۵ است. بر اساس این میانگین اکثریت هزاره‌ها به دلیل هزاره بودن از کار اخراج شده‌اند. طوری که در شکل زیر مشاهده می‌کنید، از میان ۳۵۵ مصاحبه‌شونده، ۲۱۶ تن (۶۰.۸٪) کاملاً موافق بر این هستند که به علت هزاره بودن از کار اخراج شده‌اند، ۷۱ تن (۲۰٪) موافق این موضوع، ۳۴ تن (۹.۶٪) در حدودی، ۷ تن (۲٪) کاملاً مخالف و ۲۷ تن (۷.۶٪) مخالف این موضوع هستند.

^{۷۸} جاده ابریشم. (۲۷ جولای ۲۰۲۵). پاکسازی قومی در اکادمی ملی نظامی؛ برکناری ۱۶ استاد هزاره‌تبار توسط طالبان. [https://jade-](https://jade-abresham.com/reports/۱۵۶۶۷)

[abresham.com/reports/۱۵۶۶۷](https://jade-abresham.com/reports/۱۵۶۶۷) بازدید ۲۸ جولای ۲۰۲۵

^{۷۹}. مصاحبه با یک تن از کارمندان سابق اکادمی ملی نظامی.

^{۸۰}. مصاحبه با یک تن از کارمندان سابق اکادمی ملی نظامی.

^{۸۱} مصاحبه با مردم.

گیاهان طبی: کوهستان‌های اکثر نواحی هزاره‌جات دارای گیاهان طبی می‌باشد که به‌صورت خودرو می‌روید، در سال‌های اخیر این گیاهان یک قسمت از عواید خانواده‌ها را تأمین می‌کرد؛ خانواده‌ها این گیاهان را از کوهستان جمع‌آوری نموده برای افرادی که تجارت این گیاهان را می‌کرد فروخته و یک‌بخشی از مصارف خانواده خویش را حاصل می‌نمودند ولی در سال جاری این منبع درآمد را هم طالبان از مردم گرفته و در انحصار خویش درآورده‌اند. در برخی مناطق هزاره‌جات افرادی را برای جمع‌آوری اعزام کرده‌اند، مثلاً در برخی ساحات ولسوالی ورس ولایت بامیان افرادی را جهت جمع‌آوری (ایله‌رنگ) رفته است که در مواردی با مردم منطقه برخورد هم داشته‌اند^{۸۴} و یا در ولسوالی مالستان ولایت غزنی ایله‌رنگ صحرا را با برخی افراد در مقابل مبالغی هنگفت قرارداد نموده‌اند^{۸۵}؛ همچنان در بعضی از مناطق ولسوالی جاغوری ولایت غزنی مردم را از جمع‌آوری راف/ هنگ وحشی برای زمستان مواشی منع نموده و برای جمع‌آوری شیر راف افرادی از نزدیکان اعضای طالبان در منطقه رفته است.^{۸۶}

ساحات گردشگری و شهری: در قسمت تأمین معیشت یک عده مردم شهرنشین مرکز ولایت بامیان ساحات گردشگری نقش عمده داشت که غذاهای محلی، صنایع‌دستی، مهمان‌خانه‌ها و فروش تکت ورودی بند امیر از جمله منابع مهم کسب درآمد بود اما در سال‌های حاکمیت طالبان اکثر این منابع به دلیل قوانین امر به معروف و نهی از منکر و بین رفته و بخش مهم باقی‌مانده فروش تکت ورودی بند امیر است که دو سال می‌شود توسط غازی برادر والی قبضه گردیده است.^{۸۷}

در دوران جمهوریت این دروازه از طریق اعلان عمومی به مزایده گذاشته می‌شد و افراد برنده بعد از طی مراحل قانونی و پرداخت مبلغ اجاره -در آخرین سال جمهوریت سه میلیون افغانی بود- اجازه فروش تکت ورودی بندامیر را به دست می‌آوردند.

در ساحات گردشگری از جمله بند امیر اجازه ارائه خدمات عمومی در مقابل پول -حتی پر آب نمودن آفتابه پیش دروازه تشناب که از هر آفتابه پنج تا ده افغانی می‌گیرد- از هزاره‌ها سلب شده و به اعضای طالبان یا افراد نزدیک به طالبان داده شده است.^{۸۸}

همین‌گونه چوکی داری شبانه شهر بامیان که مالیه‌اش هم دو برابر (از ۱۰۰ افغانی به ۲۰۰ افغانی) گردیده نیز در دست افراد اعضای طالبان می‌باشد.^{۸۹}

-%d8%a7%d8%b3%d8%aa%d8%ae%d8%b1%d8%a7-%d8%85-%d8%89-%d8%86-%d8%83-%d8%81-%d8%82-%d8%84-%d8%80-%d8%87-%d8%88-%d8%89-%d8%8a-%d8%8b-%d8%8c-%d8%8d-%d8%8e-%d8%8f-%d8%90-%d8%91-%d8%92-%d8%93-%d8%94-%d8%95-%d8%96-%d8%97-%d8%98-%d8%99-%d8%9a-%d8%9b-%d8%9c-%d8%9d-%d8%9e-%d8%9f-%d8%a0-%d8%a1-%d8%a2-%d8%a3-%d8%a4-%d8%a5-%d8%a6-%d8%a7-%d8%a8-%d8%a9-%d8%aa-%d8%ab-%d8%ac-%d8%ad-%d8%ae-%d8%af-%d8%b0-%d8%b1-%d8%b2-%d8%b3-%d8%b4-%d8%b5-%d8%b6-%d8%b7-%d8%b8-%d8%b9-%d8%ba-%d8%bb-%d8%bc-%d8%bd-%d8%be-%d8%bf-%d8%c0-%d8%c1-%d8%c2-%d8%c3-%d8%c4-%d8%c5-%d8%c6-%d8%c7-%d8%c8-%d8%c9-%d8%ca-%d8%cb-%d8%cc-%d8%cd-%d8%ce-%d8%cf-%d8%d0-%d8%d1-%d8%d2-%d8%d3-%d8%d4-%d8%d5-%d8%d6-%d8%d7-%d8%d8-%d8%d9-%d8%da-%d8%db-%d8%dc-%d8%dd-%d8%de-%d8%df-%d8%e0-%d8%e1-%d8%e2-%d8%e3-%d8%e4-%d8%e5-%d8%e6-%d8%e7-%d8%e8-%d8%e9-%d8%ea-%d8%eb-%d8%ec-%d8%ed-%d8%ee-%d8%ef-%d8%f0-%d8%f1-%d8%f2-%d8%f3-%d8%f4-%d8%f5-%d8%f6-%d8%f7-%d8%f8-%d8%f9-%d8%fa-%d8%fb-%d8%fc-%d8%fd-%d8%fe-%d8%ff-%d9%00-%d9%01-%d9%02-%d9%03-%d9%04-%d9%05-%d9%06-%d9%07-%d9%08-%d9%09-%d9%0a-%d9%0b-%d9%0c-%d9%0d-%d9%0e-%d9%0f-%d9%10-%d9%11-%d9%12-%d9%13-%d9%14-%d9%15-%d9%16-%d9%17-%d9%18-%d9%19-%d9%1a-%d9%1b-%d9%1c-%d9%1d-%d9%1e-%d9%1f-%d9%20-%d9%21-%d9%22-%d9%23-%d9%24-%d9%25-%d9%26-%d9%27-%d9%28-%d9%29-%d9%2a-%d9%2b-%d9%2c-%d9%2d-%d9%2e-%d9%2f-%d9%30-%d9%31-%d9%32-%d9%33-%d9%34-%d9%35-%d9%36-%d9%37-%d9%38-%d9%39-%d9%3a-%d9%3b-%d9%3c-%d9%3d-%d9%3e-%d9%3f-%d9%40-%d9%41-%d9%42-%d9%43-%d9%44-%d9%45-%d9%46-%d9%47-%d9%48-%d9%49-%d9%4a-%d9%4b-%d9%4c-%d9%4d-%d9%4e-%d9%4f-%d9%50-%d9%51-%d9%52-%d9%53-%d9%54-%d9%55-%d9%56-%d9%57-%d9%58-%d9%59-%d9%5a-%d9%5b-%d9%5c-%d9%5d-%d9%5e-%d9%5f-%d9%60-%d9%61-%d9%62-%d9%63-%d9%64-%d9%65-%d9%66-%d9%67-%d9%68-%d9%69-%d9%6a-%d9%6b-%d9%6c-%d9%6d-%d9%6e-%d9%6f-%d9%70-%d9%71-%d9%72-%d9%73-%d9%74-%d9%75-%d9%76-%d9%77-%d9%78-%d9%79-%d9%7a-%d9%7b-%d9%7c-%d9%7d-%d9%7e-%d9%7f-%d9%80-%d9%81-%d9%82-%d9%83-%d9%84-%d9%85-%d9%86-%d9%87-%d9%88-%d9%89-%d9%8a-%d9%8b-%d9%8c-%d9%8d-%d9%8e-%d9%8f-%d9%90-%d9%91-%d9%92-%d9%93-%d9%94-%d9%95-%d9%96-%d9%97-%d9%98-%d9%99-%d9%9a-%d9%9b-%d9%9c-%d9%9d-%d9%9e-%d9%9f-%d9%a0-%d9%a1-%d9%a2-%d9%a3-%d9%a4-%d9%a5-%d9%a6-%d9%a7-%d9%a8-%d9%a9-%d9%aa-%d9%ab-%d9%ac-%d9%ad-%d9%ae-%d9%af-%d9%b0-%d9%b1-%d9%b2-%d9%b3-%d9%b4-%d9%b5-%d9%b6-%d9%b7-%d9%b8-%d9%b9-%d9%ba-%d9%bb-%d9%bc-%d9%bd-%d9%be-%d9%bf-%d9%c0-%d9%c1-%d9%c2-%d9%c3-%d9%c4-%d9%c5-%d9%c6-%d9%c7-%d9%c8-%d9%c9-%d9%ca-%d9%cb-%d9%cc-%d9%cd-%d9%ce-%d9%cf-%d9%d0-%d9%d1-%d9%d2-%d9%d3-%d9%d4-%d9%d5-%d9%d6-%d9%d7-%d9%d8-%d9%d9-%d9%da-%d9%db-%d9%dc-%d9%dd-%d9%de-%d9%df-%d9%e0-%d9%e1-%d9%e2-%d9%e3-%d9%e4-%d9%e5-%d9%e6-%d9%e7-%d9%e8-%d9%e9-%d9%ea-%d9%eb-%d9%ec-%d9%ed-%d9%ee-%d9%ef-%d9%f0-%d9%f1-%d9%f2-%d9%f3-%d9%f4-%d9%f5-%d9%f6-%d9%f7-%d9%f8-%d9%f9-%d9%fa-%d9%fb-%d9%fc-%d9%fd-%d9%fe-%d9%ff-%da%00-%da%01-%da%02-%da%03-%da%04-%da%05-%da%06-%da%07-%da%08-%da%09-%da%0a-%da%0b-%da%0c-%da%0d-%da%0e-%da%0f-%da%10-%da%11-%da%12-%da%13-%da%14-%da%15-%da%16-%da%17-%da%18-%da%19-%da%1a-%da%1b-%da%1c-%da%1d-%da%1e-%da%1f-%da%20-%da%21-%da%22-%da%23-%da%24-%da%25-%da%26-%da%27-%da%28-%da%29-%da%2a-%da%2b-%da%2c-%da%2d-%da%2e-%da%2f-%da%30-%da%31-%da%32-%da%33-%da%34-%da%35-%da%36-%da%37-%da%38-%da%39-%da%3a-%da%3b-%da%3c-%da%3d-%da%3e-%da%3f-%da%40-%da%41-%da%42-%da%43-%da%44-%da%45-%da%46-%da%47-%da%48-%da%49-%da%4a-%da%4b-%da%4c-%da%4d-%da%4e-%da%4f-%da%50-%da%51-%da%52-%da%53-%da%54-%da%55-%da%56-%da%57-%da%58-%da%59-%da%5a-%da%5b-%da%5c-%da%5d-%da%5e-%da%5f-%da%60-%da%61-%da%62-%da%63-%da%64-%da%65-%da%66-%da%67-%da%68-%da%69-%da%6a-%da%6b-%da%6c-%da%6d-%da%6e-%da%6f-%da%70-%da%71-%da%72-%da%73-%da%74-%da%75-%da%76-%da%77-%da%78-%da%79-%da%7a-%da%7b-%da%7c-%da%7d-%da%7e-%da%7f-%da%80-%da%81-%da%82-%da%83-%da%84-%da%85-%da%86-%da%87-%da%88-%da%89-%da%8a-%da%8b-%da%8c-%da%8d-%da%8e-%da%8f-%da%90-%da%91-%da%92-%da%93-%da%94-%da%95-%da%96-%da%97-%da%98-%da%99-%da%9a-%da%9b-%da%9c-%da%9d-%da%9e-%da%9f-%da%a0-%da%a1-%da%a2-%da%a3-%da%a4-%da%a5-%da%a6-%da%a7-%da%a8-%da%a9-%da%aa-%da%ab-%da%ac-%da%ad-%da%ae-%da%af-%da%b0-%da%b1-%da%b2-%da%b3-%da%b4-%da%b5-%da%b6-%da%b7-%da%b8-%da%b9-%da%ba-%da%bb-%da%bc-%da%bd-%da%be-%da%bf-%da%c0-%da%c1-%da%c2-%da%c3-%da%c4-%da%c5-%da%c6-%da%c7-%da%c8-%da%c9-%da%ca-%da%cb-%da%cc-%da%cd-%da%ce-%da%cf-%da%d0-%da%d1-%da%d2-%da%d3-%da%d4-%da%d5-%da%d6-%da%d7-%da%d8-%da%d9-%da%da-%da%db-%da%dc-%da%dd-%da%de-%da%df-%da%e0-%da%e1-%da%e2-%da%e3-%da%e4-%da%e5-%da%e6-%da%e7-%da%e8-%da%e9-%da%ea-%da%eb-%da%ec-%da%ed-%da%ee-%da%ef-%da%f0-%da%f1-%da%f2-%da%f3-%da%f4-%da%f5-%da%f6-%da%f7-%da%f8-%da%f9-%da%fa-%da%fb-%da%fc-%da%fd-%da%fe-%da%ff-%db%00-%db%01-%db%02-%db%03-%db%04-%db%05-%db%06-%db%07-%db%08-%db%09-%db%0a-%db%0b-%db%0c-%db%0d-%db%0e-%db%0f-%db%10-%db%11-%db%12-%db%13-%db%14-%db%15-%db%16-%db%17-%db%18-%db%19-%db%1a-%db%1b-%db%1c-%db%1d-%db%1e-%db%1f-%db%20-%db%21-%db%22-%db%23-%db%24-%db%25-%db%26-%db%27-%db%28-%db%29-%db%2a-%db%2b-%db%2c-%db%2d-%db%2e-%db%2f-%db%30-%db%31-%db%32-%db%33-%db%34-%db%35-%db%36-%db%37-%db%38-%db%39-%db%3a-%db%3b-%db%3c-%db%3d-%db%3e-%db%3f-%db%40-%db%41-%db%42-%db%43-%db%44-%db%45-%db%46-%db%47-%db%48-%db%49-%db%4a-%db%4b-%db%4c-%db%4d-%db%4e-%db%4f-%db%50-%db%51-%db%52-%db%53-%db%54-%db%55-%db%56-%db%57-%db%58-%db%59-%db%5a-%db%5b-%db%5c-%db%5d-%db%5e-%db%5f-%db%60-%db%61-%db%62-%db%63-%db%64-%db%65-%db%66-%db%67-%db%68-%db%69-%db%6a-%db%6b-%db%6c-%db%6d-%db%6e-%db%6f-%db%70-%db%71-%db%72-%db%73-%db%74-%db%75-%db%76-%db%77-%db%78-%db%79-%db%7a-%db%7b-%db%7c-%db%7d-%db%7e-%db%7f-%db%80-%db%81-%db%82-%db%83-%db%84-%db%85-%db%86-%db%87-%db%88-%db%89-%db%8a-%db%8b-%db%8c-%db%8d-%db%8e-%db%8f-%db%90-%db%91-%db%92-%db%93-%db%94-%db%95-%db%96-%db%97-%db%98-%db%99-%db%9a-%db%9b-%db%9c-%db%9d-%db%9e-%db%9f-%db%a0-%db%a1-%db%a2-%db%a3-%db%a4-%db%a5-%db%a6-%db%a7-%db%a8-%db%a9-%db%aa-%db%ab-%db%ac-%db%ad-%db%ae-%db%af-%db%b0-%db%b1-%db%b2-%db%b3-%db%b4-%db%b5-%db%b6-%db%b7-%db%b8-%db%b9-%db%ba-%db%bb-%db%bc-%db%bd-%db%be-%db%bf-%db%c0-%db%c1-%db%c2-%db%c3-%db%c4-%db%c5-%db%c6-%db%c7-%db%c8-%db%c9-%db%ca-%db%cb-%db%cc-%db%cd-%db%ce-%db%cf-%db%d0-%db%d1-%db%d2-%db%d3-%db%d4-%db%d5-%db%d6-%db%d7-%db%d8-%db%d9-%db%da-%db%db-%db%dc-%db%dd-%db%de-%db%df-%db%e0-%db%e1-%db%e2-%db%e3-%db%e4-%db%e5-%db%e6-%db%e7-%db%e8-%db%e9-%db%ea-%db%eb-%db%ec-%db%ed-%db%ee-%db%ef-%db%f0-%db%f1-%db%f2-%db%f3-%db%f4-%db%f5-%db%f6-%db%f7-%db%f8-%db%f9-%db%fa-%db%fb-%db%fc-%db%fd-%db%fe-%db%ff-%dc%00-%dc%01-%dc%02-%dc%03-%dc%04-%dc%05-%dc%06-%dc%07-%dc%08-%dc%09-%dc%0a-%dc%0b-%dc%0c-%dc%0d-%dc%0e-%dc%0f-%dc%10-%dc%11-%dc%12-%dc%13-%dc%14-%dc%15-%dc%16-%dc%17-%dc%18-%dc%19-%dc%1a-%dc%1b-%dc%1c-%dc%1d-%dc%1e-%dc%1f-%dc%20-%dc%21-%dc%22-%dc%23-%dc%24-%dc%25-%dc%26-%dc%27-%dc%28-%dc%29-%dc%2a-%dc%2b-%dc%2c-%dc%2d-%dc%2e-%dc%2f-%dc%30-%dc%31-%dc%32-%dc%33-%dc%34-%dc%35-%dc%36-%dc%37-%dc%38-%dc%39-%dc%3a-%dc%3b-%dc%3c-%dc%3d-%dc%3e-%dc%3f-%dc%40-%dc%41-%dc%42-%dc%43-%dc%44-%dc%45-%dc%46-%dc%47-%dc%48-%dc%49-%dc%4a-%dc%4b-%dc%4c-%dc%4d-%dc%4e-%dc%4f-%dc%50-%dc%51-%dc%52-%dc%53-%dc%54-%dc%55-%dc%56-%dc%57-%dc%58-%dc%59-%dc%5a-%dc%5b-%dc%5c-%dc%5d-%dc%5e-%dc%5f-%dc%60-%dc%61-%dc%62-%dc%63-%dc%64-%dc%65-%dc%66-%dc%67-%dc%68-%dc%69-%dc%6a-%dc%6b-%dc%6c-%dc%6d-%dc%6e-%dc%6f-%dc%70-%dc%71-%dc%72-%dc%73-%dc%74-%dc%75-%dc%76-%dc%77-%dc%78-%dc%79-%dc%7a-%dc%7b-%dc%7c-%dc%7d-%dc%7e-%dc%7f-%dc%80-%dc%81-%dc%82-%dc%83-%dc%84-%dc%85-%dc%86-%dc%87-%dc%88-%dc%89-%dc%8a-%dc%8b-%dc%8c-%dc%8d-%dc%8e-%dc%8f-%dc%90-%dc%91-%dc%92-%dc%93-%dc%94-%dc%95-%dc%96-%dc%97-%dc%98-%dc%99-%dc%9a-%dc%9b-%dc%9c-%dc%9d-%dc%9e-%dc%9f-%dc%a0-%dc%a1-%dc%a2-%dc%a3-%dc%a4-%dc%a5-%dc%a6-%dc%a7-%dc%a8-%dc%a9-%dc%aa-%dc%ab-%dc%ac-%dc%ad-%dc%ae-%dc%af-%dc%b0-%dc%b1-%dc%b2-%dc%b3-%dc%b4-%dc%b5-%dc%b6-%dc%b7-%dc%b8-%dc%b9-%dc%ba-%dc%bb-%dc%bc-%dc%bd-%dc%be-%dc%bf-%dc%c0-%dc%c1-%dc%c2-%dc%c3-%dc%c4-%dc%c5-%dc%c6-%dc%c7-%dc%c8-%dc%c9-%dc%ca-%dc%cb-%dc%cc-%dc%cd-%dc%ce-%dc%cf-%dc%d0-%dc%d1-%dc%d2-%dc%d3-%dc%d4-%dc%d5-%dc%d6-%dc%d7-%dc%d8-%dc%d9-%dc%da-%dc%db-%dc%dc-%dc%dd-%dc%de-%dc%df-%dc%e0-%dc%e1-%dc%e2-%dc%e3-%dc%e4-%dc%e5-%dc%e6-%dc%e7-%dc%e8-%dc%e9-%dc%ea-%dc%eb-%dc%ec-%dc%ed-%dc%ee-%dc%ef-%dc%f0-%dc%f1-%dc%f2-%dc%f3-%dc%f4-%dc%f5-%dc%f6-%dc%f7-%dc%f8-%dc%f9-%dc%fa-%dc%fb-%dc%fc-%dc%fd-%dc%fe-%dc%ff-%dd%00-%dd%01-%dd%02-%dd%03-%dd%04-%dd%05-%dd%06-%dd%07-%dd%08-%dd%09-%dd%0a-%dd%0b-%dd%0c-%dd%0d-%dd%0e-%dd%0f-%dd%10-%dd%11-%dd%12-%dd%13-%dd%14-%dd%15-%dd%16-%dd%17-%dd%18-%dd%19-%dd%1a-%dd%1b-%dd%1c-%dd%1d-%dd%1e-%dd%1f-%dd%20-%dd%21-%dd%22-%dd%23-%dd%24-%dd%25-%dd%26-%dd%27-%dd%28-%dd%29-%dd%2a-%dd%2b-%dd%2c-%dd%2d-%dd%2e-%dd%2f-%dd%30-%dd%31-%dd%32-%dd%33-%dd%34-%dd%35-%dd%36-%dd%37-%dd%38-%dd%39-%dd%3a-%dd%3b-%dd%3c-%dd%3d-%dd%3e-%dd%3f-%dd%40-%dd%41-%dd%42-%dd%43-%dd%44-%dd%45-%dd%46-%dd%47-%dd%48-%dd%49-%dd%4a-%dd%4b-%dd%4c-%dd%4d-%dd%4e-%dd%4f-%dd%50-%dd%51-%dd%52-%dd%53-%dd%54-%dd%55-%dd%56-%dd%57-%dd%58-%dd%59-%dd%5a-%dd%5b-%dd%5c-%dd%5d-%dd%5e-%dd%5f-%dd%60-%dd%61-%dd%62-%dd%63-%dd%64-%dd%65-%dd%66-%dd%67-%dd%68-%dd%69-%dd%6a-%dd%6b-%dd%6c-%dd%6d-%dd%6e-%dd%6f-%dd%70-%dd%71-%dd%72-%dd%73-%dd%74-%dd%75-%dd%76-%dd%77-%dd%78-%dd%79-%dd%7a-%dd%7b-%dd%7c-%dd%7d-%dd%7e-%dd%7f-%dd%80-%dd%81-%dd%82-%dd%83-%dd%84-%dd%85-%dd%86-%dd%87-%dd%88-%dd%89-%dd%8a-%dd%8b-%dd%8c-%dd%8d-%dd%8e-%dd%8f-%dd%90-%dd%91-%dd%92-%dd%93-%dd%94-%dd%95-%dd%96-%dd%97-%dd%98-%dd%99-%dd%9a-%dd%9b-%dd%9c-%dd%9d-%dd%9e-%dd%9f-%dd%a0-%dd%a1-%dd%a2-%dd%a3-%dd%a4-%dd%a5-%dd%a6-%dd%a7-%dd%a8-%dd%a9-%dd%aa-%dd%ab-%dd%ac-%dd%ad-%dd%ae-%dd%af-%dd%b0-%dd%b1-%dd%b2-%dd%b3-%dd%b4-%dd%b5-%dd%b6-%dd%b7-%dd%b8-%dd%b9-%dd%ba-%dd%bb-%dd%bc-%dd%bd-%dd%be-%dd%bf-%dd%c0-%dd%c1-%dd%c2-%dd%c3-%dd%c4-%dd%c5-%dd%c6-%dd%c7-%dd%c8-%dd%c9-%dd%ca-%dd%cb-%dd%cc-%dd%cd-%dd%ce-%dd%cf-%dd%d0-%dd%d1-%dd%d2-%dd%d3-%dd%d4-%dd%d5-%dd%d6-%dd%d7-%dd%d8-%dd%d9-%dd%da-%dd%db-%dd%dc-%dd%dd-%dd%de-%dd%df-%dd%e0-%dd%e1-%dd%e2-%dd%e3-%dd%e4-%dd%e5-%dd%e6-%dd%e7-%dd%e8-%dd%e9-%dd%ea-%dd%eb-%dd%ec-%dd%ed-%dd%ee-%dd%ef-%dd%f0-%dd%f1-%dd%f2-%dd%f3-%dd%f4-%dd%f5-%dd%f6-%dd%f7-%dd%f8-%dd%f9-%dd%fa-%dd%fb-%dd%fc-%dd%fd-%dd%fe-%dd%ff-%de%00-%de%01-%de%02-%de%03-%de%04-%de%05-%de%06-%de%07-%de%08-%de%09-%de%0a-%de%0b-%de%0c-%de%0d-%de%0e-%de%0f-%de%10-%de%11-%de%12-%de%13-%de%14-%de%15-%de%16-%de%17-%de%18-%de%19-%de%1a-%de%1b-%de%1c-%de%1d-%de%1e-%de%1f-%de%20-%de%21-%de%22-%de%23-%de%24-%de%25-%de%26-%de%27-%de%28-%de%29-%de%2a-%de%2b-%de%2c-%de%2d-%de%2e-%de%2f-%de%30-%de%31-%de%32-%de%33-%de%34-%de%35-%de%36-%de%37-%de%38-%de%39-%de%3a-%de%3b-%de%3c-%de%3d-%de%3e-%de%3f-%de%40-%de%41-%de%42-%de%43-%de%44-%de%45-%de%46-%de%47-%de%48-%de%49-%de%4a-%de%4b-%de%4c-%de%4d-%de%4e-%de%4f-%de%50-%de%51-%de%52-%de%53-%de%54-%de%55-%de%56-%de%57-%de%58-%de%59-%de%5a-%de%5b-%de%5c-%de%5d-%de%5e-%de%5f-%de%60-%de%61-%de%62-%de%63-%de%64-%de%65-%de%66-%de%67-%de%68-%de%69-%de%6a-%de%6b-%de%6c-%de%6d-%de%6e-%de%6f-%de%70-%de%71-%de%72-%de%73-%de%74-%de%75-%de%76-%de%77-%de%78-%de%79-%de%7a-%de%7b-%de%7c-%de%7d-%de%7e-%de%7f-%de%80-%de%81-%de%82-%de%83-%de%84-%de%85-%de%86-%de%87-%de%88-%de%89-%de%8a-%de%8b-%de%8c-%de%8d-%de%8e-%de%8f-%de%90-%de%91-%de%92-%de%93-%de%94-%de%95-%de%96-%de%97-%de%98-%de%99-%de%9a-%de%9b-%de%9c-%de%9d-%de%9e-%de%9f-%de%a0-%de%a1-%de%a2-%de%a3-%de%a4-%de%a5-%de%a6-%de%a7-%de%a8-%de%a9-%de%aa-%de%ab-%de%ac-%de%ad-%de%ae-%de%af-%de%b0-%de%b1-%de%b2-%de%b3-%de%b4-%de%b5-%de%b6-%de%b7-%de%b8-%de%b9-%de%ba-%de%bb-%de%bc-%de%bd-%de%be-%de%bf-%de%c0-%de%c1-%de%c2-%de%c3-%de%c4-%de%c5-%de%c6-%de%c7-%de%c8-%de%c9-%de%ca-%de%cb-%de%cc-%de%cd-%de%ce-%de%cf-%de%d0-%de%d1-%de%d2-%de%d3-%de%d4-%de%d5-%de%d6-%de%d7-%de%d8-%de%d9-%de%da-%de%db-%de%dc-%de%dd-%de%de-%de%df-%de%e0-%de%e1-%de%e2-%de%e3-%de%e4-%de%e5-%de%e6-%de%e7-%de%e8-%de%e9-%de%ea-%de%eb-%de%ec-%de%ed-%de%ee-%de%ef-%de%f0-%de%f1-%de%f2-%de%f3-%de%f4-%de%f5-%de%f6-%de%f7-%de%f8-%de%f9-%de%fa-%de%fb-%de%fc-%de%fd-%de%fe-%de%ff-%df%00-%df%01-%df%02-%df%03-%df%04-%df%05-%df%06-%df%07-%df%08-%df%09-%df%0a-%df%0b-%df%0c-%df%0d-%df%0e-%df%0f-%df%10-%df%11-%df%12-%df%13-%df%14-%df%15-%df%16-%df%17-%df%18-%df%19-%df%1a-%df%1b-%df%1c-%df%1d-%df%1e-%df%1f-%df%20-%df%21-%df%22-%df%23-%df%24-%df%25-%df%26-%df%27-%df%28-%df%29-%df%2a-%df%2b-%df%2c-%df%2d-%df%2e-%df%2f-%df%30-%df%31-%df%32-%df%33-%df%34-%df%35-%df%36-%df%37-%df%38-%df%39-%df%3a-%df%3b-%df%3c-%df%3d-%df%3e-%df%3f-%df%40-%df%41-%df%42-%df%43-%df%44-%df%45-%df%46-%df%47-%df%48-%df%49-%df%4a-%df%4b-%df%4c-%df%4d-%df%4e-%df%4f-%df%50-%df%51-%df%52-%df%53-%df%54-%df%55-%df%56-%df%57-%df%58-%df%59-%df%5a-%df%5b-%df%5c-%df%5d-%df%5e-%df%5f-%df%60-%df%61-%df%62-%df%63-%df%64-%df%65-%df%66-%df%67-%df%68-%df%69-%df%6a-%df%6b-%df%6c-%df%6d-%df%6e-%df%6f-%df%70-%df%71-%df%72-%df%73-%df%74-%df%75-%df%76-%df%77-%df%78-%df%79-%df%7a-%df%7b-%df%7c-%df%7d-%df%7e-%df%7f-%df%80-%df%81-%df%82-%df%83-%df%84-%df%85-%df%86-%df%87-%df%88-%df%89-%df%8a-%df%8b-%df%8c-%df%8d-%df%8e-%df%8f-%df%90-%df%91-%df%92-%df%93-%df%94-%df%95-%df%96-%df%97-%df%98-%df%99-%df%9a-%df%9b-%df%9c-%df%9d-%df%9e-%df%9f-%df%a0-%df%a1-%df%a2-%df%a3-%df%a4-%df%a5-%df%a6-%df%a7-%df%a8-%df%a9-%df%aa-%df%ab-%df%ac-%df%ad-%df%ae-%df%af-%df%b0-%df%b1-%df%b2-%df%b3-%df%b4-%df%b5-%df%b6-%df%b7-%df%b8-%df%b9-%df%ba-%df%bb-%df%bc-%df%bd-%df%be-%df%bf-%df%c0-%df%c1-%df%c2-%df%c3-%df%c4-%df%c5-%df%c6-%df%c7-%df%c8-%df%c9-%df%ca-%df%cb-%df%cc-%df%cd-%df%ce-%df%cf-%df%d0-%df%d1-%df%d2-%df%d3-%df%d4-%df%d5-%df%d6-%df%d7-%df%d8-%df%d9-%df%da-%df%db-%df%dc-%df%dd-%df%de-%df%df-%df%e0-%df%e1-%df%e2-%df%e3-%df%e4-%df%e5-%df%e6-%df%e7-%df%e8-%df%e9-%df%ea-%df%eb-%df%ec-%df%ed-%df%ee-%df%ef-%df%f0-%df%f1-%df%f2-%df%f3-%df%f4-%df%f5-%df%f6-%df%f7-%df%f8-%df%f9-%df%fa-%df%fb-%df%fc-%df%fd-%df%fe-%df%ff-%e0%00-%e0%01-%e0%02-%e0%03-%e0%04-%e0%05-%e0%06-%e0%07-%e0%08-%e0%09-%e0%0a-%e0%0b-%e0%0c-%e0%0d-%e0%0e-%e0%0f-%e0%10-%e0%11-%e0%12-%e0%13-%e0%14-%e0%15-%e0%16-%e0%17-%e0%18-%e0%19-%e0%1a-%e0%1b-%e0%1c-%e0%1d-%e0%1e-%e0%1f-%e0%20-%e0%21-%e0%22-%e0%23-%e0%24-%e0%25-%e0%26-%e0%27-%e0%28-%e0%29-%e0%2a-%e0%2b-%e0%2c-%e0%2d-%e0%2e-%e0%2f-%e0%30-%e0%31-%e0%32-%e0%33-%e0%34-%e0%35-%e0%36-%e0%37-%e0%38-%e0%39-%e0%3a-%e0%3b-%e0%3c-%e0%3d-%e0%3e-%e0%3f-%e0%40-%e0%41-%e0%42-%e0%43-%e0%44-%e0%45-%e0%46-%e0%47-%e0%48-%e0%49-%e0%4a-%e0%4b-%e0%4c-%e0%4d-%e0%4e-%e0%4f-%e0%50-%e0%51-%e0%52-%e0%53-%e0%54-%e0%55-%e0%56-%e0%57-%e0%58-%e0%59-%e0%5a-%e0%5b-%e0%5c-%e0%5d-%e0%5e-%e0%5f-%e0%60-%e0%61-%e0%62-%e0%63-%e0%64-%e0%65-%e0%66-%e0%67-%e0%68-%e0%69-%e0%6a-%e0%6b-%e0%6c-%e0%6d-%e0%6e-%e0%6f-%e0%70-%e0%71-%e0%72-%e0%73-%e0%74-%e0%75-%e0%76-%e0%77-%e0%78-%e0%79-%e0%7a-%e0%7b-%e0%7c-%e0%7d-%e0%7e-%e0%7f-%e0%80-%e0%81-%e0%82-%e0%83-%e0%84-%e0%85-%e0%86-%e0%87-%e0%88-%e0%89-%e0%8a-%e0%8b-%e0%8c-%e0%8d-%e0%8e-%e0%8f-%e0%90-%e0%91-%e0%92-%e0%93-%e0%94-%e0%95-%e0%96-%e0%97-%e0%98-%e0%99-%e0%9a-%e0%9b-%e0%9c-%e0%9d-%e0%9e-%e0%9f-%e0%a0-%e0%a1-%e0%a2-%e0%a3-%e0%a4-%e0%a5-%e0%a6-%e0%a7-%e0%a8-%e0%a9-%e0%aa-%e0%ab-%e0%ac-%e0%ad-%e0%ae-%e0%af-%e0%b0-%e0%b1-%e0%b2-%e0%b3-%e0%b4-%e0%b5-%e0%b6-%e0%b7-%e0%b8-%e0%b9-%e0%ba-%e0%bb-%e0%bc-%e0%bd-%e0%be-%e0%bf-%e0%c0-%e0%c1-%e0%c2-%e0%c3-%e0%c4-%e0%c5-%e0%c6-%e0%c7-%e0%c8-%e0%c9-%e0%ca-%e0%cb-%e0%cc-%e0%cd-%e0%ce-%e0%cf-%e0%d0-%e0%d1-%e0%d2-%e0%d3-%e0%d4-%e0%d5-%e0%d6-%e0%d7-%e0%d8-%e0%d9-%e0%da-%e0%db-%e0%dc-%e0%dd-%e0%de-%e0%df-%e0%e0-%e0%e1-%e0%e2-%e0%e3-%e0%e4-%e0%e5-%e0%e6-%e0%e7-%e0%e8-%e0%e9-%e0%ea-%e0%eb-%e0%ec-%e0%ed-%e0%ee-%e0%ef-%e0%f0-%e0%f1-%e0%f2-%e0%f3-%e0%f4-%e0%f5-%e0%f6-%e0%f7-%e0%f8-%e0%f9-%e0%fa-%e0%fb-%e0%fc-%e0%fd-%e0%fe-%e0%ff-%e1%00-%e1%01-%e1%02-%e1%03-%e1%04-%e1%05-%e1%06-%e1%07-%e1%08-%e1%09-%e1%0a-%e1%0b-%e1%0c-%e1%0d-%e1%0e-%e1%0f-%e1%10-%e1%11-%e1%12-%e1%13-%e1%14-%e1%15-%e1%16-%e1%17-%e1%18-%e1%19-%e1%1a-%e1%1b-%e1%1c-%e1%1d-%e1%1e-%e1%1f-%e1%20-%e1%21-%e1%22-%e1%23-%e1%24-%e1%25-%e1%26-%e1%27-%e1%28-%e1%29-%e1%2a-%e1%2b-%e1%2c-%e1%2d-%e1%2e-%e1%2f-%e1%30-%e1%31-%e1%32-%e1%33-%e1%34-%e1%35-%e1%36-%e1%37-%e1%38-%e1%39-%e1%3a-%e1%3b-%e1%3c-%e1%3d-%e1%3e-%e1%3f-%e1%40-%e1%41-%e1%42-%e1%43-%e1%44-%e1%45-%e1%46-%e1%47-%e1%48-%e1%49-%e1%4a-%e1%4b-%e1%4c-%e1%4d-%e1%4e-%e1%4f-%e1%50-%e1%51-%e1%52-%e1%53-%e1%54-%

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر اساس یافته‌های این تحقیق در سال چهارم حاکمیت طالبان، وضعیت امنیتی، اجتماعی و اقتصادی هزاره‌ها به‌طور چشم‌گیری وخیم‌تر شده است. از لحاظ امنیتی این گروه قومی هدف خشونت‌های مستقیم از سوی طالبان، کوچی‌ها و سایر گروه‌های افراطی قرار گرفته‌اند. قتل‌های هدفمند، دستگیری‌های خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری، غصب اراضی و کوچ‌های اجباری از جمله مواردی هستند که در سراسر مناطق هزاره‌نشین اتفاق افتاده است.

از منظر اجتماعی و اقتصادی، طالبان با وضع محدودیت‌های شدید علیه زنان و دختران هزاره، از جمله ممنوعیت آموزش و دستگیری‌ها و زندانی کردن غیرقانونی و ناپدید کردن دختران، پایه‌های زیست اجتماعی آنان را تضعیف کرده‌اند. تبعیض در توزیع کمک‌های بشردوستانه، به‌ویژه در مورد بازگشت‌کنندگان از ایران و پاکستان، نابرابری را تشدید کرده است. به‌طور کلی، ساختار تبعیض‌آمیز طالبان، جامعه هزاره را در وضعیت بحرانی و حاشیه‌ای قرار داده است.

حکومت طالبان نه تنها در جهت تأمین عدالت، امنیت و رفاه برای همه شهروندان عمل نکرده، بلکه با اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوب‌گرانه، به‌ویژه علیه جامعه هزاره، زمینه‌ساز بحران‌های عمیق انسانی، اجتماعی و اقتصادی شده است. تداوم این وضعیت می‌تواند به نابودی تدریجی ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی و اقتصادی این گروه منجر شود. از این‌رو، توجه فوری جامعه جهانی، نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت، مستندسازی نقض حقوق هزاره‌ها و جلوگیری از پاک‌سازی قومی ضروری و حیاتی است.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، برای بهبود وضعیت هزاره‌ها پیشنهادات ذیل را ارائه می‌کنیم:

در بخش امنیتی

- ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق از موارد تبعیض، خشونت، دستگیری‌های خودسرانه، غصب زمین و سایر موارد نقض حقوق بشر علیه هزاره‌ها.
- مستندسازی تخلفات امنیتی علیه هزاره‌ها و ارسال آن به مجامع بین‌المللی.
- درخواست از نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل، محکمه جزای بین‌المللی، شورای حقوق بشر) برای بررسی سیستماتیک جرایم صورت گرفته علیه هزاره‌ها به‌عنوان نسل‌کشی هزاره‌ها.

در بخش اجتماعی

- تقویت ظرفیت رسانه‌ای جامعه هزاره برای مستندسازی و رساندن صدای‌شان به جهان.
- ایجاد صندوق‌های ویژه حمایت از بازگشت‌کنندگان هزاره از ایران و پاکستان.
- راه‌اندازی کمپین‌های جهانی در شبکه‌های اجتماعی برای معرفی وضعیت هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان
- استفاده از ابزارهای هنری، ادبی و فرهنگی برای رساندن صدای رنج‌دیده‌ی مردم هزاره به افکار عمومی جهان

در بخش اقتصادی

- درخواست از سازمان‌های بین‌المللی برای افزایش کمک‌های بشری در مناطق هزاره‌نشین با نظارت مستقل جهت جلوگیری از تبعیض در توزیع کمک‌ها.
- راه‌اندازی پروژه‌های جمع‌آوری کمک و سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای کوچک از طریق دیاسپورای هزاره.
- جلب حمایت مهاجران هزاره برای ایجاد شبکه‌های پشتیبانی مالی، آموزشی، و بازار فروش محصولات محلی.

بخش سوم: ضمائم

الف: سوالات پرسش‌نامه

۱. جنسیت:

الف: مرد

ب: زن

ج: ترجیح می‌دهم پاسخ ندهم

۲. سن:

الف: کمتر از ۱۸ سال

ب: ۱۸ تا ۲۵ سال

ج: ۲۶ تا ۳۵ سال

د: ۳۶ تا ۵۰ سال

و: بالاتر از ۵۰ سال

۳. محل سکونت فعلی شما:

(.....)

۴. سطح تحصیلات شما:

الف: بی‌سواد

ب: مکتب ابتدایی-لیسه

ج: تحصیلات دانشگاهی (لیسانس)

د: تحصیلات عالی تر (ماستری یا دکترا)

بخش اول-وضعیت امنیتی

۱. با این جمله به چه اندازه موافق هستید: امنیت عمومی در منطقه هزاره‌نشین که من در آنجا ساکن هستم در یک سال

گذشته بدتر شده است.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۲. با این جمله به چه اندازه موافق هستید: من در یک سال گذشته به فکر مهاجرت و پیدا کردن جای امن برای زندگی بوده‌ام.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۳. با این جمله چقدر موافق هستید: طالبان با گماشتن افراد شان در ادارات دولتی، باعث افزایش میزان تبعیض فرهنگی و مذهبی و ناامنی روانی در منطقه من شده است.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۴. با گماشته شدن افراد طالبان در ادارات دولتی، اخذ مالیات غیرقانونی افزایش یافته است.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۵. اگر تجربه شخصی یا اطلاعاتی در باره تهدیدهای امنیتی، فشار طالبان، غصب زمین، برخورد تبعیض آمیز در منطقه خود دارید، لطفاً در اینجا بنویسید (اختیاری).

.....

بخش دوم - وضعیت اجتماعی

۶. با این جمله چقدر موافق هستید: دختران خانواده من در سال اخیر به هیچ فرصتی آموزشی و شغلی دسترسی نداشته اند.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۷. با این جمله چقدر موافق هستید: دختران در خانواده و منطقه‌ی من، به دلیل حاکمیت طالبان مجبور به ازدواج اجباری شده‌اند.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۸. با تسلط طالبان، دسترسی به خدمات اولیه‌ی صحتی دشوار شده است.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۹. با این جمله چقدر موافق هستید: من به دلیل هزاره بودن از کار برکنار شده‌ام.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۱۰. من شاهد اولویت دادن در رسیدگی به درخواست یک هم‌وطن غیر هزاره‌ام نسبت به خودم حین مراجعه به ادارات دولتی بودم.

الف- خیلی زیاد

ب- زیاد

ج- تا حدودی

د- کم

هـ- خیلی کم

۱۱. با این جمله چقدر موافق هستید: در یک سال گذشته مجبور به جابجایی داخلی و کوچ اجباری شده‌ام.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۱۲. من و خانواده‌ام در یک سال گذشته تجربه مهاجرت اجباری از یکی از کشورهای زیر را داریم.

الف- ایران

ب- پاکستان

ج- هیچ‌کدام

۱۳. اگر بلی، چه مشکلاتی را تجربه کرده‌اید؟

الف- خشونت در مرز

ب- نداشتن سرپناه

ج- فقدان دریافت کمک

د- تبعیض در توزیع کمک‌ها

بخش سوم- وضعیت اقتصادی

۱۴. در حال حاضر، وضعیت اقتصادی خانواده‌تان را چگونه توصیف می‌کنید؟

الف- بسیار ضعیف

ب- ضعیف

ج- متوسط

د- خوب

ه- عالی

۱۵. با این جمله چقدر موافق هستید: در مقایسه با سال گذشته، وضعیت اقتصادی من و خانواده‌ام بهتر شده است.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۱۶. با این جمله چقدر موافق هستید: منابع و پروژه‌های اقتصادی در منطقه‌ای من به‌طور منصفانه توزیع شده است.

الف- کاملاً موافق

ب- موافق

ج- تا حدودی

د- مخالف

و- کاملاً مخالف

۱۷. اوسط درآمد ماهیانه خانواده شما چقدر است؟

الف- کمتر از ۵۰۰۰ افغانی

ب- ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ افغانی

ج- ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ افغانی

د- بیشتر از ۲۰۰۰۰ افغانی

هـ- ترجیح می‌دهم پاسخ ندهم

۱۸. منبع اصلی درآمد خانواده شما چیست؟

الف- کارمند دولتی

ب- کارمند مؤسسات خارجی

ج- شغل آزاد

د- بیکار

ب: فراخوان همکاری

فراخوان ۱:

با توجه به اینکه نسل‌کشی هزاره‌ها در افغانستان همچنان ادامه داشته و گروه‌های تروریستی در تلاش‌اند تا این مردم را به دلیل تعلق قومی و مذهبی هدف قرار دهند. به‌منظور ثبت جنایات صورت گرفته در گذشته مصداق بارز نسل‌کشی می‌باشد، در مجامع بین‌المللی و زمینه‌سازی برای محاکمه عادلانه عاملین آن از تمامی شما تقاضا می‌گردد تا معلومات خویش را در پیوند به کشتار هزاره‌ها و شیعیان معلومات ذیل را از طریق ایمیل آدرس زیر:

مشخصات فرد کشته / شهید شده:

اسم و تخلص:

اسم پدر:

سال تولد:

قومیت:

محل تولد:

سکونت اصلی:

سکونت قبل از شهادت:

تاریخ شهادت:

حادثه که سبب شهادت شده:

محل دفن:

عکس:

معلومات فوق را به این ایمیل آدرس: contact@hazaragenocide.com

یا از طریق این لینک <https://www.hazaragenocide.com/register-a-victim> با ما شریک سازید.

فراخوان ۲:

به‌منظور ثبت همه‌جانبه، بی‌طرف و مسلکی حوادث تروریستی و مظالم علیه مردم افغانستان، از همه شما تقاضا مندیم تا شبکه تحلیلگران بلاق را با شریک سازی اطلاعات همکاری نمایید. ما در تلاش هستیم تا وضعیت عموم مردم افغانستان را در زیر سلطه حاکمیت طالبان به تحلیل بگیریم. اگر علاقه‌مند همکاری با شبکه تحلیلگران بلاق هستید، می‌توانید از طریق ایمیل آدرس ذیل در ارتباط شوید.

ایمیل آدرس: editor@bolaq.org

نوت: این تحقیق قرار است در زمان مناسب آن مرور مجدد و بازنگری گردد، اگر تصور می‌کنید موارد وجود دارد که به آن اشاره نشده می‌توانید برای مرور بعدی با ما شریک سازید.

editor@bolaq.org

